باشی و از خود را باج کس محتاج نکرده
و دل بر کسی نبسته که هیچ قدرت انداما غایب
کار تو بمراد دل تو بود و از غیب خبری خوش بشنوی
و از آنچه مرتب است ایمن باشی و امیدها اندیشه مقصود
دل برآید ان شاء الله تعالی قال اسحق
قال الله تبارک وتعالی
ای خداوند فال بدان که بسیار بلا بتو رسیده
بود و بسیار کشیدی و امید چنان است
که خدا تعالی ترا درین روز این بلاها ابر

اما قومی بر تو مکر میکنند و دشمنی تو را میخوا
هند خدای تعالی تو را برایشان ظفر دهد
خدای تعالی تو را فرزندی خواهد داد و فرزندش
بر تو مبارک هست و حاجتی و
و مرادی که داری اما با یکی دشمنی
و بگفتار او میکنی و گفتار او را نباید شنید
و از شخص بلند و باریک اندام و زرد
رنگ ایمن مباش و روز دوشنبه و پنج
شنبه بر تو مبارک باشد و کامران باشد و خبر
خوش از

خوش از غیب بتو برسد و بکام دل رسی
و امسال از سالهای گذشته خوبتر بر تو خواهد
گذشت الله در نماز کاهلی مکن و با تقوی باش
تا به بلا گرفتار نشوی ان شاء الله تعالی

فال یعقوب ع قال الله تعالی

ای خداوند فال بدانکه بسیار غم و اندوه
خورده و جور کشیدی و آسیب از چیزی برداشته
حق سبحانه تعالی در ساعت بر روی تو
گشاید و تو را از همه غمها برهاند چنانکه یوسف را

از رنج برهانید و یعقوب خبر یافت و از فراق
یوسف در روزی و سعادت بر تو بسته
شده بود اکنون بشارت تو را که درهای خیر
بر تو گشاده کرداند و آفتاب در طالع تو بر آید
و یوسف بتو باز رسد و می بعد خوش و خرم خواهی نشست
بود دیگر طالع نحس در دامنت نخواهد نشست
و به بخت و فیروزی خواهی رسید و از غیب
خبر خوش به تو رسد و جرا بید رغازی ها نکنی
تا بمراد برسی انشاء الله تعالی
فال دوم

بر تو شمشیر کشیدند گفت ای سلطان اگر تمام
عالم بر سر شمشیر بزنند نتوانند یک موی از سر من
کم کنند بجهت این اسم اعظم که با خود دارم نگاه کردند
در میان کلاه او این مربع بود بند طلسم نخست

و ب	ص چ	م ا
چ ص	م ا	د ب
م ه	د ب	ص ا

طلسم

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

ح	و	د	ب
ب	د	و	ح
و	ح	ب	د
د	ب	ح	و

۶ی	۱ع	۸ل
۷ع	۵ل	۳ی
۲ل	۹ی	۴ع

ه ااا آحم //// اا ااهم

[illegible]

محاسل محاسل حرجال مهاسل

۳ ااعععا

(۱۰۲) ۱۰۲

۳۵	۳۰ ۵	۳۷
۳۶	۳۴	۳۲
۳۱	۳۸	۳۳

۱۰۲

نوع دیگر

نوع دیگر اگر خواهی که زبان دشمن را بسته
گردانی که تا قیامت بسته بماند نخ هفت لای که دختر
رشته باشد بیاوری و سورهٔ الم نشرح را بخوانی و هر
مرتبه که میخوانده باشی یک گره بر نخ بزنی تا هفت
گره بشود و هر وقت که گره میزده باشی بگویی که بستم
زبان فلان ابن فلان را و در باره فلان و حال
بسته گردانم و میباید که این مربع را بنویسد و نخ در
زیر سنگ گران کند تا وقتی که او در زیر سنگ باشد
زبان وی بسته گردد و در وقت عمل با وضو و طهارت
باشد و روی خود را بقبله کند و نخ را خود را در زیر
دندان خود بگیرد و این مربع بنویسد شک نیاورد
که کافر گردد و نعوذ بالله طلسم بسته

نوع دیگر از جهة زبان بندی اگر خواهی زبان مردم
را به بندی باید که این وفق سوا از خانه آتش برکند
در دیوار خانه بر هیچ بید بگوید زبان جمیع دشمنان
بسته گردد و این است دعا هذا دعا

١١٤٥٥١١٣١١١٣٧

بکم	صم	بکم
عمی	صم	عمی
صم	عمی	بکم

صح صح صح صح

٤٤٨٩٩١ ١١١١ ط ١١١ ٩١١ ٩١١

٤١١ ٤١١١ ٤ ٤ ٤ نوع دیگر رد بستن دزدی
جناب محمد مصطفی ص در مسجد موعظه میفرمودند که ناگاه
شخصی با صورت عجیب و غریب داخل مسجد

١٣٦٦	١٣٥٩	١٣٦٤
١٣٦١	١٣٦٣	١٣٦٥
١٣٦٢	١٣٦٧	١٣٦٠

٤٠٨٩

٣٠٨٩

صم	دهم	یا صبور	عمی	١	١٤	١١	٨
یا جبار	بکم	بکم	یا باسط	١٢	٧	٢	١٣
صم	فهم	یا بدیع	عمی	٦	٩	١٦	٣
یا بدوح	فهم	یا حفیظ	یا معطی	١٥	٤	٥	١٠

٣٤

صح صح صح صح

٩ ٣ ١
٥ ٢ ٤
٦ ٧ ٨

٣ ١١١١١

رسول را کردید که مردم تمام متفرق شدند بعد آمد مشرف
خدمت حضرت پیغمبر شد جناب پیغمبر فرمودند که ای
شخص از کجا می آیی عرض کرد که یا رسول الله از مملکت
مملکت پریان می آیم که جای پریان می باشد و حضرت رافع
از پیش پادشاه پریان می آیم جناب پیغمبر فرمودند
که چه مطلب داری عرض کرد که یا رسول الله در میان
ما ها ناخوشی بسیار پیدا شده و پادشاه دیوان
بر پادشاه خروج کرده ما و تمام ضایع کرده
پادشاه مرا خدمت شما فرستاده که از برای ما ها
کمک بدهید جناب پیغمبر فرمودند که این مربع را
به برید و شما پریان با خود نگاه دارید بدعوا برید
هیچ ضرر بشما نخواهد رسید و همراه خود نگاه دارید تا
خوشی رفع خواهد شد و باید در وقت نگاه داشتن

این مربع

این مربع باد درود باشد که این مربع بزرگ است جناب
پیغمبر فرمودند که این مربع دوازده خاصیت دارد اول از برای
نظر حکام و سلاطین دوم در نظر خلق خواص که تبع بند است
سیم از برای جمیع بلاهای ارضی و سماوی مجرب است
چهارم از برای برکت رزق پنجم از برای مرگ مفاجات
ششم از برای حفظ بدن هفتم از برای هم و غم هشتم
از برای هر مهمی که پیش آید نهم از برای زراعت که خواهد
بکنند باید که این مربع را با آب پاک بشویند و در بالای آن
تخم افشانند بذر نیکو شود دهم از برای محبت با خود نگاه
دارد جمیع خلایق محب او شوند یازدهم از برای ظفر
یافتن جمیع خلایق دوازدهم از برای سفر رفتن این مربع را
در میان بار نهند سلامت رود و باز آید مختصر

کردم تا خواننده و نویسنده را ملال نگیرد والله اعلم بالصواب

هذا

۲: ۸ ۱ بج

۳۳۵	۳۲۸	۳۳۱	۳۱۸
۳۳۰	۳۱۹	۳۲۵	۳۲۹
۳۲۰	۳۳۳	۳۲۶	۳۲۳
۳۲۷	۳۲۳	۳۲۱	۳۳۲

اگر خواهی که کسی را از راه دور بیاوری می باید که این
نقش را بنویسد و در آتش بگذارد و می باید در فعل
بسم الله بنویسد و سوره مبارکه یس را هفت مرتبه
بخواند بنام هر کس که خواهد در حال شوریده و حیران
بیاید و باید در وقت خواندن با کسی حرف نزند

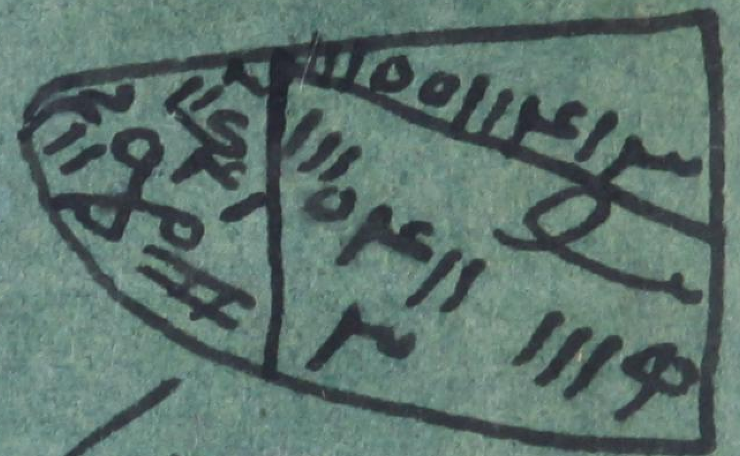
بحرزوی

که ضرر بوی میرسد و در وقت نوشتن بوی خوش
دود کند و به کرک چراغ بسوزاند در حال مطلوب بیاید



جهت درد سر و پریشانی دماغ درد کند بسیار مجربست

۷	۲	۹
۸	۶	۴
۳	۱۰	۵



اگر کسی را مار یا عقرب گزیده باشد این سطر را هفت
مرتبه بخواند و بدمد در حال بفرمان خدا به شود سطر
هندی نیست اگر سگ آزد و کافر کرد ولعوذ بالله

اجندهن اجندلی سونی سوالی
گنالری لی بجی پیران نظاره
باقرها ادجی دردی قراری صنام
مرتضا علی کون چون فسیکفیکهم الله

اگر خواهی
نوع دیگر ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۳ ۱۱ ۴ ۱۱ ۹ ۱۱ لله
که کسی را گرد نامه کنی باین طریق بنویسید گرد نامه را
این است



الطالع الحمل الرجال جالینوس و جاماسپ حکیم
گفته اند که طالع مریخ است و آتشی باشد و نر است
و منقلب و ستاره پادشاهان باشد و شرف آفتاب
باشد و هبوط زحل است و وبال زهره باشد و گرم
خشک است و مزاج وی تلخ است و صفرا دارد و او را
سه وجه است وجه اول مریخ دویم شمس سیم زهره اگر
وجه مریخ کند مردی بود نیکو روی نیکو خوی و فراخ
سینه و نزدیک چشم و میانه بالا و باریک صورت
و نیکو گفتار و پرهیزکار و مردم دوست و مهربان
و سخن دان و کریم و همه به دوست و حلال خوار
و سازکار باشد و دروغ را دوست ندارد و با همه جمع

ب زد داو را همه کس دوست دارند و خداوندای
طالع را دولت و نعمت بسیار بود و فرزندانش بسیار باشند
اما کم بمانند و در پیش بزرگان عزیز و با حرمت باشد و چون
ماه نو به بیند در روی سر سبزه نگاه کند چون پیش
بزرگان رود و بدست راست بنشیند تا حاجتش روا
شود هر آنکه خانهٔ نفس وی را در برج حمل یافتم چون
بخوابد سر بمشرق کند و پا بسوی مغرب تا از آفت
خواب ایمن گردد و باید پیوسته با طهارت بخوابد [illegible]
هر اد آید و خانهٔ مال و ملک وی را در برج ثور دیدم
پیوسته فراخ روزی بود هر چند که عمر وی بیشتر شود
مال و نعمت وی زیاده گردد و از چهارپایان شکفته

ادو بو نیکو

دلو حوت
ز ماده هر برج بکدام ستاره منسوب

حمل ثور جوزا سرطان اسد
مریخ زهره عطارد شمس مشتری
سنبله میزان عقرب قوس جدی
عطارد زهره مریخ مشتری زحل
دلو حوت
زهره مشتری هر برجی منسوبست
حمل ثور جوزا سرطان اسد
شنبه جمعه چهارشنبه دوشنبه یکشنبه
سنبله میزان عقرب قوس جدی
چهارشنبه جمعه سه شنبه پنجشنبه دوشنبه
دلو حوت
شنبه پنجشنبه ایضا هر برجی بکدام
[illegible] منسوبست

حمل ثور جوزا سرطان اسد سنبله
روز شب روز شب روز شب
میزان عقرب قوس جدی دلو حوت
روز شب روز شب روز شب

حمل ثور جوزا سرطان اسد
هند روم روس یمن ترکستان
سنبله میزان عقرب قوس
مغرب مشرق جنوب شمال
جدی دلو حوت
ماوراء النهر خراسان ظلمات

هذا کتاب طالع من تصنیف دانیال پیغمبر ع

بسم الله الرحمن الرحیم

و چون خواهی که طالع کسی را بدانی نام آن کس
و نام مادرش را بحساب حروف ابجد اعداد

نماید و شما

نماید و شماره بنویسند و بیفکنند دوا
زده دوازده طرح نماید اگر یک ماند
حمل باشد و اگر دو ماند ثور باشد و اگر
سه ماند جوزا باشد و اگر چهار ماند
سرطان و اگر پنج ماند اسد و شش سنبله
و هفت میزان و هشت عقرب نه قوس
ده جدی یازده دلو دوازده حوت
بهمین قرار بیفکنند و بحساب آورد والله اعلم

کتاب طالع نامه مردان

کتاب طالع نامه مردان

بسم الله الرحمن الرحیم

ا ب ج د ه و ز ح ط ی

١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩ ١٠

ک ل م ن س ع ف ص ق

٨ ٦ ٤ ٢ ط ١
٨ ٦ ٤

ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ لا

٨ ط ٨ ٤ ط ٤ ٨ ط ٤

حمل ثور جوزا سرطان اسد سنبله

١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦

میزان عقرب قوس جدی دلو حوت

٧ ٨ ٩ ١٠ ١١ ١٢

الطالع الحمل الرجا

نوع دیگر اگر خواسته باشد چیزی از جای بجایی
بسلامت رود باید این دعا را بنویسد و در میان
بار نهد اگر همه عالم دشمن وی باشد ضرر با و نه توانند
رسانید بفرمان خدای تعالی این از جمله مجربات است
ثابت شد و در خاصیت بسیار دارد مختصر کردیم تا ملال نگیرد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین شکراً لنعمة
ولا اله الا الله اقراراً بربوبیته ولا
حول ولا قوة الا بالله العظیم یا عظیماً
لعظمته یا کریم الکرامة برحمتک یا ارحم
الراحمین یا الله یا رحمن یا رحیم

حساب دوازده برج بدین طریق است

حمل ثور جوزا سرطان اسد سنبله

آتشی خاکی آبی آتشی خاکی

میزان عقرب قوس جدی دلو

بادی آبی آتشی خاکی بادی

حوت | حمل ثور جوزا سرطان

آبی | موش بقر پلنگ خرگوش

اسد سنبله میزان عقرب

نهنگ مار اسب گوسفند

قوس جدی دلو حوت

میمون مرغ سگ خوک

حمل ثور جوزا سرطان اسد

نر ماده نر ماده نر

سنبله میزان عقرب قوس جدی

ماده نر ماده نر ماده

دلو

نوع دیگر اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار گردانی

یا از جا دوری نزدیک آوری این قریش سه هفت

بار بخواند به نیت آنکس بر فلفل دمد و فلفل را در

آتش اندازد اگر سنگ باشد مبتلا گردد و اگر بیاید

همیشه و زعفران بخواند و دو کند در حال بیاید و اگر گاه

میان زن و شوهر ناسازگاری باشد این قریش بر

روز جمعه بر فلفل سفید بخواند چهل و یکبار به چنان شوند

که لیلی و مجنون اگر خواهی خواب کسی بسته بندی

پیشی از نماز بر قفل فولاد بخواند بنام کسی خواب

بسته شود و اگر کسی در دست ظالم مبتلا باشد

خواهد که کسی او سو نه بیند این دعا سه بخواند

و بر ران خود دمد کسی او سو نه بیند دعا

مبارک قریش اینست

هذا دعاء قریش

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم یا الله یا الله یا احد یا صمد

یا سند یا حی یا قیوم یا قدیم یا ناصر

یا خالق یا باری یا رازق یا رحیم یا

یا غافر الذنوب یا ساتر العیوب

یا حلیم یا کریم وصلی الله علی

محمد وآله یا کهکجیج عاا ع ٥ ٨ ٩ ع ع ع

ص ااا ٣ م ٨ ٪ ع ط اا ع

نوع دیگر اگر خواهی کسی را مسخر گردانی که از راه

دور بیاوری این سطر هفت مرتبه بخواند نماز شام و روی

انگشت [illegible]

خواندن دعا با وضو باشد دعای مجرب است

فی الدعا

بسم الله الرحمن الرحیم

ومن یتق الله یجعل له مخرجا ویر

زقه من حیث لا یحتسب ان الله

خبیر بما تعملون کرفتم زبان فلان ابن فلان

ااا ع ع

و دربارهٔ فلان ابن فلان ص ٣ ااا ع اا ٥٥٥ ٩

نوع دیگر اگر خواهی میان دو کس عداوت اندازی [illegible]

کاسه چوب کهنه بیاور دو [illegible] بر

[illegible] نه بنویسد [illegible] زیر سنگ گران

کند و بالای آن سنگ قدری آتش کند در [illegible]

عداوت افتد دعا مجرب است ١١١ع

٥٥ط١١١ع ٩ عج صح ١١١ مح ١١٩

وا سح سح اسـم ١١٩ع سعح سعح ١١٩

١١٩ ١٣١ع ١١٣ مح ١١١٥٥٥ ١١١ع ١١٩ ١١

نوع دیگر اگر خواهی میان دو کس جدائی افکنی که تا
قیامت روی یکدیگر نه بینند این آیه را بنویسد
در کاغذ به چهار پاره بنویسد و دو کاغذ را یکی
یکسو و یکی به ماده و بعد دو پاره دیگر را
در قبر کهنه دفن کند چنان جدائی افتد که هرگز
روی یکدیگر را نه بینند عمل مجرب است اما تا نتوانند
نکند از برای آنست بغیر افتراق

صد ١١٣

نوع دیگر بر مرغ سپید بگو بنویسد بر دیوار قبله آیات جمع نشینند
بسته کرد و این است

طفح طفح طفح ٥ طفح
قح قح قح قح

نوع دیگر جهت تب لرزه باید که بر چهار پاره
چوب بنویسند در روز یکی را در زیر دامنش
دفن کنند در جای بفرمان خداوند تب لرزه باشد
در وقت که دود کنند بگوید لغفر یا حیدر کرار
صاحب درد میگوید یا الیت در جای شفا یابد

روز اول طلفلفنا ٩ ٣٩٣٨٣٨٥١

روز دوم کلفلقنا ٢ ٣٨٣٨٥١

روز سیم کسلکمونا ٢ ع٣٢٤ع

١٥ نوع دیگر اگر کسی خواهد که در نظر خلایق

عزیز باشد و زبان مردم درباره او بسته گردد

و پادشاه و حاکم بر وی مهربان باشند و اگر چون

کرده باشد از پادشاه و حکام خلایق خوف داشته

باشد باید این اسم و با خود نگاه دارد در

نظر پادشاه و حکام و خلایق عزیز و مهربان باشد

و دعا این است **هذا اسم**

بسـ ــــــــــــــــم الله الرحمن الرحیم

بسم اللّٰه الامان الامان یا اللّٰه

الامان یا رحیم الامان یا کریم الا

مان یا غفور الامان یا شکور الا

مان یا حنان الامان یا منان الا

مان یا برهان الامان یا غفران

الامان

از تو جدا نشود می باید بر جای و یگانه میخک این دعا و

دوازده مرتبه بخواند دم کند و این مربع در زیر سنگ

گران در رهگذر مطلوب بگذارد مطیع و مسخر شود

بسم اللّٰه الرحمن الرحیم قل من بیده

ملکوت کل شیء و الیه ترجعون

و مربع این است

٦٠

٢٢	٢٥	٢٨	١٥
٢٧	١٦	٢١	٢٦
١٧	٣٠	٢٣	٢٠
٢٤	١٩	١٨	٢٩

نوع دیگر از جهت عداوت که در میان دو کس افتد

میباید این نقش و بر شانه گوسفند نویسد بنام

انکس با در انکس دشتی گوسفند را در میان آن انکس
بطرف قبله دفن کنند و قدری خاک از قبرستان
مسلمانان بردارند و آیه والقینا تا الی آخر دوازده
مرتبه بخوانند در خانه آن کس افشانند در حال عداوت افتد

هذا اسم

١٤٣٤٢٤٣١٢١٢٥٢٣٥٢٨٤١١

٢٨ مربع که در یکر منبد اینست

یا حنان یا منان یا دیان یا برهان

یا غفران یا سبحان یا ذو العزت

والبرهان مربع اینست

فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم

۲	۴	۶	۸
۸	۶	۴	۲
۴	۲	۸	۶
۶	۸	۲	۴

طلسم

۳۱ ۶	عطج ۴	۴۴۱ ۲۴	۳۸
۲۴۲	۵۳۷	۳۲ ۶	۴۳
۶۳۶	۱۳۹ طب	۶۴۶	۳۳
۴۵	۳۴	۳۵	۴۰

ويتم	نعمته	عليك	ويهد	يك	صراطا	مستقيما
نعمته	عليك	ويهد	يك	صراطا	مستقيما	ليغفر
عليك	ويهد	يك	صراطا	مستقيما	ليغفر	لك
ويهد	يك	صراطا	مستقيما	ليغفر	لك	الله
يك	صراطا	مستقيما	ليغفر	لك	الله	ما
صراطا	مستقيما	ليغفر	لك	الله	ما	تقدم
مستقيما	ليغفر	لك	الله	ما	تقدم	من ذنبك

نوع دیگر از برای محبت در بازو بندد و نخود لا
مطلوب نمایان کند بعقر ارکر دو این نیت نخود بالله



ع ۱۱ ۹۱ ۳ ۴ ص ۴ ۱۱ ۹ ۶ ۱۱ ۹ ۱ ۳ ۱۱۱

ههمعمح ۱۱ ۵۵۵۵ ۱ ع ع ع

رسم ص ۹۹۹۹

نوع دیگر اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار گردانی

این طلسم را بر روغن گنجد چرب کرده بسوزاند و دیگر در

زیر سنگ گران نهد بیقرار گردد بفرمان خدای تعالی

مجرب و آزموده است طلسم

روایتست از حضرت امیر المؤمنین

۴	۳	۸
۹	۵	۱
۲	۷	۶

که هر که این مربع را با خود دارد

از جمیع بلاها ایمن باشد در امان

خدای تعالی باشد و دشمن

بروی ظفر نیابد و در نزد خلق عزیز و مکرم باشد

و سخن او را مردم به پسندند نوع دیگر اگر خواهی

که کسی را مسخر خود گردانی که یکدم و یک ساعت

دور از تو صبر نتواند

ص ۱۱۳ ع ع ع ۱۱۱ م ۱۱۱ ۹۹۹ ۱۱۱

ع ۱۱ ۹ ع ع ۱۱ ۹ ۱۱۱ ۹ محمد ع ۱۱۱ ع ۱۱

والقینا بینهم العداوة والبغضاء

الی یوم القیامه

صح ۱۱۳

صح صح صح صح

روایتست که در کلام بسیار عجیب بیعت اگر کسی
خواهد که کسی را دوست خود کرداند باید که این دعا را
هفت نوبت بر نعل اسپ بخواند و در آتش اندازد
اگر صد فرسنگ دور باشد بیاید **نوع دیگر** اگر خواهی که
زبان کسی را به بندی این دعا را بمشک و زعفران
بنویسند و بر درخت توت بیاویزند زبان
آنکس بسته گردد **نوع دیگر** اگر خواهی حاجتش بر آید
این دعا را هفت نوبت بخواند و بر مشک بدمد
و دود کند آنکس دوست گردد که اگر یک ساعت
او نه بیند دیوانه گردد **نوع دیگر** اگر خواهی که
هر چند راه رود مانده نشود این دعا را بر حریر
بنویسند و بر اندام خود بندد هر چند راه رود
مانده نشود هر چند راه دور باشد **نوع دیگر** هر کسی
این دعا را بنویسد بمشک و زعفران و بدمد
[illegible]

مجد ردة یوعا تقوعا صاعیش
انزلیش ونیش اوشا د روایه
درطائیل مرمائیل کورشائیل المنها
هیا هیا صائیل صوردائیل شمخائیل
جمطائیل دحطائیل شمطائیل
دوجائیل منطری منطری اه فکد
فکنی ترتائیل زهرائیل اهاهی
تلیثا مثیثا ملوثه رکوبه شهم
طرحیا شهطرئیل سرحل بینا اما

دلی و ولدی بحق هذه الاسماء
البررة وکرام الکاتبین والرو
حانیین انقضی حاجتی یا رب ا
لعالمین برحمتک یا ارحم الراحمین

۱۱۱۵ محرم ۱۱ ه

نوع دیگر اگر خواهی که مرد بسته را بگشاید باید که
تخم مرغ سیاه بیاورد این طلسم و بر تخم مرغ بنویسد
و بخورد این مربع و در کمر بندد بفرمان خدای تعالی
گشاده گردد شک نیاورد نعوذ بالله من ذالک

ا: ۳ ۵ ۶ ۳ ۱۳
بسم الله الرحمن الرحیم ا: ۳ ۵ ع ۱ ۸ ع ۴
ا ۳ ۵ ۶ ۳ ۱۳ ... الله ا ۳ ا ۹ ع ۳ ع ۲ ا ۳ ا ع ۳ و ۳ ع
ا ۳ ۳ ۵

وخداوندای طالع را کشت و غله نفع دارد و گاو و
گوسفند و مگس و عسل این ها نیکو باشد اما انبازی نباید
و از چارپایان سم شکافته سازد و از خویشان بعضی
حسد برند بفرمان خدای تعالی کاری نتواند کند و هرچه
از خدای تعالی بخواهد بدهد و اگر زن خواهد کردن یا
انبازی خواهد نمودن با کسی کند که ستارهٔ وی سرطان
یا حوت باشد تا موافق آید و زن خود را طلاق بدهد
و از بیگانگان زن خواهد شرکت و پراکنده خاطر
باشد و سفر کردن بروز سه شنبه و خانه سفر شش
در برج جدی یا فتح و سفر بازرگانی در هر جانبی نیکو سازد
اما از جانب مشرق نیکوتر سازد و دروغ نگوید تا زیان
بوی نرسد و برکت مالش نیکو شود و چون گرفتن

روز چهارشنبه و خرید و فروخت بر دو پنجشنبه و نکاح
کردند بر روز شنبه و خانهٔ نفس وی در برج ثور
یافتم باید که چون بخوابد سر بسوی مشرق کند و یا
بسوی مغرب تا از آفت خواب ایمن گردد و طبع
وی سرد و خشک است جالینوس حکیم را پرسیدند که
داروی وی چه باشد گفت حبیبه و بلیله و داد چینی
زنجبیل قرنفل از هر یک دو مثقال با عسل معجون کند و
بوقت بهار بخورد تا همه دردها را نافع باشد و اگر
بیش کسی بحاجت رود بدست چپ ببندد تا حاجت
وی روا گردد و چون ماه نو بیند بروی زنها نگاه کند
تا مبارک باشد و از انگشتری عقیق سازد تا همه
کارها همه نیکو سازد و اگر از کسی چیزی ستاند

بوشوادی باز

٢١

جانب نیکو سازد و در آخر عمر مال وی زیاده شود
و خانهٔ عملش را در برج جدی دیدم خدمت کمر دولتی بسازد
از بزرگان
اما یکبار آزاری رسد و دل شکسته روی دهد لیکن عاقبت
خیر باشد و اگر بر شکم خالی رسد و بر جانب چپ نشانی
دارد آن نشان نیک بختی است فراخ روزی و دراز
عمر بود و حج بکند و یا کاری کند که ثواب حج دریابد و از
آتش رنج رسیده است یا خیر رسد و بجز از مادر خویش از کسی دیگر
شیر خورده است و خانهٔ امیدش در برج دلو یافتم بدر قبیله
که دارد برسد و او را در غم و رنج دهم که با شهور کوت
نماز بگذارد و سر بسجده نهد و هر حاجتی که بخواهد روا
شود و خانهٔ دشمنانش را در برج حوت یافتم بسیار

باشند اما باید که همیشه وقت دعای زبان بند باخود
داشته باشد وی تعویذ بند باشد تا از مکر ایشان و بلاها
نگهبان ایمن باشد و از جامه ها و از رنگینی سازد
و از نکنی ها لعل یمنی و از ماه ها ماه محرم و از روز ها روز
سه شنبه سازد و اگر روز جمعه چیزی از دست رفته
باشد زود پیدا شوند اما جامه نو پوشیدند و بوی خوش
بکار داشتند و سر تراشیدند و ریش شانه کردند و حمام
رفتن و حنا بر دست نهادند روز پنجشنبه و جمعه
نیکو سازد و بد بیمارستان رفتن و سفر رفتن و
بنا نهادند و کارهای عروسی کردند بر روز یکشنبه
سازد و بقاضی رفتن و شراکت کردند و صحبت
کردند و پیوند کردند بر روز چهارشنبه سازد و بیماری
دی بر نه

دی پیشتر از خون و صفرا بود جالینوس حکیم و حاماس
طبیب را پرسیدند که داروی وی چه باشد گفتند نقل
دمشق قل دار چینی دار فلفل رومی و خولنجان و نرخرشی باید
که با یکدیگر نیکو بندد و بآب انار شیرین در فصل بهار بخورد
تا همه دردها را نافع باشد و خداوند این طالع از چشم بد
و رنج ان بد بیم باشد باید که این تعویذ با خود دارد تا از
شر دشمنان ایمن باشد بسم الله الرحمن الرحیم
یَا حَبِیبَ الْفُقَرَاءِ وَیَا اَنِیسَ الْغُرَبَاءِ یَا مُعِینَ
الضُّعَفَاءِ یَا عَظِیمَ الرَّجَاءِ یَا دَلِیلَ الْمُتَحَیِّرِینَ
وَیَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیثِینَ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ یَا حَنَّانُ
یَا مَنَّانُ یَا اَللّٰهُ یَا مُسَبِّبَ الْاَسْبَابِ یَا مُفَتِّحَ

يا مقلب القلوب والابصار ويا خالق الليل
والنهار يا بديع السموات والارض يا ذو
الجلال والاكرام يا ارحم الراحمين ويا خالق
الماء والطين وصلى الله على محمد وآله اجمعين

الطالع النور الرجال بدان مردی که بدین طالع از
مادر بزاید دلیل کند که مردی بود نیکو روی نیکو بالا
و دارای کارها روزی چند بود الا غمگین بیهوده بسیار خورد و
فراموش کار بود هر چیزی بدست آورد و هر
و بازار دست او برود الا آخر عمر کاردی بالا گیرد
و نیکو شود و اگر زن اول بمیرد سه زن دو نکاح
خواهد آورد و فرزندان بسیار باشند الا کم مانند

وهر او بدای طبودا

او را نیکو بود و از خوردنی انگبین سازد و از پیشه ها
آنچه باد تعلق دارد اما حرفش نیز د از کودکی در غربت
افتد و میراث بوی رسد از وجه حلال و خانه پدر و مادرش را
در برج سرطان یا فتم قدمش مبارک باشد و او را دعای پدر
و مادر بهره مند بود و او را حاجت خجسته باشد و خانه
فرزندانش را در برج اسد یافتم و اگر بوجه قمری آمده باشد
کم فرزند باشد و اگر بوجه شمسی آمده باشد او را سه فرزند
بیش نباشد و از آن فرزندان خوشنود باشد و خانه
رنج و بیماری وی را در برج سنبله یافتم او را بیشتر
بیماری از حرارت و خشکی و خون باشد و صفرا و درد
شکم و بادهای مختلف بود و حکما داروی فرموده اند

که حب الملوک بخورد و اگر شربت بنفشه و عناب
و سپستان و نیلوفر و خرمای هندی و گل شکر با یکدیگر
بیامیزند و صاف کنند و سه روز ناشتا بخورد نافع شود
و خانهٔ زناشوی را در برج میزان یافتیم اگر وجه مریخ
دارد زنان نیکو نبیند و آنست بد اگر وجه شمس دارد
پنج زن بکند اگر وجه زهره دارد یکی بخواهد موافق بود
خانهٔ مرگ و زنده گانی وی را در برج عقرب یافتیم او را
بیم مرگ در چهل روزگی و چهار سالگی و یازده سالگی و
چهل پنج سالگی باشد چون ازین خطر بگذرد و عمرش هشتاد
سال نه ماه و پنج روز برسد و مرگش بدرد سینه باشد
و درد پشت باشد و خانهٔ سفر شی را در برج قوس یافتیم بهمه
جانب نیکو

و بدشواری بازدهد و از پادشاهان زحمت رسد و مرگش
بدرد سینه بود از پس نماز عصر بروز یکشنبه باید
که دایم با توبه باشد و خداوند این طالع را از آتش و غرق و زحمت
و با حذر باید و بحذر از مار و حشی از گزیدگی و شیر خورده هست و از
روزها روز پنجشنبه بازد و بیماری مخاطره باشد یک
سالگی و سه ماه و ده سالگی اگر ازین خطرها بگذرد عمر وی
نود و هشت سال و هشت ماه و سه روز باشد و
عند الله هلال گوید که صاحب این طالع پیوسته تعویذ
نباشد این تعویذ را با خود دارد شک نیاورد
بسم الله الرحمن الرحیم یا علی العظیم یا
حلیم الکریم یا باقی یا عالم الغیوب یا لا اله

الا انت یا اهیا شراهیا یا موشطنا یا

حفیظ هو صلح اام ام ۹۸ اا۸ عو وااو و

اعه اا۸ سو فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین

الطالع الجوزا الرجال هر ان مردی که بطالع

جوزا از مادر بزاید دلیل کند که مردی بود نیکوروی

و نیکو بالا و فصیح زبان و شیرین سخن و قوی دل

و خوش آواز و کارهای با خصومت کننده بود و در

همه عمر کارهای خیر وی را نصیب شود و نیکو اندیشه

بود و صفرا دارد و خشم غلبه داشته باشد باید

که خون کم فاش را ترک بکند و طبع وی گرم تر باشد

و خانهٔ عطارد باشد و در هر برج مقام کند نوزده

روز بیرون آید بروز چهار شنبه خرید و فروخت

کند

کند بروز سه شنبه نسازد و باید که هر کار کند بروز چهار

شنبه و روز سه شنبه او را هیچ نسازد و خانهٔ مرگ وی

در برج جدی یا هفتم باید که از مرگ غافل نباشد و خداوند

این طالع را بر سینه نشان باشد و او نشان نیک

بختی باشد و بیشتر وقت از درد پا بنالد و یا نیک

دیوانه او را بگزد یا گزنده باشد و خانهٔ پدر و مادر وی

سنبله باشد بر وی مهربان باشند و خانهٔ فرزندان

میزان باشد از فرزندان نرینه خوشی بوی رسد و خانهٔ

بیماری وی در عقرب یا هفتم بیماری سخت کشد

اما سلامت باشد و خانهٔ زن وی قوس بود

مولانا گوید که زن باید کرد تا مراد حاصل شود

و خانهٔ سلطان و سرطان بود از سلطان دوری

منبلو و خانهٔ امیدش حمل بود هر امیدی که دارد برسد
و خانهٔ دشمنانش عقرب بود هیچ دشمن بروی ظفر
نیابد و اگر انبازی کند او را ان زد و اگر نزد کسی رود
حاجت دست چپ بمالید تا حاجتش روا گردد
و چون ماه نو به بیند چشم بر زینه افکند و اگر جامهٔ
نو پوشد رنگین سازد و از انگشتری فیروزه نمود
و خانهٔ نفس وی را در برج جوزا یافتم که چون بخوابد
سر بسوی مغرب بکند و پا بسوی مشرق کند تا از
آفت خواب ایمن ماند و خانهٔ سفرش جدی مارس
دیگر مال نیکو بارزد و نعمت نیکو بدست وی می آید
و بیماری وی از معده باشد جالینوس حکیم را
پرسیدند که داروی وی چه باشد گفت
هلیله و بلیله

هلیله و بلیله و املج زردی و صمغ عربی و ریوند چینی
و زنجبیل و دارچینی و جوزبوا از هر یک دو مثقال
با عسل معجون کنند و بوقت بهار خورند تا همه درد
نافع باشد و بیماری وی مخاطره باشد و قران وی
بیک سالگی و ده سالگی و چهل سالگی باشد چون
ازین خطر بگذرد عمرش نود و نه سال بود و زود غنی
باشد و علم الله جلال گوید که خداوندان این طالع را
از چشم بد و زبان بد بیم بود باید که این تعویذ
با خود دارد تا از چشم زخم ایمن گردد والله اعلم
بسم الله الرحمن الرحیم یا نور النور یا نوراً
علی نورٍ یا نور مدبر النور یا نور فوق النور

یا نور تحت النور یا نور السموات والارض
یا هو یا من هو یا لا اله الا انت هذا یا حفیظ
۱۸۱۱ام ۱۱۱ دم ۲ دد ص ۱۲ اه ۱۲ اه ۱۳ ۱۶ ۱۲

الطالع السرطان الرجال هر آن مردی که بطالع سرطان
از مادر بزاید برج ماه است و طبع وی سرد و تر است
و مختلف باشد و مقام کند در هر برج ۵ روز نیم بیرون
آید بر روز ۵ شنبه خداوند این طالع مردی بود نیکو روی
و نیکو بالا و گندم گون و لطیف تن و جعد موی و شیرین زبان
سخی و فراخ چشم و شیرین کلام و خوش آواز و
بطاعت خدای تعالی حریص بود و به یکی آرام ندارد
باشد و از همه کارها رنجیده بود و بیشتر بامهمان
سازد دست

سازد دست فراخ بود از این جهت عیابت یابد
و اگر زن اول بمیرد بسیار زن خواهد کرد و لیکن
او را زنی باید که ستاره وی عقرب یا حوت باشد
تا موافق بوده باشد و بیماری در از در و سینه بود و لیکن
خدای تعالی او را ایمان توبه کرامت کند و خداوند
این طالع را از روزها روز سه شنبه سازد و حاجت
خواستن بر دو جمعه و نکاح بر روز پنجشنبه کند و
چهارشنبه وی را هیچ سازد و بیماری وی بیشتر
از سردی و خشکی است جالینوس حکیم را پرسیدند
که داروی وی چه باشد گفت حلیله و بلیله و دارچینی
زنجبیل قرنفل و علک رومی حر از هر کدام مثقالی
با عسل معجون کند و بوقت بیمار بخورد تا بهتر

ور وها نافع باشد وخداوندای طالع ف زدبا کسی
که طالع در حمل وجوزا وسنبله وسرطان بود واگر
پیش کسی رود از برای حاجت بدست راست
بابیند وچون ماه نو بیند چشم بر زبان افکند وجامه
رنگین سازد واگر بر سینه نشانی دارد عزت
وشرف بیابد واگر بسفر رود روز شنبه نیکو باشد
وخانهٔ سفرش در برج حوت یافتم سفر بسوی
مغرب نیکو بود وخانهٔ برادران ودوستان سنبله
باشد از ایشان راحت نه بیند وخانهٔ پدر
ومادرش عقرب بود وازیشان نیز راحت نه بیند
وبا مردم خوش مهربان باشد وخانهٔ فرزندان
میزان باشد واز فرزندان نرینه خوبی بوی رسد
وخداوندان طالع را از دشمن رنج رسیده است

۲۰

ویا میرسد وجفا از مادر خویش از کسی دیگر شیر خورده
باشد وخانهٔ بیماری در قوس بود وسیم بود وخانهٔ
زنانش جدی بود از ایشان شادی بیند وحق تعالی او را
حج روزی کند تا کاری کند که برابر حج باشد وخانهٔ
امیدش نور بود به هر امید که دارد برسد وخانهٔ سلطان
حمل از هیچ سلطان ورا غم نرسد وخانهٔ دشمنانش
جوزا بود دشمن بروی هیچ ظفر نیابد بفضل الله تعالی
وخداوندای طالع صاحب دولت بود وخانهٔ نفس
وی در برج سرطان یافتم باید که چون بخوابد سر
بسوی مغرب کند ویا بسوی مشرق کند تا از آفت
خواب ایمن گردد وبیماری وی مخاطره باشد وقران
بیک سالگی وچهار سالگی وبیست پنج سالگی وچون

ازین قران و خطر بگذرد عمر وی هشتاد و هفت
سال بود مرگش بدرد سینه بود در وقت
نماز شام عبدالله حلال گوید که خداوندای
طالع از چشم بد و زبان بد بیم بود باید که این
تعویذ با خود دارد تا کارش بمراد دل گردد
و زبان بدگویان بر وی بسته گردد و این است
بسم الله الرحمن الرحیم یا حی یا قیوم
یا رازق یا خالق یا نور یا ودود
یا ذو الجلال والاکرام یا فعال لما
یرید مطوس هوس یا محصی یا حفیظ
١١ ٨ ١١١١ ود ما لام ع الا ه ١١ ع ٨ ١١١ ر الا
١١ عود ٢ لا ٣ ٩ ٩ ٩ ٩

الطالع الاسد

الطالع الاسد الجال هر آن مردی که بطالع
اسد از مادر بزاید ستاره پادشاهان و نیکو مردانست
و خانهٔ شمس است و طبع وی گرم و خشک است
و خداوندای طالع مردی بود نیکو روی و نیکو خوی و نیکو
بالا و شیرین سخن و بزرگ همت و زود خشم
گیرد و زود صلح کند و باکان خویش مخلص کار و
مهربان بود و بکار کسان شاد باشد و داد و بیداد
و باریک ابرو بود و اگر بالا بلند بود دلیل کند که جاه
دولت باشد و هر کاری کند بدو دل کند و او را
از زن اول بدو زن نبود و قلیخ دار باشد و بیماری
او بیشتر از روز شنبه از درد سر و سینه و پشت
بود و طبع وی سرد و تر است جالینوس حکیم گو

پرسیدند که دوای وی چه باشد گفت دارچینی و
قرنفل و زنجبیل و علک رومی و شکر طبرستان ازین
ها هر یک چهار مثقال با عسل معجون کند و بوقت
بیمار بخورد تا همه دردها را نافع باشد و خانهٔ بیماری
وی را قوس یافتم سیم بود و خانهٔ زنش حمل بود و یک زن
وی را نیک بود و صاحب این طالع مرکشی به بالینی
بود و هر امید که دارد برسد دشمنانش بسیار باشند
اما کم بر دشمن ظفر یابد و خانهٔ طالع وی اسد
باشد باکسی طالع ندارد که نان و نمک وی خورند
وفا ندارند خداوند این طالع اگر بزرگ گردد حاجت
روا گردد مدت چپ باشند تا حاجتش روا گردد
و از سیاه چرده پرهیز کند که دشمن جان اوست
و طبع وی گرم

و طبع وی گرم خشک است و بیماری از درد سینه
بود و چون ماه نو بیند چشم بر زنان افکند تا ان ماه بر
وی مبارک آید و چون انبازی کند وی را انباز د
و نفع ندارد و بذر کری او را نیکو سازد و خداوند
این طالع را از آتش رنج رسیده است یا برسد و بجز
از مادر خویش از کسی دیگر شیر خورده است و خانهٔ سفرش
در برج حمل بود و او را سفری بجانب مشرق سازد و از سفر
صبور بود و هر چند بزرگ شود کارش بهتر شود و خانهٔ
نفس
عمر وی در برج حوت یافتم باید که چون بخوابد
سر بسوی مشرق کند و پا بسوی مغرب تا از آفت خواب
و بیماری ایمن گردد و قران و خطر وی بیک سالگی
و ده سالگی و دوازده سالگی و پنجاه سالگی باشد چون

ازین قران و خطر بگذرد و عمر وی هشتاد و پنج سال و
پنجه و دو ساعت باشد عبدالله هلال گوید که صاحب
این طالع بی تعویذ نباشد این تعویذ با خود نگاه دارد
تا از شر دشمنان ایمن گردد والله اعلم
بسم الله الرحمن الرحیم اِنّا نحنُ لَه
نزلنا الذکر وانا له لحافظون فالله
خیرٌ حافظاً وهو ارحم الراحمین یا عظیم
الدرجات یا مهیمن یا صمد یا منعم
یا مطل یا مقبل احفظ لصاحب
هذه الدعاء یا حفیظ ١١ ه ١١١١ ١١١ ٨١٦
٨١١ ٨١١ ١١١ ١٢ ١ع ١ع ١١١ صـ ١١١ ٣

الطالع السنبلة الرجال

بهران مردی

بهران مردی که بطالع سنبله از مادر بزاید ستاره
خاکی بهت و خانه عطارد بهت و از سوی جنوب تابد
و بدین برج مقام کند و خداوندان طالع مردی بود نیکو
روی و نیکو خوی و نیکو قامت و گندم گون و سیاه
چشم و دندانهای آبدار و در همه کارها زیرک
و فراخ روزی و زنده گانی دارد و همیشه دل در شغل زنان
دارد و زود خشم کند و زود صلح گیرد و از بزرگی
منفعت و عیش و خوش بگذرد و دنیا دارد و هرچه
از خدای تعالی بخواهد بیابد و اگر از زن جدا شود
چهار نکاح کند مگر زنی بود که ستاره وی جدی
یا ثور باشد تا موافق افتد و از وی غم و رنج دل دیده
رسد و لیکن سلیم زنده گانی کند اینچه که پدر و مادر کرده

باشند در بازو ویا در پهلوش نشانی دارد و او نشان
بختی نیکوست وبیماری غلبه از باد شکم بود وخانه سفر
وی در برج ثور یافتم سفرش بسوی مغرب نیکو سازد وخانه
خواب وی در برج سنبله یافتم در وقت خواب سر
بسوی مغرب کند وپا بسوی مشرق تا از آفت خواب
ایمن گردد وخانه دوستان وی عقرب است از ایشان
راحت نه بیند وخانه پیشتر دختر باشند وخانه
دوشمنان نود باشند از ایشان نیز حذر باید کردند
وخانه امیدش سرطان بود بر امید که دارد برسد
ودر آخر عمر کار وی بالا گیرد وخانه سلطان قوس باشد
حذر باید کردند وبیماری وی از درد شکم وصفرا و
بلغم باشد جالینوس حکیم را پرسیدند که دارو وی
چه باشد گفت دارچینی وفلفل وجوز بوا وخولنجان

دایره کرهای

دایره کرهای وقرنفل از این ها هر یک دو مثقال با عسل
معجون کند وبوقت بهار بخورد تا همه دردها را نافع
باشد وباید که در صدقه دادن تقصیر نکند واگر
پیش کسی بحاجت رود بدست چپ بایستد تا حاجتش
روا گردد واگر ماه نو بیند چشم بر زر افگند
وخانه دوستان وبرادران وی عقرب است او را
دوستان بسیار باشند واو را اتفاق داری وبزر
گی نیکو باشد واز چشم پریان ودیوان پیوسته
بیم آید وباید که تعویذ با خود دارد تا از همه بلاها
ایمن باشد وقران ومخاطره وی بیک سالگی وهفت
سالگی وپانزده سالگی وبیست وپنج سالگی باشد
چون از این ها بگذرد عمر وی نود وپنج سال ودو ماه وپنج
روز باشد عبدالله جلال گوید که خداوند این

طالع را از چشم بد و زبان بد بیم بود باید که وی تعویذ
نباشد تا از شر دشمنان ایمن گردد و این دعا با خود
نگاه دارد بسم الله الرحمن الرحیم
یا حنان یا منان یا دیان یا برهان یا
سبحان یا سلطان یا حی یا قیوم
یا اهیا شراهیا یا ذو الجلال والاکرام
طا ۱۳ ۱۱۱ و ع ۱۱۱ ع س لا نعد

الطالع المیزان الرجال هر آن مردی که بطالع
میزان باشد خانه از زهره است از آسمان سیم تابد
و برج ماهی است و طبع وی گرم باشد و وجه دارد
قمر و زهره و زحل هر آن مردی که بدین طالع باشد مردی
بود نیکو روی و نیکو خوی و نیکو بالا و نیکو بخت
و نیکو همت خواسته حلال بروی گرد آید و اگر
از حرام چیزی

از حرام چیزی بجوز و حلال وی برود وی باید دروغ
نگوید تا نعمت وی را خدای تعالی زیاده گرداند و
از همه جهان روزی مند گرداند وی را برادران و
رسول خدا را در خواب بیند و همه از ان سبب کار
او بالا گیرد و الا باید که نگوید تا خدای تعالی وی را
بر کار بیند و چیز از کار خویش از کسی دیگر شیر خو
رده است و از آتش بوی رنج رسیده باشد و یا برسد
و از وی جهان نبرد تا چیزی از آن کار شود که
که هر ابر حج باشد پس آن یار کاری روی باشد در سینه
یا بر پهلو نشانی دارد یا خالی دارد و او نشان نیک
بختی باشد و صاحب این طالع را همه خرف زدو از
روزها روز آدینه و شنبه باشد و گشت غله
نیکو سازد و ماه محرم وی را مبارک بود و از زنان

دی راشادی رسد و فرزندان بسیار باشند اما کم بمانند
چون پیش کسی بحاجت رود و بدست چپ باید
نامرادی حاصل شود از کار روانان پرهیز کند در آخر
عمر کار او بالا گیرد و نیکو شود مادر و پدر بر وی مهربان
باشند و او در او دوستان بسیار باشند و بیماری او از صفرا
و از خون باشد چون بیمار شود حکیم را بپرسید که دوای وی
باشد گفت هلیله و بلیله و گل سرخ و چون هندی و
زنجبیل و دارچینی و فلفل از هر کدام دو مثقال با عسل
معجون کند و بوقت بیمار بخورد تا همه دردها را نافع باشد
و چون ماه نو به بیند چشم بر مردان افکند و از درد
پشت و میان و درد و بر نالد و خانه خواب وی در
برج جوزا یافتم چون بخوابد سر سوی مشرق کند
و پا بسوی مغرب تا از آفت خواب ایمن گردد

وسفرش

وسفرش بسوی مغرب نیکو سازد و بیماری وی مخاطره
باشد و قران عمر وی یک سالگی و ده سالگی و بیست و پنج
سالگی باشد و چون از این خطر بگذرد عمرش بنود سال
برسد عبدالله هلال گوید که خداوند این طالع بی تمیز
نباشد این سو بیز را با خود نگاه دارد تا از شر دشمنان
ایمن گردد والله اعلم بسم الله الرحمن الرحیم
یا الله یا الله یا الله ومن الله ولا
غالب الا الله محمد رسول الله القلب
بالسهما مولهما یا لا اله الا انت یا
یا قیوم یا صعطهر حفیظ احد یصدع
الی مسمع

الطالع العقرب للرجال

مهران ساهر که بطالع عقرب زاده است در آید خانه

مریخ هست داز آسمان پنجم تا بدو برج ماده هست دا آبی
داورا ستر وجه هست وجه برج و آفتاب در زهره مقام کند
ودر هر برج چهل روز سپردن آید بر درستی شنبه بهرام
مردی که بدین طالع باشد مردی بود نیکو روی و نیکو
خوی و نیکو بالا و سفید اندام و باریک ابرو و خداوند
لباس بود و همیشه خود را در اندیشه دارد و خویشی را
از همه کس بهتر شمرد و عاشق دل بود و خواسته و مال
بسیار جمع کند اما بدست ندارد و از مردم روزی نهند
بود و در چشم مردمان عزیز و شیرین باشد و زندگانی
خوش کند و با خر عمر کار او بالا گیرد و بزرگی و همت
بود و بر دست نشانی دارد او نشان نیک بختی است
زود خشم گیرد و زود آشتی کند و از آتش رنج
بیند و طرب را دوست دارد و چون بدست بر آید چنانکه

دی رابهم

دی را بهم سبز باشد باید که کارهای خیر کند تا حق تعالی او را
از همه بلاها ایمن گرداند و چون پیش کسی حاجتی دود
بدست راست باید تا حاجتش روا گردد و چون ماه نو به بیند
چشم بر زنان با آن ماه بر وی مبارک باشد و خداوند
این طالع را دروغ زن زود باک که طالع سلطان یا حمل باشد
و خانه پدر و مادرش حمل بود بر وی مهربان باشند
اما از خانه ایشان بی روزی باشد و خانه فرزندان
حوت باشد او را فرزند کمتر باشد و بیماری وی غلبه
از خون و صفرا باشد باید که دایما خون گیرد اندر وقت
بهار و اگر از زن اول جدا شود دست زن در نفع دارد
و مرگ وی در غربت بود و پیشتر از درد سر و معده
بنالد و سفر بسوی مغرب بهتر سازد و خانه خواب وی

در برج عقرب باشد چون خواب کند بسوی مغرب
و یا بسوی مشرق تا از آفت خواب ایمن گردد
و چون پیش کسی بحاجت رود بدست چپ بایستد
تا حاجتش روا گردد و اگر ماه نو به بیند چشم بر زنان
افگند و پیش پادشاهان راحت بیند و بر امیدی که دارد
برسد و از دشمن حذر باید کرد و از روزها روز آدینه
و شنبه سازد و بیماری او از باد بود و از صفرا بود و از
جالینوس حکیم پرسیدند که داروی وی چه باشد گفت
حلیله و بلیله و امله و شکر طبرستان و زنجبیل
و دارچینی و فلفل و جوز هندی از هر کدام دو مثقال
با عسل معجون کنند و بوقت بهار بخورد تا همه درد
ها را نافع باشد و قران وی بیک سالگی و ده سالگی
و ده سالگی و نه نزده سالگی باشد چون از وی بگذرد
عمرش نود و

عمرش نود و شش سال باشد و علم الله هلال گوید که
خداوند این طالع از چشم بد و زبان بد بیم بود باید
که این تعویذ را با خود نگاه دارد تا از شر دشمنان ایمن گردد
بسم الله الرحمن الرحیم یا غفور یا ودود
یا ذا العرش المجید فعال لما یرید یا نور
السموات و الارض یا لا اله الا انت
سعهو علیه الله عصعص
هر ا ع ا ا ع م ا ا فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین
الطالع القوس الجمال بیان مردی که
بطالع قوس از مادر بزاید خانه مشتری است و از
آسمان هشتم تابد و برج از مغرب تابد و آتشی است
و دوراته وجه ست مشتری زحل و عطارد مقام کند

و در هر برجی یک ال نیم بیرون آید بروز پنجشنبه و
از ماه‌ها ماه صفر و رمضان و از روزها روز شنبه بسازد
وخداوند این طالع بود مردی نیکو روی و نیکو خوی و نیکو
بالا و سفید اندام و خرم پیشانی و فراخ چشم و
نرم سخن و بکارهای خیر کوشش نماید و غریب بسیار
کشد و بجوانی کار وی نیکو شود و بآخر عمر بزرگی و
شرف یابد و مال که دارد بعضی از حلال و بعضی
از حرام اما باید حرام او را از حلال جدا کند تا کار
وی نیکو شود و پیغمبر را در خواب بیند باید که با کسی
نگوید و اگر گوید با اهل صلاح تا بر وی مبارک باشد
وخداوند این طالع راست قول بود و نیک سخن و
باریک میان و پیوسته در اندیشه باشد و لشکری
در بازو دارد او را نشان نیک بختی باشد و اگر
و برادران

وی را دوست و برادران باشند نیک باشند و چون
او و زن او خصومت کنند و اگر زن و انبار خواهد
کردن باید با کسی کند که ستاره وی حمل یا اسد باشد و دیگر
ستاره با وی نسازد و اگر نزد کسی بحاجت رود
بدست راست باید رفت و اگر ماه نو به بیند چشم بر
زنان افکند وی را انگشتری فیروزه سازد خانه
پدر و مادرش هفتم بود بر وی مهربان باشند
اما از خانه ایشان بیرون آید و هیچ منفعت نه بیند
وخانه امید وی ثور بود بهر امیدی که دارد برسد و
خانه سفر وی جوزا بود سفر کردنش بسوی مغرب
بهتر باشد تا مالش بدست آید وخانه فرزندان
وی حمل بود فرزندان بیشتر نرینه باشد وخانه زن

وی جوزا بود از دست زنان بغربت افتد و خانه دشمنان
عقرب بود دشمن وی ضعیف بود و بر همه دشمن غلبه
کند و خانه سلطان سنبله بود نزدیک پادشاه بد کردند که
وی را نیکو سازد و خداوند این طالع را از آتش رنج
رسیده بهتر باشد و بچه از مادر رشق از کسی دیگر شیر
خورده بهتر و خانه خواب وی در برج قوس باشد هم چون
بخوابد سر بسوی مغرب کند و پا بسوی مشرق تا از
آفت خواب ایمن گردد و خانه بیماری وی میزان بود
بیشتر از خون و صفرا باشد از آتش حذر باید کردن
جالینوس حکیم را پرسیدند که داروی وی چه باشد گفت
هلیله و بلیله و شاهتره و کشنیز و قرنفل و دار چینی
و جوز هندی از هر کدام دو مثقال با عسل معجون کنند
و بوقت بهار

٣٧

و بوقت بهار بخورد تا همه دردها را نافع باشد و از بیماری
بی خطره باشد و قران وی بیک الکی و بیست الکی و نیم ماه
سال نیکی باشد چون ازین قران بگذرد عمرش نود و هفت
سال هفت ماه و هفت روز باشد عبد الله هلال گوید که
صاحب این طالع بی تعویذ نباید بود و نیز این تعویذ همه
وقت با خود نگاه دارد تا از شر دشمنان ایمن گردد

بسم الله الرحمن الرحیم یا مجیب یا ودود
یا رؤف یا ذا العرش المجید فعال لما
یرید یا نور تحت النور یا نور فوق
النور یا نور السموات و الارض
یا طعون یا طوطیا یا اهیا شراهیا

[illegible]

الطالع الجدی علی آجال هر آن مردی که
بطالع جدی از مادر بزاید خانهٔ زحل است از
آسمان هفتم تابد و برج خاکیست و او سو
سه وجه است مشتری شمس و زحل از سوی مغرب
هر آن مردی که بدین طالع باشد مردی میانه بالا
و نیکو خلق و فصیح زبان اما بفرمان کسی کار نکند
و همیشه در اندیشه بود بر دولت و فراخ روزی
خود را از آسمان دارد و صاحب این طالع نیم
دار بود و بکارهای زنان استوار بود و از همه
کارها روز بیند بود وی را کشت و غله خوب
باشد و بود چشم زن باشد و هیچ سخن در دل
نگارد و دوست وی دشمن خود داند زیرا
که کریم طبع

که کریم طبع بود جراحت بدست وی بسیده است
و یا میرسد و هر زنان برای وی دروغ بسیار گویند
اما خدای تعالی محافظت کند و خدای تعالی و یرا حج
روزی کند و یا کاری کند که ثواب حج دریابد
و اگر پیش کسی بحاجت رود بدست بیابد
و چون ماه نو به بیند چشم بر زنان افگند تا آن ماه
بر وی مبارک باشد و از روزها روز شنبه و پنجشنبه
سازد و نکاح کردن بروز پنجشنبه سازد و در روز یکشنبه
و یرا هیچ کار نسازد و از بیماری مخاطره خون و صفرا
و قولنج باشد جالینوس حکیم را پرسیدند که دارو
وی چه باشد گفت طباشیر و هلیله و بلیله
و قاقله و دارچینی و زنجبیل و جوز هندی ار کجا

هرکدام دو مثقال با عسل معجون کند و بوقت بهار
بخورد تا همه دردها را نافع باشد و خانهٔ سفر وی
سنبله باشد سفر کردن جانب مغرب نیکو باشد
و خانهٔ مال بسیار گیرد و خانهٔ برادران و دوستان
حوت باشد بر وی شفق باشند و خانهٔ فرزندان
ثور بود پیشتر دختر باشند و خانهٔ بیماری وی دلو
بود بسیار آزار کشد اما مبتلا باشد و خانهٔ
زنان وی حمل بود سه زن دو نکاح دارد و از شاهان
و امیران حذر باید کردن و هر امیدی که بدین
دارد بدشواری بر آید و نفاق داری و بزرگی
نیکو سازد و خانهٔ خواب وی در برج جدی باشد
چون بخوابد سر سوی مشرق کند و پا سوی مغرب
تا از آفت خواب

از آفت خواب ایمن گردد و از بیماری مخاطره باشد
و قران وی بیک سالگی و چهار سالگی و بیست و پنج سالگی باشد
چون ازین بگذرد عمرش نود سال باشد و عبدالله هلال گوید
که خداوند این طالع را به تعویذ باشد باید این تعویذ
با خود دارد تا از شر دشمنان ایمن گردد بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم اح یا اهیا شراهیا سبوح قدوس ربنا و رب
الملائکة والروح الطالع دلو الرجال
هر آن مردی که بطالع دلو از مادر بزاید خانهٔ زحل است
و از آسمان هفتم آید و برج ماده است و مقام کند
در هر برج دو سال نیم بیرون آید بروز شنبه خداوند این
این طالع مردی بود بالا بلند و هوادار و راست گفتار

باشد و مردمان را نان دهنده بود زود خشم گیرد و زود
صلح کند و مردی طرار بود و همت دار بود و سخن بد
از کسی برنگیرد و از اول عمر بخشم ایشان حقیر گردد
وچون چهل ساله شود کار وی بالا گیرد و مرد بیغم و بی
اندیشه بود بی اندوه بود هرچه از خدا بخواهد بیابد
و همه کارها آراسته باشد و صاحب تدبیر باشد
تعویذ
وباید که بی دعا نباشد تا از بلاها ایمن باشد و او را
از میراث چیزی رسیده است ویا برسد وی را بر پشت
یا بر پهلو یا سینه نشان دارد و او شان نیک
بخت باشد و از روزها روز شنبه سازد و خرید و فروخت
کردن بروز شنبه آتزویج کردن بروز آدینه نیکو بود
وچهار

نیک
وچهارشنبه وی را هیچ کار نشاید و اگر کسی حاجت آرد
برست راست بایستد وچون ماه نو ببیند چشم
بر موران افکند و بیماری وی مخاطره بود و از درد
دل و درد سینه و درد سر و خون بود جالینوس حکیم
برسیده اند که داروی وی چه باشد گفت هلیله و بلیله
وصمغ عربی و دارچینی و زنجبیل و جوز هندی و فلفل
از هریک ۲ مثقال با عسل معجون کند و بوقت
بیمار بخورد تا همه دردها را نافع باشد و فرزندان
نیست
وی نرینه باشند و از صدقه چیزی در دل گرفته باشد
ونداده است بدهد و خانه سفر شی در برج حمل یافتم
چون سفر کند بسوی مغرب کند و خانه خواب وی

و در برج دلو یا حمل چون بخوابد سر بسوی مغرب کند و پا
بسوی مشرق کند تا از آفت خواب ایمن گردد و قران
و مخافه وی بیک سالگی و چهار سالگی باشد چون این
بگذرد عمر وی بهشتاد و هفت سال برسد عبد الله هلال گوید
که صاحب این طالع به تعویذ نباشد باید که این
تعویذ سه پوسته با خود نگاه دارد تا از شر دشمنان
ایمن گردد بسم الله الرحمن الرحیم یا نور السموات
والارض یا معشر الجن والانس ان استطعتم ان
تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لا
تنفذون الا بسلطان یا هو یا من هو اهیا شراهیا
احفظ لصاحب هذا الرقعه ١ع ١١١١ه ١١١١ص ٣ع ١٩٢ع ١١ا

الطالع

الطالع حوت الوبال

هران مردی که بطالع حوت
ازمادر براید شیر است و برج آبی است و طبع وی سرد
تر است و ستاره یوسف پیغمبر است و او را سه وجه بود
اگر بوجه اول آمده باشد زحل است سیاه چرده بود
و شیرین سخن باشد و طاعت را دوست دارد و زندگانی
نیکو کند و نیکو خلق بود اگر بوجه دوم امده باشد مشتری است
سفید اندام بود و نیکو قد و قامت و سلیم دل بود و با همه کس
سازگار باشد و بسیار نیکوئی کند و عاقل و دانا باشد
و اگر بوجه سیم بود چرب زبان و شیرین سخن بود و لهو
و طرب را دوست دارد و مردم از وی منفعت یابد
و دعوی بزرگی کند و جناب رسول را در خواب بیند و توکد

وتوان کردد وتوان کرد وی از توبه بود که کرده است
وحرام و دروغ گفتن و زیان زند در بازو یا گردن
نشاید دارد و ان زن نیک [illegible] است و خانه مالش
در برج حمل یافتم در آخر عمر وی میراث نیکوی بوی رسد
و خانه برادران و خواهران نیکو بود و خانه پدر و مادرش
جدا بود نزد پدر و مادر عزیز باشد و خانه فرزندان
در برج سرطان بود بیشتر نرینه باشند بیماری وی
اغلب از درد شکم بود جالینوس حکیم را پرسیدند که داروی
چه باشد گفت سکونیه و زنجبیل و دارچینی و فلفل و جوز
هندی از هر یک ۲ مثقال با عسل معجون کنند و وقت
بهار بخورد تا همه دردها را نافع باشد و خانه زنان

سنبله

سنبله بود ده زن در طالع دارد و از جز زن نیکوئی
نبیند و خانه مرگ وی در برج میزان یافتم قران
وی بدوست کسی و بیست و کسی باشد چون از وی قران
بگذرد و عمر وی بنود و سه برسد و خانه سفر وی
سنبله بود سعد بیند و با نعمت باز آید و خانه
سلطان قوس بود وی را نیکوئی سازد و قول
وی را قبول کنند و خانه دوستان جدی بود
او را دوستان بسیار باشند او را نعمت دارند
و خانه دشمنان دلو بود بسیار باشند و بهر چند
جهد کنند بر وی ظفر نیابند و خداوند این
طالع را از جامه ها سفید و از روزها روز پنجشنبه

از دوازدهم ماه ذیحجه و چون ماه نو به بیند چشم

بر چشم نو بالغ به بیندازد و چون پیش بزرگان

رود بدست چپ بپیندد تا کارش بمراد رسد

و خانه خواب وی در برج حوت یافتم چون

بخوابد سر سوی مغرب کند و پا بسوی مشرق تا

از آفت خواب ایمن گردد و عبدالله حلال گوید

که صاحب این طالع به تعویذ نباشد باید که این

تعویذ سو با خود نگاه دارد تا از شر دشمنان ایمن گردد

بسم الله الرحمن الرحیم

یا عطوف یا عطوف بحق آدم صفی الله

و بحق نوح نجی الله و بحق ابراهیم خلیل الله

و بحق موسی

و بحق موسی کلیم الله و بحق عیسی

روح الله و بحق محمد رسول الله

صلی الله علیه و آله وسلم

۹ رص ۱۲ ۹ ۸ طط ۱۱ ع ۱۱ ص ۳

تمام الکلام بیمن الملک السلام ۱۲ السلم ۱۲۶۳

هذا کتاب طالع نامه زنان

بسم الله الرحمن الرحیم

چون خواهی که طالع کسی را بدانی نام آن کس

و نام مادرش و اعداد ابجد و نام جمله را

نماید و شماره بنویسند و بسنجند دو

دوازده دوازده طرح کنند اگر یک ماند حمل و اگر ماند ثور

هذا الف ابجد

الف ابجد

بسم الله الرحمن الرحیم

ا ب ج د ه و ز ح ط ی

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱

ک ل م ن س ع ف ص

۸ ۴ ۴ ۲ قط ۱ ۸ ۴

ق ر ش ت ث خ ظ ض ذ

۴ ۴ ۸ قط ۴ ۸ قط ۸ ۴

غ لا ح ب د وازده برج بدین طریق

۴

حمل ثور جوزا سرطان اسد

۱ ۲ ۳ ۴ ۵

سنبله میزان عقرب قوس

۶ ۷ ۸ ۹

جدی دلو حوت

۱۰ ۱۱ ۱۲

الطالع الحمل

الطالع حمل النساء هر آن زنی که بطالع حمل
از مادر بزاید زنی بود نیکوی روی و نیکو بالا و باریک
ابرو و سرخ سفید و سلیم و وفادار بود و هر حاجتی که
از خدای تعالی بخواهد بیابد و خداوندای طالع را فرزند
بسیار باشد الا کم ماند و اگر از شوهر اول جدا شود او را
دو شوهر باید که ستاره او قوس باشد یا اسد باشد زیرا
چهار پای سم شکافته نیکو باشد و خداوندای طالع را
قحطی و تنگی نباشد زیرا که ستاره ملوک است و خداوند
این طالع زنی بود نان دهنده و سخن بیرون نباشد
اما باکی طالع ندارد و بیشتر مردم نان و نمک وی را
خورند و دشمنی وی کنند و باید خیر بسیار کند
که وی را نیکو باشد و خداوندای طالع را بر سینه

با بر پشت نشانی باشد او نشان نیک غنی ست
و بیماری وی بیشتر از خون و صفرا و درد شکم باشد و خطره
و قران وی بیک سالگی و شانزده سالگی و بیست و چهار سالگی
باشد چون ازین خطرها و قرانها بگذرد تا هشتاد و پنج سال
هشت ماه و هفت روز عمر کند و اگر نذر کسی بحاجت
رود بدست راست باید تا حاجتش روا گردد و چون
ماه نو به بیند چشم بر سینه افگند تا آن ماه بر وی
مبارک باشد و خانهٔ فرزندان وی بدست از فرزندان
نرینه شادی بیند و خانهٔ پدر و مادرش سرطان بود
از نشان نیکی نه بیند و طبع وی گرم و خشک باشد جالینوس
حکیم را پرسیدند که داروی او چه باشد گفت طباشیر و
کتیرای سفید و گل سرخ و هلیله و بلیله دقاقه و تخم خر
شمی و تخم رازیانه ازینها هر یک یک مثقال با عسل معجون
کنند و خورند

کند و بوقت بهار بخورد تا همه دردها را نافع باشد و
خداوند این طالع را از آتش رنج رسیده است یا برسد
باید که زنده گاوی آنجا بکند که پدر و مادرش کرده اند
و بغیر از مادر خویش از کسی دیگر شیر خورده است و صاحب
این طالع از روزها روز پنجشنبه و آدینه سازد و خرید
و فروخت و در روز شنبه سازد و حجامت کنند و
دارو خورند و روز چهارشنبه سازد و از ماهها ماه
محرم و صاحب این طالع را تعویذ نباشد و این تعویذ
با خود نگاه دارد تا از شر دشمنان و جمیع آفتها
ایمن بوده باشد والله اعلم تعویذ اینست
بسم الله الرحمن الرحیم یا حنان یا منان
یا دیان یا سلطان یا حی یا قیوم

یا اهیّا شراهیّا احفظ لصاحب
هذاء الدعاء هماهم جمیعا یا حفیظ

۸۱۱۱۱۸۱۱۱۹۷۳۱۱۲۱۱۱۳۳۲۳۴۸

الطالع الثور النساء هر آن زنی که مطالع
ثور از مادر بزآید دلیل کند که زنی بود نیکو بالانه کوتاه
ونه بلند میانه قامت بود جفا کشنده و سرخ و سفید
و سفید بخت بود اگر از شوهر اول جدا شود بسه نکاح
افتد و فرزندانش بسیار باشند اما کم مانند و خداوند
ای طالع را در بازو یا در پهلو نشانی باشد او نشان
نیک بختی بود و از فرزندان سر سینه خوبی بوی رسد
و خداوندای طالع باید که با توبه باشد اگر بدی وقت
توبه کند سلیم بود باید که همیشه با تعویذ باشد تا از بلاها

ایمن گرداد

ایمن گردد و بیماری وی از سردی و خشکی باشد چاپلوس
حکیم را پرسیدند که داروی وی چه باشد گفت طباشیر
و کتیرای سفید و گل سرخ و زنجبیل و قرنفل و جوز هندی
از هر یک ج مثقال با عسل معجون کند و بوقت بهار بخورد
تا همه دردها سود نافع باشد و چون خانه نو بیند چشم
بر زنان افکند تا آن جا بروی مبارک باشد و از روزها
روز پنجشنبه و آدینه مبارک باشد و خداوندای
طالع را کشت و غله و گاو و گوسفند نیکو سازد و از
بیماری مخاطره باشد و قران وی بیک سالگی و چهار سالگی
باشد چون ازین قران بگذرد عمرش بنود و هفت
سال رسد و علی الله هلال گوید که صاحب ای طالع بی
تعویذ نباشد باید که همه وقت ای تعویذ را با خود
نگاه دارد تا از جمله بلاها و آفتها ایمن باشد

بسم الله الرحمن الرحیم یا حنان یا منان
یا سبحان یا سلطان یا مستعان یا هو
یا من هو یا لا اله الا هو احفظ لصاحب
هذا الکتاب ط اوء سو ااا اط اا م را ا ۹
م اط اا اا ع م ۲۲ الطالع جوزا

هر آن زنی که بطالع جوزا از مادر بزاید دلیل کند که زنی
بود نیکو روی و نیکو خوی و نیکو قامت و گندم گون
و خوش معاش و صاحب لب بود و در دل مردم
شیرین باشد بسبب لطف و شیرین زبانی که دارد
نشاط راحت دارد و بدل قوی بود و دل همیشه
در شغله مردان دارد و در همه کارها زیرک بود
و بر هیچکس طمع ندارد و با هرکس خوبی کند و عوض
بدی نکند و هرکه بدی طالع بود او را بد نام دارند

دا اگر بر سینه

و اگر بر سینه یا شکم نشان دارد او نشان نیک
بختی است باید که از خیر کردن سر نتابد تا خدای
تعالی نعمت و مال او را زیاده گرداند و هرکه او را
دشنام دهد در ساعت پشیمان شود وی را فرزندان
بسیار باشند اما کم مانند و از چشم پریان وی را آفت
رسیده است باید که بی تعویذ نباشد تا از شر ایشان
ایمن گردد و درد او بیشتر از درد سر و شکم باشد و
همیشه چون باید کرد شخصی جالینوس حکیم را پرسیدند
که داروی وی چه باشد گفت هلیله و بلیله و املج
رومی و زنجبیل و دارچینی از هر یک مثقالی با عسل
معجون کند و بوقت بهار بخورد تا همه دردها او را
نافع باشد و چون پیش کسی رود محبت زیادت

بایستد تا حاجتش روا کردد چون ماه نو به بیند
چشم بر سبزینه افکند آن ماه بروی مبارک شود
و خانه نفس وی در برج جوزا یا ختم چون بخوابد سر سوی
شمال کند تا از آفت خواب ایمن کردد و خداوند این
طالع از بیماری مخاطرهٔ عظیم بود صدقه بدهد تا حق تعالی
خیریت دهم کند و مخاطره و قران وی یک سالکی و سه سالکی
و دوازده سالکی باشد چون تا ازین خطر ها بکذرد و عمر وی
نود و پنج سال و هفت روز باشد علم الله هلال کویا که
صاحب این طالع بی تعویذ نباشد و همه وقت این
دعا سو با خود دارد تا از شر دشمنان و جنیان ایمن باشد
بسم الله الرحمن الرحیم یا نور علی نور
یا مدبر الامور یا نور فوق النور یا نور

تحت النور

تحت النور یا نور السموات والارض
یا هو یا من هو احفظ لصاحب هذا
الدعاء یا علی یا حفیظ
ط ا ط ا ٩ ٩ ٩ ٩ ١١١١١ ٩ ٢ ٤

الطالع السرطان النساء هر آن زنی که بطالع
سرطان از مادر بزاید دلیل کند که زنی بود نشط
دوست و خرم ابرو و سیاه چشم و با فرزندان شاد
و خرم و هر کاری که کند روزی مند بجهد باشد و جوان
مرد کریم الطبع بجهد و بر بازو و یا بر اعضای وی نشانی
دارد و او نشان تنگ بختی است و خواسته مال
بسیار جمع کند اما کم بدست دارد دلیل کند که خوف
بسیار بدست آرد و خصومت بسیار کند

ودویرا از میراث چیزی بدست آید و پیوسته
عاشق دل بود و اگر از شوهر اول جدا شود چهار
نکاح بکند امّا باید شوهرش بطالع قوس یا حمل
باشد تا در میانهٔ ایشان دوستی و محبّت باشد
و بدیگر طالع زن زد و زن اعلا مرتبه و با همّت بود
و از هیچ کسی نترسد و زن بود صاحب تدبیر
امّا دشمن بسیار دارد و لا بروی ظفر نیابند
و کار خیر بکند و عمرکش نتوبه بود و از روزها روز
یکشنبه و پنج شنبه سازد و تزویج کردن بروز
پنجشنبه سازد و خرید و فروخت بروز چهارشنبه
سازد و حاجت خواستن بروز شنبه و بدترین
روزها روز چهارشنبه باشد و مخاطرهٔ وی از بابه بود

جالینوس حکیم

جالینوس حکیم سو پرسیدند که داروی وی
چه باشد گفت طباشیر و کثیرای سفید و هلیله
و بلیله و قاقله و نرم شامی و تخم رازیانه از هر
یک ج مثقال با عسل معجون کنند و بوقت بهار
بخورد تا همه دردها سود نافع باشد و اگر پیش کسی
بجت معرو محبت راست باشد تا خشم روا
کرده چون ماه نو به بیند چشم بر زنان فکند
و خداوند ای طالع سوا ابا زن زد و خانهٔ برادران
و دوستانش میزان بود بروی مهربان باشند
و خانهٔ پدر و مادرش عقرب بود از ایشان
هیچ منفعت نه بیند و خانهٔ عمرکش حوت بود

از آب حذر باید کرد و خانهٔ امیدش عقرب بود
بدشواری برآید و خانهٔ دشمنانش سرطان بود
دشمنان وی ضعیف باشند و خداوند این طالع را
از آتش رنج رسیده یا خواهد رسید و بعضی از اعضا رجوع
از کسی دیگر شمشیر خورده باشد و خانهٔ نفس وی
در برج سرطان است چون بخوابد سر بسوی مغرب
کند تا از آفت خواب ایمن گردد و مخاطره
وقران وی با یک لکی و دو لکی و دوازده
سالکی باشد چون ازین قران بگذرد عمرش
هشتاد و پنج سال و پنج ماه و ده روز باشد ان شاء الله
هلال گوید که خداوند این طالع را از چشم بد
و زنان بد بیم بود باید که پیوسته تعویذ
باهو نگاه

با خود نگاه دارد تا از جمله بلاها محفوظ باشد این
دعا سو با خود دارد تا از شر دشمنان و غمازان و
بدگویان ایمن باشد والله اعلم تعویذ زینب سودیا الله
بسم الله الرحمن الرحیم یا نور السموات
والارض یا غفور یا ودود یا حنان یا
منان یا دیان یا سبحان یا سلطان
اغثنی یا مغیث یا دائم یا باقی ع صم سحو
مح وحب سرحانك مصتو دعطوف
علهطهو کلهو علع ط اا ا۳
اا ۳ ا صد و صد ا صد اا ااا ع صد صد
الطالع السد النساء هران زنی که

بطالع اسد از خانه بر آید دلیل کند که زنی بود خرم
دل و نشاط و از غم دور بود و هرگز خالی از عشق
نبود و مردمان وی را دوست دارند و نیک محبت
بود و باکی طالع ندارد و مردم بسیارند که نان و نمک
او سو می خورند و با وی دشمنی می کنند و وی را از زنان
رنجها و آفتها برسد الا سهل باشد و از سبب آفت ام
الصبیان و از پریان زنان باید ای تعویذ نیکو با خود
دارد تا وی سو بدی دیگر بدی نرسد و مرگش بدرد سینه
بود و از آب حذر باید کرد تا بسلامت باز ماند و
خانه امیدش جوزا باشد هر امیدی که دارد برسد الا
بدشواری بر آید و خانه دشمنانش سرطان بود
دشمن وی ضعیف باشد و بر همه دشمنان

و ظفر یابد

ظفر یابد و خانه فرزندان وی قوس باشد فرزندان
وی نرینه باشد و خانه پدر و مادرش عقرب است
از ایشان هیچ منفعت بوی نرسد و خانه بیماری
وی جدی بود از بیماری رنج و مشقت بسیار کشد
فاما بسلامت بگذرد و خانه شوهرش دلو بود اگر
از شوهر اول جدا شود به نکاح رسد و خداوند
ای طالع از روزها روز شنبه و یکشنبه سازد
و تزویج کردن بروز پنجشنبه و خرید و فروخت بروز
بروز جمعه حاجت خواستن بروز شنبه و بدترین
روزها بر وی روز چهارشنبه باشد بیماری وی
از باد صفرا بود از جالینوس حکیم پرسیدند که داروی
وی چه باشد گفت طباشیر و کثیرا و صمغ و هلیله
و بلیله و قاقله و ترنج شامی و تخم زنیان و ز

هر یک و مثقال با عسل معجون کند و بوقت بهار
بخورد تا همه دردها سود نافع باشد چون ماه نو
به بیند چشم بر زبان افکند تا آنماه بر وی
مبارک باشد و خانه نفس وی در برج اسد
با فتم سر بسوی مغرب کند تا از آفت خراب
ایمن گردد و خداوند این طالع باید که از جهود
باکی نگوید و از شخص سبز رنگ ازرق چشم
حذر کند و پیشه وران دوستی کند و در عقب سر
با دشمنی و مخاطره و قران در بیست سالگی
و ده سالگی و دوازده سالگی باشد چون از این
قران و خطر بگذرد عمرش هفتاد سال برسد و مرگش
بدرد سینه بود بعد از نماز شام جل الله هلال گوید
که خداوند ای

که خداوند این طالع میدعا و تعویذ نباید بود و پیوسته
این دعا سو با خود نگاه دارد تا از دشمنان ایمن و محفوظ ماند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ یَا حَیُّ یَا قَیُّوْمُ
اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْحَنَّانُ
الْمَنَّانُ بَدِیْعُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ یَا ذَا
الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ یَا هُوَ یَا مَنْ هُوَ اِحْفَظْ
لِصَاحِبِ هٰذَا الدُّعَاءِ یَا حَفِیْظُ ط ۱۱۱ ۱۲ ۱۱۱
۴ ۱۲ ۱۱۱ ۱ ۸ ۱ م ۳ ۶ ۸ ۸

الطالع

لسنبلة النساء هر آن زنی که بطالع سنبله از
مادر بزاید دلیل کند که زنی بود نیکو خوی و نیکو روی

ونیکو بالا و گندم گون و تنگ دهان و زیرک و دانا باشد
زیرا که ستاره خردمند است و همیشه دل او مشغول
مردان دارد و اگر بالا بلند بود همیشه از دست
زنان خوب برنج باشد و اگر میانه بالا باشد آرسته
حرم و نعمت باشد و هرگاه کاری کند بد دل کند
دو بار بوی غم عظیمی برسد یکبار بکودکی و یکبار
ببزرگی باید که صدقه بدهد تا آخر عمر کار روی بالا گیرد
و هر دو جایی باشند که نان و نمک وبرا خورند و در عقب
با وی دشمنی کنند باید که از ایشان در حذر باشد و
اگر بر سینه نشانی دارد ان نشان نیک بختی
وی باشد و اگر پیش کسی حاجتی دارد بدست چپ
بایستد تا حاجتش رواگردد و چون ماه نو ببیند

[illegible]

و بیماری

و بیماری بسیاری کشد و آخرش بسلامتی باشد
و غم بسیار خورد و از چشم و زبان بدگویان او را
ضرر برسد و عاقبت بخیر بگذرد و از نظر جنیان و
پریان ضرر باد برسد و عاقبت بخیر بگذرد و باید که
مقوی نباشد تا از همه آفتها ایمن گردد و دیگر آنکه فرزند
بسیار باشند و لیکن بیشتر دختر باشند زیرا که
طالع وی ماده است و خانه خواب وی در برج سنبله
بود چون بخوابد سر بسوی مغرب کند تا از آفت خود
ایمن گردد و خانه سفر وی در برج ثور بود و سفرش
بسوی مغرب بهتر بود خداوندای طالع او خطره
و قران بیک سالگی و سه سالگی و بیست پنج سالگی

چون ازین خطر عظیم بگذرد نود و پنج سال عمر کند عن الله

هلال گوید که خداوندای طالع بید عا و تعویذ بنا شد این

تعویذ با خود نگاه دارد تا از آفتها و بلاها ایمن گردد

بسم الله الرحمن الرحیم یا تمخیثا الذی

لا تاخذه سنة ولا نوم له یا موشطشا

الذی لو ابد الکتاب یا رحیم یا رحمان

یا غفار الذنوب یا رحیم احفظ لصاحب

هذا الدعاء وهذا طلسم مبارک

ه ۳ ح ص ا ع ا ۲ ا ا ا ص ۳ ص ا ع ا ع ا ا ع

الطالع المیزان النساء

هران زنی که بطالع میزان از مادر بزاید دلیل کند که زنی

بود نیکو روی

بود نیکو روی و نیکو بالا و فراغت کننده و سیاه چشم

و سفید اندام و وفادار بود و پیغمبر دوست بود و در خواب بیند

و کار وی روز بروز بالا گیرد و اگر از حرام چیزی بخورد

مال حلال وی ببرد و بکارهای خیر جهد کننده بود

باید که از صدقه دادن سیر نشود تا خدای تعالی

رحمت دنیا و آخرت از وی بگرداند و مال و نعمت

او زیاده گردد و وی را براعف نشانی باشد

او نشان نیک بختی وی باشد و فرزندان

نرینه حق تعالی کرامت کند او را و چون فانه نو

ببیند چشم بر مردان افکند تا آن خانه بر وی

مبارک باشد و چون فرزندان وی بزرگ شوند

کار وی بالا گیرد و دختر کمتر ماند و اگر

پیش کسی حاجت رقعه بدست چپ ببندد
تا حاجتش روا گردد و باید که دایما با تعویذ باشد
تا از همه بلاها ایمن گردد و خانه شوهر حمل بود
از شوهر عز و شرف یابد و خانه بیماری وی قوس
بود بیماری وی بیشتر از خون و صفرا بود از
جالینوس حکیم پرسیدند که داروی وی چه باشد
گفت حلیله و بلیله و زنجبیل از هر یک دو مثقالی
با عسل معجون کند و وقت بهار بخورد تا همه دردهای او
نافع باشد و از روزهای وی سواو و پنجشنبه و جمعه
سازد و خانه خواب وی در برج میزان بود چون
بخوابد سر سوی مشرق کند تا از آفت خواب
ایمن گردد و خاطره و قران وی بیک سالگی
دهوش لکی

دهمش سالگی و دوم سالگی باشد چون از این قران و
خطر درگذرد عمرش بود و پنج سال برسد عن اسه هلال گوید
که خداوند این طالع سیمای تعویذ نباید بود و باید که پیوسته
این تعویذ با خود نگاه دارد تا از جمیع بلاها و آفتها ایمن
باشد و بلاها بدگویان و غمازان بر وی بسته گردد والله اعلم
بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم
بما عزم و علم صاحب العزم بحق بسم الله
الذی واهبت الخلایق ابدا ابدا تعالی و
باهیا سراهیا بهیا او تصریح مع
هلهلح هرم لهلهه لهم هم ع ۲۳۳

الطالع العقرب البرج الثامن هر کسی که بطالع عقرب
از مادر بیرون آید دلیل کند که زنی بود نیکو روی و نیکو بالا و
سرخ سفید و بیش چشم و فراخ روزی و تیز زبان و
مردم دوست و سخی طبع و حیله گر و مردم دار او
دروغ و بهتان نسازد و غم بیهوده بسیار خورد
بواسطه آنکه مردم در طلب او باشند الا از شر
ایشان خویش را نگاه دارد که غم و بلا بوی رسد
و اگر از برای حاجت پیش کسی رود و بدست بیاید
تا حاجتش روا کرد و چون خانه نوبه بینند چشم بر زبان
افکنند تا آفت‌ها بر وی مبارک باشد و خانه مال
و پدرش مریخ است بود با وی مهربان باشند دار خانه

ایشان راحت

ایشان راحت کمتر بینند و خانه فرزندان وی
هوت باشد از ایشان راحت بینند و خانه بیماری
وی حمل بود و غلبه از خون و صفرا و درد سر بود جالینوس
حکیم سو پرسیدند که داروی وی چه باشد گفت طباشیر
و هلیله و بلیله و زنجبیل و دارچینی و جوز هندی
از هر یک مثقال با عسل معجون کند و بوقت بهار
بخورد تا همه دردها سود نافع باشد و خانه امید وی
سنبله بود بهر امیدی که دارد برسد و خانه دشمنان وی
میزان بود دشمن وی ضعیف باشد اما بسیار
باشند و پیوسته طعنه زنند از ایشان حذر باید
کردن و خداوند این طالع سوار روزها روز آدینه

وسه شنبه باز و خانه خواب وی در برج میزان
بود چون بخوابد سر سوی مغرب کند تا از آفت خواب
ایمن گردد و خطره وقران وی بیک سالگی دو
سالگی وچهار سالگی و دوازده سالگی باشد چون ازین
خطرها بگذرد عمرش بنود و شش برسد ان شاء الله تعالی
گویند که خداوند این طالع سعدا وتعویذ باشد
این تعویذ با خود دارد تا از جمله بلاها و آفتها
محفوظ ماند والله اعلم بسم الله الرحمن
الرحیم عزمت علیکم یا ایها الحی
الوسواس من جنود ابلیس
وایضا اللن علیه الشر ومنا
[illegible]

ومن یحل عزالد وصاحب وساحته
الله یا حفیظ [illegible]
ص ٢ ع ١١١ ع

الطالع القوس النساء

هران زنی که بطالع قوس از مادر برآید دلیل کند که
زنی بود نیکو روی ونیکو خوی ونیکو بالا وسرخ سفید
وپهن پیشانی وشیرین سخن ومردمان جمله وی را
دوست دارند واز مردمان روزی خورند وبآخر عمر کار
وی بالا گیرد وخواسته ومال بسیار جمع کند وسخی
طبع بود وصاحب خیر باشد واز کارهای خیر سیر
نشود وخدای تعالی مال ونعمت او [illegible]
ومردمان بسیار باشند که میانه او وشوهر او و

غیبت کنند اما باید که راز دل خود با کسی نگوید
تا پشیمانی نکشد و مردمان نادی سخن و جاه کنند
باید که همیشه دعای باطل السحر با خود دارد تا زیانی
و جادوئی بر وی کار نکند و هیچ رنج بوی نرسد و صاحب
این طالع سوا از روزها روز پنجشنبه و از ماهها ماه
رمضان سازگار بود و طبع وی گرم و خشک است
و بیماری وی از درد پشت و کمر باشد و اگر پیش
کسی بحاجت رود دست راست باید تا حاجتش
روا کرده و چون ماه نو بیند نظر بر زنان اندازد
تا آن ماه بر وی مبارک باشد و از انگشتری فیروزه
سازد و خانهٔ پدر و مادرش حوت بود بر وی
مهربان باشند و خانه فرزندان حمل باشد بیشتر

نرینه باشند

نرینه باشند اما کم مانند و خانهٔ دشمنان وی
عقرب بود دشمن وی ضعیف باشد و صاحب این
طالع سوا گاو و گوسفند و شتر و جمیع چارپایان نیکو
سازد و بیماری بیشتر از خون و باد و رطوبت بود
جالینوس حکیم سوا پرسیدند که دوای او چه باشد
گفت طباشیر و هلیله بلیله و قرنفل و دارچینی و
زنجبیل و جوز هندی و فلفل از هر کدام دو مثقال با
عسل معجون کنند و بوقت بهار بخورد تا همه درد
ها سود نافع باشد و قران و مخاطرهٔ وی بیک سالگی
و دو سالگی و بیست سالگی و بیست و پنج سالگی باشد چون
ازین قران بگذرد عمرش بهشتاد سال برسد عمر الله
هلال که خداوند این طالع بی تعویذ نباشد باید که این دعا و

بخود نگاه دارد تا از آفت ام الصبیان و جنیان
در امان باشد ان شاء الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم
یا موسی و عیسی ابرحی اهوبان
دلوهها ای هوسحان مایوس
مصرغصیتا یاتم اید هیتاغاید
اصرلهناماس لوماعها سمس یا
ساتح موها موسح ددعوحب
سوس مامك سعرعطوف لی ودف
وهو اعلم عادا عا ااا عا اا ام اا صا صا

الطالع الجدی النساء هران زنی که بطالع
جدی از مادر نزاید دلیل کند که زنی بود نیکو روی
و نیکو خوی

و نیکو خوی و نیکو بالا و زنی نشاطی و فصیح زبان
بود و از کارهای خویش غافل بود و بفرمان کسی کار
نکند الا بکلی جمله کارها جلد بود و از هیچکس منت ندارد
والا خدای تعالی او را نیک بخت آفریده است و مردمان
از وی نفع بسیار برند و فرزندان وی بسیار باشند
ولیکن بیشتر دختر باشند و صاحب اراکی یکی بغیر
از مادر خویش شیر خورده است بر دست یا بر پا یا بر
سینه نشانی دارد و او را نشان نیک بختی است
و کالی باشند که نان و نمک او را خورند و در
عقب وی دروغ و بهتان بسیار گویند و خدای
تعالی او را نیکو کردار آفریده است و بسیار نعمت

برای وی بدهد و هرچه بدست وی افتد بخورد و بمردم
دهد و سخی طبع بود اما دست قاصر طالع بود بسیار بی
نمک ست و مردم در پیش وی نان و نمک وی را
بخورند و در عقب وی دشمنی کنند و خداوند
این طالع یتیم دار بود و بیمارهای خیر چند کننده
بود اما باید که تقصیر نکند تا خدای تعالی نعمت وی را
زیاده کرداند و در صدقه دادن تقصیر نکند تا حق تعالی
او را از بلاها ایمن کرداند و اگر پیش کسی
بی صحبت رود بدست چپ با بیند تا حاجتش روا
کردد و اگر ماه نو به بیند نظر بر زنان افکند تا
بر وی مبارک باشد و از بیماری وی سو مخاطره بود

بیشتر از بها

بیشتر از باد و خون و قلنج بود جالینوس حکیم را
پرسیدند که دوای وی چه باشد گفت طباشیر و هلیله
و بلیله و قاقله و زنجبیل و دارچینی و جوز هندی
از هر یک دو مثقال با عسل معجون کند و بوقت بهار
بخورد تا همه دردها سود نافع باشد و از روز پنجشنبه
دوشنبه سازد و روز یکشنبه دیر اهیچ کار نسازد و
چهارشنبه نیکو سازد و از چهارپایان ستم نکافته روزی
مند بود و خانه خواب وی را در برج جدی یافتم چون بخوابد
سوی مغرب کند تا از آفت خواب ایمن کردد و قران
و مخاطره وی به یک سالگی و پانزده سالگی و سی سالگی
باشد چون تا از این خطرها بگذرد عمرش نود و هفت سال باشد

باشد و بعون الله تعالی گوید که خداوند این طالع پی تعویذ
نباشد باید که دایم الاوقات این دعا را با خود نگاه
دارد تا از شر ام الصبیان و پریان و جنیان محفوظ
ماند و زبان بدگویان دعا را ان بر وی بسته گردد والله اعلم
بسم الله الرحمن الرحیم یا رؤف یا عطوف
بحق آدم صفی الله یا کریم یا حنان یا منان
یا سبحان یا سلطان یا غفران یا مستعان
یا لا اله الا انت الحنان المنان یا ذو
الجلال والاکرام الحفیظ ۱۱۱ص۲۱۱۱۱۲ص۹
الطالع دلو النساء هر آن زنی که بطالع دلو
از مادر زاید سه وجه دارد اگر بوجه اول آمده باشد
زنی بود راست

زنی بود راست کار گندم گون و باریک ابرو و شیرین گفتار
دلیر و طرب را دوست دارد و اگر بوجه دوم آمده باشد
عطارد دوست پیوسته ابرو و میانه بالا باشد و اگر بوجه
سیم آمده باشد راست کار و سفید اندام و باریک ابرو
دشمن هان و تازه رو و ترس کار باشد و با ورع و
پرهیزگار باشد و با فرخ عمر است بوی رسد و دراز زبان
کاهلی کند و بر سینه یا شکم نشانی دارد و نشان نیک
بختی است و کار خیر بکند که هیچ در نیابد و هرچند بزرگ
شود کارش بهتر شود الا زود خشم گیرد و زود
پشیمان شود و رحیم دل و بجمیع با صلاح باشد و با هر کس
که خوبی کند بدی بیند و بیشتر فرزندان وی نرینه
باشند و طبعش گرم و تر باشد و خداوند این طالع را

از آتش رنج رسیده است تا میرسد و خانه و خواب وی
در برج دلو یافتیم هرگاه بخوابد سر سوی مغرب کند
تا از آفت خواب ایمن گردد و بیماری او از درد شکم باشد
جالینوس حکیم سوی پرسیدند که علاج این چه باشد گفت
طباشیر و هلیله و بلیله و شکر طبرزد و دارچینی
و فلفل و جوز هندی از هر یک مثقالی با عسل معجون
کند و بوقت بیماری بخورد تا همه دردها را نافع باشد
و قران و مخاطرهٔ وی یک سالگی و یازده سالگی باشد
چون ازین خطر بگذرد عمرش بود و پنج سال برسد و جب
این طالع از جامهای رنگین سازد و از رنگها لعل
جامی سازد و از چهارپایان گاو و گوسفند و ...
وی را سازد و از روزها روز شنبه و از ماهها ماه دی
فلا سازد

قعده سه روز و چون ماه نو به بیند چشم بر سبزه
افکند و اگر پیش بزرگان رود و بدست راست ببندد
تا حاجتش روا گردد و عبد الله الاکوید که خداوندان
طالع را تعویذ نباشد باید که این دعا را با خود نگاه
دارد تا از شر آسیب ام الصبیان و پریان و جنیان
ایمن باشد و زبان بدگویان و غمازان بر وی بسته
گردد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الحنان
بسم الله المنان یا دیان یا غفران یا
سبحان یا اهیا شراهیا هیا
۹ع ۳ ۳ ۱۸ ا ط ۱۱ ۱۳ ۱۳ ۳ع ۳
۱۱۱۱

الطالع الحوت للنساء هر آن زنی که طالع

حوت از ماه زبر آید سه وجه دارد اگر بوجه اول آمده
باشد تعلق بزحل دارد و سبزه و باریک ابرو و باریک
آواز باشد و اگر بوجه دوم آمده باشد مشتریست
نیکو قامت و خوش خلق و سرخ و سفید و میش
چشم و نیک معاش باشد و لهو و طرب دوست
دارد و فرزندش بسیار باشد اما کم بینند برو یا بر سینه
نشانی دارد او نشان نیک بختی است و از آب حذر
باید کرد و شهوت غالب و شوهر دوست باشد
و تابستان وی را رنج زند و رنج وی غلبه از حرارت
و درد جگر باشد جالینوس حکیم را پرسیدند
که داروی وی چه باشد گفت سکونیه و قرنفل
و دارچینی و جوز هندی و هلیله و بلیله از هر کدام

داهفتی بال

و شعف با عسل معجون کنند بوقت بهار بخورد
تا همه دردها سود نافع باشد و قران و خطر وی
بچهار سالگی و دوازده سالگی و سی سالگی باشد چون
ازین خطر بگذرد عمرش نود سال برسد و خداوند
این طالع سوار جامه سفید سزد و از نگین
عقیق سزد و از چهارپایان مادینه و از روزها
روز پنجشنبه و از ماه ها ماه ذی الحجه سزد و چون
ماه نو به بیند چشم بر زنان افکند و چون پیش
بزرگان رود بدست چپ بایستد تا حاجتش
روا گردد و خانه خواب وی را در برج حوت
یافتم چون بخوابد سر سوی مغرب کند تا از
آفت خواب ایمن گردد و بسم الله هلال گوید

که خداوندای طالع پی تعویز نباشد باید که پیوسته
ای دعا سو با خود دارد تا از شر ام الصبیان و پریان
و جنیان و بدکیان ایمن گردد والله اعلم
بسم الله الرحمن الرحیم یا حی یا قیوم
یا ذو الجلال والاکرام یا علیم یا رحیم
یا حلیم اهیا شراهیا یا بحق آدم
صلی الله علیه السلام
ه۱۱۱۱۴ ۴ ۴ ۱۱ ۷ ۱۱ هو
ط ۱۱ ۱ ۹ ۱۱ ۹ ۱

باب دیونامه دوازده برج دیو اول
دیو اول را در پیش حضرت سلیمان آوردند سلیمان
پرسید که ای دیو نام تو چیست و مقام تو
کجاست

کجاست دیو گفت یا نبی الله مرا ... نام است
بلشادلیش و جا بردن است و مرا دو سر است
یکی چون سر آدم و یکی مانند سر شتر باشد بدصورت
درش بنی آدم در آیم اول بصورت پلنگ و آیم
مصورت شیر ببره حضرت سلیمان گفت جای
تو کجاست دیو گفت در بیشها و در کنار آب
روان و قرارگاه من در قبرستانها و گاه در خرابها
می باشد و هر آدمزاد که بدین طالع باشد نزد من آید
و خدا سو یاد نکند و نام خدا آنجا نداشته باشد
من در آیم و چون با من بان رسد آتش شعله زند
و زیاده شود و لرزه از پشت پدید آید و نقش

بزردی زند و آب طلب و درد و حرارت زیاده شود
و خواب کم کند و لب و دهان شود و گردن کج شود
و چون بر خیزد سر بگردد و سیاهی پدید آید و دلش
بهم آید و دهان و بینی کند شود و روز شنبه
در وی رو افتاده هست و اگر کودک باشد چشم و
زبان بد رسیده هست و از زن سیاه رنگ وی را
و هم و ترس پدید آمده هست و نشانی آن باشد
که روی وی زرد شود و اگر دوا نکند چهل روز و شب گیرد
و اگر موی شتر و شمیر بره در زیر دامن کودک دود کنند
شفا یابد بفرمان خدای تعالی حضرت سلیمان گفت
علاج وی چه باشد گفت این دعا بنویسند
و با خود دارد شفا یابد ان شاء الله تعالی بفرمان خدای تعالی
یا غفور بسم الله

بسم الله الرحمن الرحیم یا غفور یا ودود
یا رؤف یا عطوف یا شکور یا صبور
یا حی یا قیوم یا وزدی یا رحمان الرحیم
سبحانک یا لا اله الا انت ۲۴ خاف عاف
۲۱ / ۱۱۱۱ ۱۱سم ا ط ط طس طس ۴۴ ۲۱۳۱
۲۱۲۱۳۱ ماشهیا ادونی اصباوت امی
بحق اشهد ان لا اله الا الله و بحق
اسماء الله و بحق عظمة و بحق قل هو الله
احد و اگر این دعا بنویسد و بشوید و بخورد
و باره بر بدن کند مالا بسم الله الرحمن الرحیم

خلق الله تبارک و تعالی یا الله

یا حنان یا منان یا احد یا صمد یا هو

٤٣ع١١هو١و١ه١ه١١١١

یا من هو

سبحانک یا لا اله الا انت یا رب کل شیء

و رحمة و علماً و ارثه حلسوون

علی [illegible]

شداد نمرود فرعون ابلیس

دیو پنجم دیو تیم را پیش حضرت سلیمان

آوردند دیو یک دست با ذکر ده بود و یکی دست عاصی

نیم کافر و نیم مسلمان نزد حضرت سلیمان آمد

حضرت پرسید که نام تو چیست و مقام تو

کجاست

کی ست دیو گفت قرارگاه من در قبرستان ها باشد

وگاه در باغ و نشیب و در لب آب روان هر آدمیزاد که

دران جا بیاید و خدای سو یاد نکند و با نام خدا همراه نباشد

من روز آدینه آیم مانند مرغ زرد گرد وی بگردم و دو ور را

بازرسانم چون باد من بوی رسد در حال سست شود و

خواب کند و وی سنگین شود و لب و دهان خشک شود

و فراج تلخ شود و شکم سخت شود و طعام و مه نخبند

و صفرا غالب شود و گردن و بازوی وی را بگیرم

مانند قلنج در رگهای او و بر هم زنم و بجنبانم و فتنه

مار و مانند دود بر اعضای وی روم و مانند زنبور

در گلوی وی روم و در پهلوی وی درایم او سو تب بگیرد

وبا سود اگر دو دگاه به سینه وی در آیم و عمل سخن فایده
ندارد و خاطر وی پراگنده شود و چون چشم برهم نهد
بسیار جای بگردد و چیزها در نظر او پدید آید چنانکه
بترسد و سخت خوش باشد دوست و پای بفرجان شود
اکنون من خیلی باشم و خلق خدا را بروز پنج شنبه مضرت
رسانم و مانند بلغم بر دل وی روم و بر هم آید چنان
بگیرم که کف از دهان وی روان شود و اگر کودک
باشد چیزی دیده باشد و نرسیده باشد یا چشم بد
رسیده باشد و مانند چراغ او سوزد وی غایم و گاه
مانند مار و گاه مانند سگ و گاه مانند بوزینه
تا مرا به بیند چشم باز کند و بیهوش شود و بلرزد
من فی الحال بر سر جلوس کنم و گاه گرم بود و گاه
سرد حضرت سلیمان

سرد حضرت سلیمان گفت علاج وی چیست دیو
گفت این دعا را بنویسد و با خود دارد تا شفا یابد بفرمان
الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم سبحانک
الرفیع الکریم سبحانک العلی العظیم سبحانک
الحافظ الکریم سبحانک الرؤف الرحیم
سبحان الله و بحمده یا الله سبحانک یا لا
اله الا انت یا ذو الجلال والاکرام بطها
بطا الله ححح ص ١١١١١١١ ممم ع ١١ ع ع اکرام
م ١ م ٧١ م ١ م ص ١١١١ ٧ ١١١ ٩ ١١١ ٨ ١١١ د د
١١ ص ص ١١ ٢ ١١ م ١١ ص ١١ لا و آیة الکرسی با
بسم الله الرحمن الرحیم بنویسد و با آب بشوید و بر

بدن او فی الحال شفا یابد بفرمان خدای تعالی و حلوبون
این هست ابلیس تلبیس بلوس هامان
فرعون نمرود و اسم حافظ او عوام الرحمن
دیو برج جوزا دیو سیم و نزد حضرت سلیمان علیه السلام
آوردند حضرت پرسید که ای دیو نام تو چیست و جای
تو کجاست دیو گفت نام من جابر مردان و خطا
طون و جای ایلین هست و جای من در کنار آب روان
و گاه در زیر درخت میوه دار و گاه در باغ و گاه در
مسیب باشد چون خداوند این طالع و این ستاره در
پیش من آید و خود را برهنه کند و نظر در آب کند
و نام خدا را با خود نداشته باشد و یا نام خدا نه برد
وی را نظر کنم و در حال باز زنم چون باز من بوی
رسد فی الحال

رسد فی الحال سر بدرد آید و چشم تاریک شود و طاقت
از وی ببرم و دست و پای وی بی فرمان شود و تب
گیرد و لرزه آید و معده سنگین شود و طعام کمتر
خورد و دهان تلخ گردد و صفرا غالب شود و قوت را
ببرم و رنگ او زرد شود و سر و سینه پر آتش
گردد و چون بخواب رود چیزها پدید آید و دندا
نهای خود را بر هم زند و چون خواهد سخن گوید نتواند
گفت چنین بیرخیزد و دست و پای او بی فرمان شود
و اگر کودک باشد او را چشم بد رسیده هست از این
سبب فزود هم و نشان آن باشد که روی وی زرد
شود و تب گیرد حضرت سلیمان گفت علاج وی
چیست گفت موی فیل سیاه در زیر دامن کودک

بسوزانند و این دعا را بنویسند و بشویند و بخورد
و پاره بر بدن مالد شفا یابد بفرمان خدای تعالی
بسم الله الرحمن الرحیم یا ایها الذین
آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله
لعلکم تفلحون ط ط ااا اااا ۹
۲۹۸ د ۹ااا ع ۴۲۲۲ ااا ص ۳ اا س ۳
اللّه المحمود اا ۲۰ اا ۷ ا ۲ ا ج ای اا
فی کل حاله و اگر این دعا بنویسد و در موم
کشیده و با خود دارد شفا یابد بسم الله الرحمن
الرحیم یا لیثا یا طعنا یا جلوطا
یا شحطیا ااا ااا ۳ ۲ ۳ ۹ ۶ ع ۱
ص ص ع ۱ ۹ ۱ ۲ ص ص صح بستم در دهن
فلان بن فلان

فلان بن فلان بحرمت اسم اعظم طهوجلبوزن بی
بست شد آو نمرود و فرعون ابلیس تلبیس
بلقیس دیو برج سرطان دیو چهارم از برج
حضرت سلیمان آوردند سلیمان گفت ای دیو نام
تو چیست و مقام تو کجاست دیو گفت یا نبی الله
من مرد عالمم و شب و روز انجیل میخوانم و بسیاری دیوان
را علم آموختم و مدرسم و من روز سه شنبه بیرون
آیم با قوم خویش اکنون چهار هزار دیو بفرمان منند
و با رعیت خویش بدر می آیم و مقرگاه و در کنار آب
روان بود هر که خود را برهنه کند و با این ستاره و یکی
طالع باشد و نام خدای تعالی نبرد و یا بخود نداشته
باشد من او را بیازارم چون بازار من باد رسد در حال

سر بدرد آید و چشم درد کند و لرزه در اندام افتد
و پشت بدرد آید و معده و شکم وی را بگیرد و دهان
تلخ شود و کام و کله و سر ایشان فرود هم چونکه در
خواب شود از خواب برجهد و اندام وی مبتلا گردد و
زبان وی پریشان شود و گاه سینه او را بگیرد مانند
نفرینی در رگ پی وی رود و گاه مانند بلغم در گلوی
وی در آید مانند مرغ بر زبان پدید آید و اگر کودک باشد
در وی نظر کنم چنین مرا به بیند وی را فرو دهم یا
روز باشد یا شب نشان آن کودک آن باشد
که روی زرد گردد و شب و روز تب کند و بی خود
گردد سلیمان ع گفت یا دیو علاج آن چه باشد
دیو گفت این دوال خشک بخورد تا شفا یابد بفرمان الله تعالی

دانکه آیت الکرسی و بسم الله ان نی بنویسید و با آب
بشوید و بخورد و پاره بر بدن وی مالند بفرمان الله
تعالی شفا یابد ص ١١ ٢ ٣ ١ ٩ ٢ ٢ ١ ٤ / ٩ ١١ م م ١٢١٢
١٢١٢١٢١٩١٧١٤١١١١٩ ه ص ١٥ ٢ ٩ ١١١ ح

دانکه این دعا سو بنویسید و در گردن بیمار بندند شفا
یابد بسم الله الرحمن الرحیم ابلیس کم تلبیس
بسم الکفر بحق توریة موسی و انجیل عیسی
و زبور داود و صحف ابراهیم و فرقان
حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم ا
احرقت بن خاص الشعاع من حی جی

دغول دعدله زین شهر ایشان من شهر کل شیطان
الرجیم یا رهیگ شراهیگ بستم درد و رنج فلان
در کوه هفتم و در هفتم بحق خاتم سلیمان ای
داود ع اجلوزن هیت شداد نمرود فرعون
ابلیس دیو برج اسد دیو سیم بنزد
حضرت سلیمان ع آوردند حضرت سلیمان گفت ای
دیو نام تو چیست و مقام تو کجاست دیو گفت
یا نبی الله نام من اصفی الله و نام اقلیم من عود است
و صورت علیم من چون سر آدم هست و تن چون
شتر باشد اکنون قرارگاه من در لب آب
روان باشد گاه در بیابان باشد اکنون
مرا پنج هزار رعیت باشند بعضی مسلمان و بعضی
کافر و من

کافر و من سردار ایشانم و هر که بدین طالع باشد
دو در پیش من آید و خدا را یاد نکند و یا نام خدا را
همراه نداشته باشد من او را بیازارم و چون بازی
با در رسد فی الحال سرش بدرد آید و چشمش تاریک
شود و تن وی سست شود و مانند قلنج در
گردن و بازو و دوش او در آیم و در معده و سینه
و ناف و شکم او جا کنم و گاه در پشت و کمر میگردم
و گاه زبان وی را بگیرم چنانکه نتواند سخن گفتن
و حالت صرع و دیوانگی پیدا کند و زانو و ناف
وی سو بگیرم و بعضی خود را برهنه کنند و آب
ریزند و بعضی خود ببندند و آب ریزد و چون
جنیان من ایشان را ببینند حضرت رسند

دراسکنجبین ونیم شود
باشند مسلح صحرا زغال نعنع بود و
داکر لودوک سید از مسهل شیرخشت دو
ما روسل داروی کالم و داروی کاه و نیم
وشنان آن با بکد بکند از نصل درو با
بمقدار کلیم وقدر شیرخشت و اسهال
مدیم صحرا بنابر کاه وقت ریح
دو وکفت معدی دادکمد و کش اثر بعد
داف روی کا دارکمد وصید و قدر دو با
دشیر بدهید و خضید غفران الله کاتب اثر
الله الرحیم

یا حسن شافی

یا محتشم
الحی ولا الا الاله والائمه
لمین لا نعم لصلاحه الذی العباد
وحی بحقنا وکلینا و حق الهی اشیا
یا حضرت الذی وسعت کل شی رحمه و علما
یا قیوم و کفیه بطلسم ابو سعید
یا تفا ابو انس ۱۱ و ۱۱
۱۹۹۹۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ و ۱۱
۱۱۹۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۸۱۱۱ ط ۱۸۱۱۸
۱۱۱ ع ۱۱۱ م ۱۱۱ ع ۱۱۱ ط و بعد از آن این دعا نوشته
بجهت که این واردو کرده به
بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الرحمن الرحیم

دردی نرسید
دو چار از دو کنار از لب ... حج
... از سر دو بام
دو چار از کنار از ... حاصل دو بام
ببین طالع ... شد ... شد ... در ... مقبول
نه بر دو با جمال خود ... آبد ... که ... دو
هو الله ... دو ... ز ... دو ... ز دو
هر که بیند ... که ... بر ...
کنم دو ... دو ... دو ... نه بر ... دو
... دو ... دو ... زر ...
در ... دو ... نجوا ... بر ... دو
... زنم ... بر ...

یا الله
الا انت یا ...
... دو ... یا الا اله الا الله
یا الا اله الا الله
... الرحیم جلاله ١١١ ط ٩
... یا احد یا مغیث یا جبار یا
... آدم و حوا حلسوری ای بنت
... ابلیس یلبسی یلبسی ١١١ الا ١١٨ ١١ الا ١١ ع
دیو و جن سبلة
... کفت ... خصمت ... دو
... دو ... بنی آدم
... دیو ... ست

بنم شبها بر هفت شود
و آنسه و فتح وی از نظر کلیم خانکه
استخوان وی درهم شکند و صده و سینه وی
درد کند و شکم و ناف و پهلوها کمر درد کند و دهان تلخ گردد
و حلقوم و لب دهان خشک شود و یک روز حال او چونین باشد و
یک روز نیز باشد و گاه لرزه آید و گاه آتش شعله زند چنانکه
عرق کند و دوا کسنه کند و نعره و فریاد برآورد و طعام نخورد
و هل و جای در دراز رفتنی باشد و اگر او در جای بشتر
زخم بدو داران بدیهم ... را
فرد بعلیم باجائکه
شود

شب نیز چنین باشد
و بار دیگر پیدا شود و رنج و بیم
آواز بلند بگیرد و روی از درد زرد شود و سر بیرون آید
نشان او و گوهر که در او است صلاح باشد و یابی دوا
و سر و درد او کند و علاج او باشد و ... ادویه
عجایب الکتب ... و علاج ... باشد ... بیند
و دواء الملک ... و سر ... باشد و ...
نا شفا یابد بر نقاش خدای تعالی و انگه از یابد
وتا ... صندل و کلاب ... ناشفا ... بیند و ناشفا یابد
بزنا شفا ... الله که ... نافع ... است

١١١١ ٣ ١١١١ ١١١١ ١١١١ ٩ ١١١ ٣ ٤ لا ع ١١ ١١ م
١١١١ م ٨ ١١١١ م ٥ ٤ ٣ لا ع ١١ ١١١١ م ٥ ٤ ٣ ٢ لا ٤ ١١١١١١ ٩ ٥ ٤ ٣ ٢ ١

وانکه این دعا ٧٩٩١٩١١١٣٨

بنویسند و با خود نگاه دارد تا شفا یابد والله

بسم الله الرحمن الرحیم

سبحان الله الملک المجید سبحان

الله بحق ... باسم محمد جبرائیل و

میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و بحق محمد اشهد الله

انه لا اله الا الله و بحق محمد رسول الله علی

الله حقا ١١١ ٢ ١١١ الا ١١١١ ٨٨١١١٩ ع٤ع٤٣

ع ١١١ صح صح ١٢ ١٢ ١٢ ١١

٩ ع ع ٤ ١١١ الا و عدد اوان فی

الله احد و قل اعوذ برب الناس

بنویسد و با خود

بنویسد و با خود دارد

ببیند و با جانوران ایشان را بشمعون

شفا یابد جادوی ابلیس تلبیس دیو و پری میزان هفتم و دیو

شداد و نمرود ابلیس و دیو حضرت شمعون و بند که ایدا و یا ...

را تا حضرت سلیمان علیه السلام آورده اند نام ... ایدا ... اربع و نام

... و بگفت با نبی السلام ... و ربیع عود

و مقام قوی بست و مقام ... و ان و ... و

دایم عدوان و تمام نیستم عافر ... آسیب و ان و ...

جای که بینی ... باشد و نگاه دار ... باشیم و همراه او ...

خدا که کنند و نگاه نزدیک ... باشد از ... و هر که

مدینا طالع باشد و هر که ...

رسید

وخفقان
علاج باید نکنند و بیانم
خواهم الا [...] تلخشه باشد [...] ادو
به درستی عمر [...] باهم باور سد سر و چشم بدرو آنکه شق
ویشت و کمر دو میان با معده آید و لگاه هرزه بازو وی بود بکسیم خاتمه
بازو کشنده شود و کردن هیچ شود و لرزه در اندام او افتد و نشانها
کرد و ولب و دهان خشک شود و مزاج تیغ و غیظ کرد و خواب
و راحت ندارد و یا منع شود و شکم پرباد شود ازنانها بجای افطار کنم
او سه یکسیم دو جای او بود نیتشود ولکاه بهتر شود بر
نیز کمیر و روز پنجشنبه و شنبه خوق
بود و اگر کودک باشد وی و

فرود هم

٧٦

فصل
دهم در قولنج بیان علاج قولنج بسم الله الرحمن الرحیم
بیمار را [...] بیان سوره قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن فقالوا انا
ودو کف [...] بنویسی اسم [...] قل اوحی الی انه [...] ولن نشرک بربنا احدا وانه
[...] الرحمن الرحیم [...] یهدی الی الرشد فامنا به ولن [...] وانه کان یقول سفیهنا
سمعنا قرآنا عجبا [...] ما اتخذ صاحبة ولا ولدا [...] الانس والجن علی
تعالی جد ربنا [...] وانا ظننا ان لن تقول [...] علی الله کذبا
علی الله شططا [...] شفا یابد [...]
کرد [...] شفا یابد [...]
ودیا جمعه [...]
١١١١١١١١ ٩٩ ١١١ ١١١ ١١١ ١١ ١١١ ه ١١١ ١ با ر
١٢١٢ ١١١ ١١١١ ح ١١١ ه ١١٩٢٢٢١ ط ١١١١ ه

چیست
دمقام نهنگ جست
دیو گفت یا نبی الله نام من ظلخیم
و نام دیگر دری ای صابع و نام دیگرم بیوط و مرج
و نام دیگر آب روان و لکی در میان
چون بنم نخیم باشد و مقام من در کنار آب
و کاه جابجا که سنگ دو کی نرم زده باشد دیو او نمراد کرنز
آب خواه خورد و خواه برزگ و خواه زن و خواه مرد و نام ضحط
بر آید خواه خورد و باو هم راه برداشته باشد از او بیمار گردد چون
فلانی را نبرد و در حال لرزه بر بدر آید و سر درد کشد و چشم
بلرزش نیز بیند و سپاهی بر آید و گشت دیدن
در تب شود و در کنند و معده سنگینی شود و آب
بیند و طعام کم خورد و
عقوبت

ورارطا ١١١ سو ٨ ٨ ١١١١١١ ٣ ٣ م ما صر صر
مرلج ١١١١ ٢ ٢ ٢ ١١١ ع ع ع ا رد ود د
دررورد ٣ ١١١١ ٣ ١١١١ ٣ ١١١١ ع ع
١١١١ صد ١١١١١١ ود ود ود ود ود ود ود د ود
دررورد ع ١١١١ ع ع ١١١١ ٢ ٢ صر صر صر صر

داغکه بهند
عاشو بنوید و با خود نگاهدارا
رد تا شفا یابد بفرمان حق بسم الله الرحمن الرحیم
سبحان الله العلی الاعلی سبحان الله و بحمده هو هو
هو ١١١٩ ٨ هـ ١١٢٩ ع ا م ط ١١ ط ١١ ط ١١ ١١١١ یا حنان اینست
الذی وسعت کل شیء رحمة و علما حکم گونه زن ای نیست شداد
نمرود و فرعون دیو عوج عوق و هشتم تا کبر شو
حضرت سلیمان ع دیو را دید پرسید که دیو نام تو چیست

خشک شود
و ضراج نیم کرد و چون
بشت در آید حال او بدتر شود و دست
و پا سست شود و بیهوش شود و گاه سودا زیاده
کرد و چون بخواب رود ما شنیع انداز بود در آن دی را فرود هم
نشان آن با شکه رنگ و روی وی زرد شود وی را بگیرد
و خم که دیو ماده ام با بچه‌های خود میکردم هر که بکلیم چیری
بسیار کمر و بیم حضرت سلیمان علیه السلام رسید که علاج ان چیست دیو
گفت یا نبی الله علاج آن زن نیست که پاره پوست سگ
و پاره پوست خوک یا در دود بالای آن
شخص نهد تا راحت یابد و آن
گاه این دعا را بنو
بسد با چند عدد

مصطکی در آب

مصطکی
در آب نیم بیند و بی
باید که بخورد تا شفا یابد بعون الله
بسم الله الرحمن الرحیم یا الله الا الله
صلاح ... الا الله
و اقطع ... الطمع و ...
بنویسد و ... باید

٥٥١١١٣١٩٢٥ لی

اء ٢ ١١ ع ط ٩ ١ ٩

ام ١١ ط ٢ ١١ ٢ صح صح صح صح

و بعد از آن این دعا و بنویسند و بشویند و آب
و بر ... مالند و بقیه در گورستان کند ...
کنند تا راحت یابد بجلعها صهعنا
طمسعها طلمها هععهها
الالا ههمها ٩ ٩ صمعصع

صهعنا طلعها

دیدی ادا انجی وچاق
بنوبسید ودوردبه استکرم دونج بنی
بنوید بسم الله الرحمن الرحیم بنی
تکلف شدی وداره بالعجه بازنه
بغه دوادو ... صلحوان اولنی بسیع وداو بابن
بالا اله الا الله بعدارت دیو بیم سوینمز وصی
بالله باری کالاظل دیبیع قوس ... وقفا مقوبکی بسی
ابلیس ع بان عیبس ابلبولوبام قوبعلیت وبابجه
اوودبد کعبوان ... کعب ... ادالی اقوبینبرز ... دوان
کعب بابنی بالسه ... بکوده ... ودکبارز اب ... زابه
... دوادر بلبکه بدیلنی طالع بابد ودنبروبه
بابعد بکه ... جدای بعلی سوبعه
دیا ... بعد انشم ... بابه

برهان بنداوردو

جزایان ... ایشیل
بنادودمنا دوریس ... دوابی
بنادودی سیاد ... باییم ودوده سر ... دکودن بیدار
کبوطر سیاده ... بادوده بیش ودکودن ... بعنی بود
کنبر ... ابک ... باددوده ... دوبیم وصیعی بیعفوق
آبدیبابسد ... ودیم ... ودوددیم ... ادیابید ... داوبو
دول ودعکبر ... سعادیم ... ادعلبید ... بیداد ودوان
کافدر ... تصفوبکر ... ادر ... ادوابم ودوابم ... دولبد
بج آدیم ودیم ... بیمس ... ادودبر ... ودفیم ... بینبار ابد
جان اوبابد ... فراکلابتفیر ... اغودو ... باربو ... نیروابم و
دکاه ... بیش آید دکاه صکبر ... ابسد ... صیف
بدبوبکمیم ... دفنی ... بسیم دیم
کسدرانم ودکاه ... ابدم و
فی دوی

وصیل والنور
الظلمات والنور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون ارزن
ثم الذی خلق السموات والارض ... بشه
دیکر اینست الذی خلق ... لکنون ... واقه
... دعاوای طلسم ... عاعاعا ... ماده
زنانم ... وبنیه ... ماعاعاعا ... بحوات
داروی شفا یابد ... ۱۱۱۱
سنطلات ... ۱۱
... ۱۱۱۳ ... ۱۱
... ۱۱۲۳ ... ۱۱۱۱

دیو جبجی جلدی

حلوان ... نشاد و غرود و فرعون ابلیس ... نام
... سلیمان ... ابدو
... نصیبت وبکیت ومقام

منفع در زینت
حال و رونق باشد
نی ... روم
در ... زرد کنم ولحاه از
کرم کنم
بیم ... و بیمان زرد ... باشد
... کرم ... فوری را
کرم ذحت شد و اگر کودک باشد چشم بدو ...
بد رسیده ... نشان آن باشد که روی وی زرد
کنم و تب پیدا کند و اگر علاج نکنند چهل روز
... بعد ...
علاج آن ...
بنویسد ... الرحیم ...
... السماوات ...
وصل الطف

ببلغ و دوا سطیل و ضمادها و حیض نیستی آدم مرغ [illegible]

و نام دیگر ببیل شاه بلو و مقام [illegible] در قسم [illegible] و کاه [illegible]

فی نحیم نمر باران باشد و نام [illegible]

لکشت بایشتی الله

دیو

اگر مرد باشد و اگر زن باشد و اگر [illegible]

باشد و اگر [illegible] باشد و [illegible]

مقامهای ببیند [illegible]

و نام خدای تعالی با جو نداشته باشند و یا بیربان

بگویند من [illegible] باز رسانم چنین با او [illegible] ان زند

[illegible]

[illegible]

هر آینه [illegible]

[illegible]

سر [illegible]

ببیند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و بعد از آن این دعا [illegible] با جند و گلاب بشویند و بنه

نهند تا بخورد شفا یابد بفرمان خدای تعالی و قدرت او

اعفظ

و دعا این است بسم الله الرحمن

الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن

الرحیم الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار

المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق البارئ

المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی

السموات و الارض

و هو

٤٢٤٢٤٢٤٢٩٩ ١١ ١١ ادوم ١١١١ لا

لا٤٢٤٢٤٢ ١١ ١١ وادا ١١١١

ووووووو

ههههههههه

١١١١ ادوم ١١١ ه ودوم م م

وبعد از آن این طلسم ٩ بنویسید و با آب بالدو

برابر قبله در گور کهنه نهند بتجربه رسیده است

١١١١ ١١ الزو ٩ ٢ ٢ ٣ ٣ ٣ ٣ ١١ ع ع ع

٣ ٣ ٣ ١ ع ٩ ٢ ٢ ٤ ع ع ع ع ٧

جلوزان این بیت شداد نمرود فرعون ابلیس

تلبیس هامان دیو بیج دلو

دیو یازدهم ٩ نزد حضرت سلیمان ع آوردند سلیمان ع

پرسید که ای دیو نام تو چیست و مقام تو کجاست

و حضرت بنقمان بچه قسم میرسانی دیو گفت

العزیز

الحکیم وبعد از آن این

دعا سو نوشته با آب لا از شیر بنویسد

و مجرب [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم

یا حی یا قیوم یا بدیع السموات و الارض یا ذوالجلال

والاکرام و لا حول ولا قوة الا بالله

العلی العظیم وبعد از آن این دعا را بو

بنویسید و در گردن بیمار بندند شفا یابد باذن

خدای تعالی قوله الذی ربنا آمنا فاغفر لنا ذنو

بنا و قنا عذاب النار و یا ...

یا الله یا ...

١١١١ ٩ ١١١ ١١ ادوم

ع ع ع ع ١١١ ادوم

٩ ٢٤٢ ٢٤٢

دفع درد سر [illegible]

[illegible] صحیح [illegible]

[illegible] علاج [illegible] و [illegible]

[illegible] بنویسند و بشویند بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

خدا [illegible] شفا باید [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] الحق والا [illegible] بنویسید و در [illegible]

وآیة الکرسی [illegible] بنویسد و [illegible]

[illegible] نوشته [illegible] الرحمن الرحیم ١١١٤

[illegible] بسم الله [illegible] ١٢ [illegible] ٩٩ [illegible]

[illegible] ٣٣ [illegible] ١١١١١١١٨ [illegible]

[illegible] ٩٩١١٣٣ [illegible]

[illegible]

باب [illegible]

[illegible] نام [illegible]

[illegible] دزد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در طعامها

بسم ورد و ربع حمل از برج میدان خو

محمد و آله الامجاد جلیوران بزنبیت شد او مرد و

در عون بنیس بنیسی تمامی برج حوت دیو او ادرع

مرد و حضرت سلیمان ع از و درد نزد حضرت سلیمان ع امر سید ابر دیو نام نحوست

دیو گفت یا نبی الله نام من ... است معغوش و نام شنیم

مرد درست سلیمان ع گفت مقام تو کجاست گفت مقام

درکنار آب روان باشد و لحاه در رفو خانه و آب مراز تم کرد

ما سوده از ده هزار لشکر باشد بعض طافر و

بعضی علما و هر او میزادی

که بدی طالع بگشو

دیو یعنی آمد

دو ریش

قتل آید و حصار ار بار نشیند

و با نام خدا با حق بدار ابتدا شته بشنوند

و بعد از ... ربع الملک بعزه او بود

... و ضعیف ... و در ... کنند و خشم یار

او سو یار ... ستم و ... و فضا ... اب

زیاده کرد و دلگاه ناف در رو کند مانند یک استخوان

او سو بخورم مغز نیش سو بگیرم و از خال خویش بلوبش

تحف

و در آسمان ... و حلی او

روم چنانکه ... رسد و یک عقب

فراز نیم و لحاه کرم باشد و لحاه ... تنکه ... سلیمان ع

ا سید که علیه او صدت دیو گفت یا نبی الله ... ای

تیمو بزلو نیوز ... با خود و کار ... شد و بند و بو

با کنه و نشفا با ...

بسم الله الرحمن الرحیم

٨٥

٣٣٣ ااا ٣ اا ٣٣ اا ححح ععع ععع ااا

٣٣ اا ٢٢ اا ٤ ٤٤ اا اا اا اا عس ع

چون زن اینست شداد نمرود فرعون ابلیس

این طلسم نامه از روی کتاب علی بجناب آخوند ملا حسین قمر
کردید امید که بنظر هر یکی از احباب و حطا که کنند کمان
برسد این حقیر فقیر سو بدعا خیر یاد و شاد نمایند
آمین یا رب العالمین خط بر ورق که نه عاند [illegible]
نویسنده در خاک رفته نویسم بر ورق دیوار خانه
بماند از من مسکین نشانه اگر بیند که او مسکین [illegible]
بکو بکریخت از جور زمانه بر [illegible]
نیز بسی و بیاری [illegible] و [illegible]
خط [illegible] آرزی المتوالی للدست [illegible]

اللهم
احفظنی یا فتاحی من جمیع
البلایا والامراض یا حبیب الفقراء یا
انیس الغربا یا عظیم الرجاء یا دلیل
المتحیرین یا غیاث المستغیثین اغثنی یا الله
یا الله یا الله یا حنان یا منان یا سلطان
یا برهان [illegible]
[illegible] والمؤمنات والمسلمین والمسلمات ولجمیع الاحیاء
منهم والاموات یا مجیب الدعوات و یا رافع
الدرجات [illegible]
و یا قاضی الحاجات برحمتك یا ارحم الراحمین
[illegible]
[illegible]
ااا ٣ ااا [illegible]

٢٢٢

جهة عزایم خواندن اما چون کسی خواهد

که عزایم خواند باید که با وضو باشد و طهارت باشد
و چوب گل دروست گرفته و بجربه بخواند و چوب
بجان مریض زند الّا در وقت خواندن جنب و حیض
نباشد و گوشت حرو کند و نقره در آب انداز و شروع
در عزایم کند و بعد از اتمام عزایم آیة الکرسی و قل هو
الله احد و معوذتین بخواند و بر آب دمد و بخورد
مریض دهد و بر روی مریض پاشد شفا یابد ان شاء الله

هذا دعا بسم الله الرحمن الرحیم عزمت
علیکم تحتک حنک البالک
الکا نکا نکا نکا احضر احضر
احضر یا صاحب الجن والشیاطین
من جانب

من جانب الایمن والمیسر من جانب الجنوب
والشمال یا صاحب الجن والشیاطین بحرمت
سلیمان ابن داود علیه السلام حاضر شوید

هذا دعا بسم الله الرحمن الرحیم عزمت
علیکم بعزایم الله وبعزایم سلیمان ابن داود
علیه السلام عزمت علیکم بعظمة الله
وبقدرة الله وکبریاء الله اکر جهود ایسڭز حقی
توراة موسی و اکر ترسا ایسڭز حقی انجیل عیسی و اکر
کبر ایسڭز حقی زبور داود و اکر مورغ ایسڭز حقی صحف ابراهیم
و اکر هندو ایسڭز حقی بهذه العزایم و اکر مسلمان ایسڭز حقی لا اله
الا الله محمد رسول الله اخرج بعزة الله اخرج بقدرة الله

اخرج بعظمة الله اخرج بسلطان الله اخرج
بخشية الله اخرج ولا حول ولا قوة الا با
لله العلي العظيم بسم الله الواحد الاحد الصمد بسم
الله الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا
احد عزمت عليكم بعظمة الله وبقدرة الله
سبحان الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم بسم الله الشكر لله بسم الله
والمنة لله بسم الله والملك لله بسم الله
والعزة لله بسم الله والعظمة لله بسم الله
والكبرياء لله بسم الله العظيم لله بسم الله
القهر لله بسم الله والنعمة لله بسم الله

والبقاء

والبقاء لله بسم الله والعطاء لله بسم الله
والثناء لله بسم الله وبالله ولا حول ولا
قوة الا بالله العلي العظيم الكريم جهودانيد بحق
تورات موسى واكر ترسايانيد بحق انجيل عيسى
واكر كبرانيد بحق زبور داوود واكر مغانيد
بحق صحف ابراهيم واكر هندويانيد بحق هذه
العزايم واكر مسلمانانيد بحق لا اله الا الله محمد
رسول الله اخرج شما كه پاكانيد شما كه
دين داريد كه ايمان بخداي عز وجل داريد
از اين بيمار بيرون شويد وكرنه بشما

کنم و دعاهای معظم بر شما خوانم و شما را باسم
اعظم خدای تعالی تا خیکر دانم بحق یا الله
یا الله یا الله یا رحمان یا رحمان یا رحمان
یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا هو یا من هو
یا لا اله الا هو بحق لا اله الا الله محمد رسول
الله اخرج بعزة الله اخرج بقدرة الله
اخرج بعظمة الله اخرج بسلطان الله اخرج
انك لمن الصاغرين برحمتك یا ارحم الراحمین
رب انی لی منزلا مبارکا و انت خیر
المنزلین فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین
دعا کنشیر خستان

دعای شیر پستان بسم الله الرحمن الرحیم
فیها انهار من ماء غیر آسن و انهار من
لبن لم یتغیر طعمه و انهار من خمر لذة
للشاربین جهت تب لرز این طلسم را نوشته و بهر روز
یکی را در آب بدازد و بمریض بدهد تا بخورد مجرب و امتحان شده
روز اول تقصفه روز دوم خلصفصه
روز سیم منصفه نوع دیگر که مجرب و امتحان
شده سه چوب و یک پاره کاغذ بردم کبرد و برپا
نوی مریض ببندد تب لرز بر رود و یکی دفع شود باذن الله
بسم الله الرحمن الرحیم خلق السموات والارض فی
ستة

ایام ثم استوی علی العرش العظیم هطل هطل
هطل ترمنی اطط اطیط شفاء من الله
العزیز الحکیم فتقبل د ترمنی برحمتک یا ارحم الراحمین

نوع دیگر بیاور ریسمان که دختر نابالغ رشته باشد
و هفت لا کند و گره بزند و بگوید کاف و گره بزند و بگوید
هاء و گره بزند و بگوید یاء و گره بزند و بگوید عین
و گره بزند و بگوید صاد و گره بزند و هم چنین
پنج حرف حمعسق را هم بگوید که مجموع ده حرف است
ده گره بزند و در گردن مریض بندد تب لرزه
رفع شود فایده نزله دماوه بیاور و تخم مرغ سیاه
و بر و بنویس بسم الله الرحمن الرحیم طططا
شی ططو

شی طططو شی ططیشی اسکن بقدرت الله
اسکن بعزت الله اسکن بجلال الله اسکن
بکمال الله بتم درد سر و نیم سر و ماوه و نزله و رخ
باد و سفید باد و زنجیر آهن و بکوه و ماوند

بجهت عزایم
طاس مسی را پر آب کند و قدری پوست پیاز و سیر
در آتش اندازد دود کند و چون [illegible] گرفته شود در سر
طاس آب بنشاند و بگوید که در آب نظر کند [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم والصافات صفا
فالزاجرات زجرا فالتالیات ذکرا ان
الهکم لواحد رب السموات والارض

ومَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ المَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ اِنَّا
زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الكَوَاكِبِ وَحِفْظًا
مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ لَا يَسَّمَّعُونَ اِلَى الْمَلَاءِ
الاعلى وَيُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُحُورًا
وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ اِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ
فَاَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ احضروا يا جنود
ملك الارواح بحق شيخ ابو داوود سبز
پوش وبحق تمليخا شمليخا سلمينا بونوشٍ
ساذ بونشٍ ناذ نوشٍ قطمير ادبولى
اصاوث آل شاذلى وبحق كهيج ٥
كهكهيج

كهكهيج احضروا احضروا احضروا الساعة
الساعة الساعة چون حاضر شد بصورت
حيوانات خواهند بود بعد آيه سخره وعز اند
آيه مذكور اينست اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ
السَّمٰوٰتِ وَالاَرْضَ فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى
على العرش يغشى الليل النهار يطلبه حثيثا
والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا
له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين
ادعوا ربكم تضرعا وخفية انه لا يحب
المعتدين ولا تفسدوا فى الارض بعد

اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان رحمة
الله قریب من المحسنین بعد بصورت آدمی
شوند دعک وا در آب بدیند به پسند
که عک وا خورند یانه اگر بخورند باد
دیگر دعا بخواند که عک وا بخورند
نوع دیگر هرکه وا تب شب باشد این نام بنویسد در پشت
پای صاحب تب بنویسد تب لرز بر طرف شود بتجربه
رسیده [٣ سیم نفر ٤٠١٥] نوع دیگر اگر کسی را
خون از دماغ آید ونه ایستد این حرف بخون
او در پیشانی او بنویسد البته بر طرف شود
سیدتره لنک مام مادر موسی ارحیا
بلطاه

نوع دیگر هرگاه زنی که حامله نشود این دعا را بنویسد
و بر ران راست او بندد با او صحبت بدارد که حامله
شود بفرمان خدای عزوجل قدوس قدوس
قدوس قدوس قدوس قدوس و دی وطمنا
اللهم مصعصا ها رهیه فلما اللهم
الملک الحق قدوس له له له نوع دیگر
اگر کسی را فرزند نشود این نقش را بنویسد و در پهلوی
چپ زن بندد در وقت مجامعت البته فرزند پیدا
شود بفرمان خدای عزوجل و حق فرماید که هرکه این دعا را
با خود نگاه دارد از روزگار خوشی جاوید شود ان شاء الله
هذا طلسم

السلطان لله یا رهبتا یا مصبا بالیا
یا مطوسینا **نوع دیگر** دعای شیر گاو بنویسد و بر
شاخ گاو بندد بسم الله الرحمن الرحیم
وان لکم فی الانعام لعبرة نسقیکم مما
فی بطونه من بین فرث ودم لبنا خالصا
سائغا للشاربین **نوع دیگر** جهة بول
بندی بیاورد نی شه بند را از میان شق کند بنویسد
بریک سری یا جبرائیل و بریک سری یا میکائیل
بدیگر سری یا اسرافیل بدیگر سری یا عزرائیل
و در او ضحر کرفته رو بقبله کذاشته تا خوب شود
صیغه بیع شرا ابتیاع تعیین ثمن بایع میکوید بیک طرف

ع	ء	وع	ء	و	
سع	مر	ء	مرص	خود	برع
و	له	ص	س	و	ر
قلد	سع	٤	٢	٩	٧
٩	ه	١	١	ع	د

نوع دیگر
جهة دفع تب لرز
در زیر دامن ... کند
روز اول س ٢٠٥١
روز دوم ٢ع٥٧

علی	عفی	علم	ه	س
هم	طلم	علم	الم	لا

٥ روز سیم ١.٢ ١.٢ بچوب بنویسید که مجربست
نوع دیگر جهت عزت بنویسد در زیر کلاه یا
دستار خود بگذارد یا محتبا العظمة الله
السلطان

مبتلا کی یا [illegible]

یا فکس بیکوید اشتری بیت لکلا

مشتری کی بیکوید اشتری بیتی نیخ و نیخ زا

مشتری شرایانه بیدا ز نیبی علی ایا فکس یا و فجا و کرم

و اکیم شرایانه بیدا ز نیبی یا فکس یا [illegible]

یابع مکوید مثلث یا فکس هکذا نوع دیکر

دروا بیکوید اشتریت هکذا بر ورق بنویسد و بنظر او درآید

زنان بر سفال آب بار رسیده ولادت آسان شود و برای کسی

٤		٢
٣	٥	٧
٨	١	٦

نوع دیکر بسم الله الرحمن الرحیم حنه ولدت مریم و مریم ولدت عیسی و

اوبندد بسم الله ... مریم ولدت عیسی اخرج ایها المولود

٤	٩	٢
٣	٥	٧
٨	١	٦

ترونها لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ
فهل یهلک الا القوم الفاسقون بسم
الله الرحمن الرحیم اذا السماء انشقت وا
ذنت لربها وحقت واذا الارض مدت
والقت ما فیها وتخلت نوع دیکر جهت
درد دندان اول مرتبه میخ آهنی را بر دایره میم کذاشته
و بر ستون زند اکر تسکین نیافت خوب والا بر چشم عین
والا بر چشم واو زند و بر حلقه چهار کنج دار راست
شروع کنند تا چهار کنج البته شفا یابد

نهممم — سمع لوکیا بیملان — یاسمن

جهة نزله مبتلی بسم نزله فلان ابن فلان نو

بز بخیر آهی دکوه دماون

وکوه دماون اکر فارس سمیع و بصیر

وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن

خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون

جهة آتبه بچه ری نقل سو

٩	ااا	٩	ه	٣	٣
٩	اا	٢	٣	٤	

بنویسد و برکردن طفل بنود که آتبه کم میردن

آورد بسم الله الرحمن الرحیم

٢	٣	٣	١١٠
٥	١١	٥	٥
١٢	٧	٦	٨
١	٤	٥	٤

ب	بج	ج	بو
ن	ب	و	ط
ط	ا	بط	ب
ه	ع	ه	ح

دعای کرک

دعای کرک مجرب شده است



نوع دیگر هرگاه زنی یا حیوانی شیرایشان کم شده

باشد این آیه را هفت قصر بته برآرد بخواند و نان بیرد

و بخورد شیرایشان زیاده کرود و از هستی مرضی

تقویه فقلنا اضرب بعصاك الحجر فانفجرت

منه اثنتا عشرة عينا قد علم كل اناس مشربهم
كلوا واشربوا من رزق الله ولا تعثوا في الارض
مفسدين ما كان محمد صلى الله عليه
وآله ابا احد من رجالكم ولكن رسول الله
خاتم النبيين وكان الله بكل شيء عليما
جهت ولادت طفل این شکل را برشته که زن سر خود بوشته
میکند بنویسد و در بالای خشت بگذارد و پای خود بالای خشت
بگذارد در حال وضع حمل شود شکل اینست طلسم

ههههلهههه ههههه

لهذا انگه جهت ولادت طفل این شکل را بنویسد
و بر ران چپ زن بندد در حال وضع حمل شود
طلسم

طلسم لاطه ١٩٩٨٩٩٢١١٢١٨ ٩٩٩٩٩١١١١١١١م٩

ااااااااا٢ع ااااااام ٩١١ ل ے ااآم ااا ااااهو

ایضا هر که فرزند دیر خواهد بهد این طلسم را بر ران چپ
زن بندد چون وضع حمل شود دعا سوبکشد طلسم

دفع خاک خوردن طفل این

یا فتاح

اذا السماء	انشقت	واذنت
لربها وحقت	واذا الارض	مدت

یا قیوم

دست مطر سوهشت بنبت بزبرت
خوانده و بطفل بدهد تا بخورد مجرب
ذكبوت ذوكبا ذاكب

دفع خاک خوردن اطفال بر یک پاره نان با هفت مغز
بادام نوشته بطفل دهد تا بخورد که بسیار مجربست

اللهم لا طير الا طيرك ولا خير الا خيرك
ولا اله غيرك ولا متجانبك الا بك ياه ياه

امنع التراب یا ارحم الراحمین ویا خیر النا
صرین جهة درد سر این آیه را بر قدح آب بخواند
وبیاشامد شفا یابد اولم یر الذین کفروا
ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقنا
هما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا
یؤمنون جهة درد سر بنویسد و با خود نگاه دارد که بسیار
مجربست بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله
آدم صفی الله لا اله الا الله نوح نجی الله
لا اله الا الله موسی کلیم الله لا اله
الا الله عیسی روح الله لا اله الا الله محمد
حبیب الله صلی الله علیه وآله وسلم
اسکن

اسکن ایها الوجع بحق الله الذی سکن له
ما فی السموات والارض وهو السمیع العلیم
هرکه چهل شب جمعه چهل و یک مرتبه این دعا را بخواند اگر تب
دیگر بمیرد نرسد بجز لعنت کن سبحان الدائم الذی
لم یزل سبحان العالم الذی لم یجهل سبحان
الحاکم الذی لا یعجل سبحانه سبحانه یا
اعظم شأنه برحمتک یا ارحم الراحمین
نقلست از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که هر کس
این هفت سلام را در روز نوروز بمشک و زعفران بر کاسه
چینی بنویسد و بگلاب بشوید هر کس از آن آب قطره
بخورد تا سال آینده هیچ درد و المی بوی نرسد و از جمیع بلاها

این باشد واگر کرده او را کرد کار نکند بقدرت الله تعالی
هفت سلام اینست سلامٌ قولاً من ربٍّ رحیم
سلامٌ علی نوحٍ فی العالمین سلامٌ علیکم
بما صبرتم فنعم عقبی الدار سلامٌ هی
حتی مطلع الفجر سلامٌ علیکم لا نبتغی
الجاهلین سلامٌ علی موسی وهارون
سلامٌ علی الیاسین در سعت ال تحویل حل
سجد و نفت و شش مرتبه بخواند اینست یا مقلب
القلوب والابصار یا مدبر اللیل وا
لنهار یا محول الحول والاحوال حول
حالنا الی احسن الحال جهة شش بند
بنویسد بر چهار قطعه کاغذ باین طریق بر قوایم سر چهار پای
یاسین

یاسین یاشین یاپیل یافرات
هر گاه کسی را
بار رفت و نیت جنب و نزلت یا رجب
بسته باشند این دعا سو نوشته بر کمر خود بندد کشاده شود
بفرمان خدای تعالی بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل
علی محمد وآل محمد یا الله اللهم یا فتاح
اللهم یا وهاب اللهم یا قادر اللهم یا رزاق
اللهم یا غنی اللهم یا مرید اللهم یا رحمان یا رحیم
برحمتک یا ارحم الراحمین اگر کسی را لو خورده باشد
این حروف سی برنان بنویسد و بدهد که بخورد بفرمان خدای تعالی
بیرون فی ثو بسم الله الرحمن الرحیم نون نش قرلش نا با

نبأتا تلعش يلعش اى ذلوى جان دار فرود شو با

بيرون آى بفرمان خدا بيرون آيد جهة درد دندان

بنويسد و بر سر دندان نهد نافع باشد باماء الثيم

مسكن به الا الم افسون پشه سه پاره چوب

بيد يا هر چوب كه باشد بنويسند يكى در بالاى سر و يكى در

پايين پا و بر دو بسته شود بفرمان خداى تعالى

و ناين ئت كله كله نصاص مال لحصد

افسون مورچه بگيرد سه مورچه سو و بر يكى خواند كه

سبحان الله و لا اله الا الله و الله اكبر و بر ديگرى

بخواند لا اله الا الله ايمانا و تصديقا

و بر ديگرى بخواند لا اله الا الله ابدا حقا

و بگذارد

و بگذارد كه مورچه برود جهة خون بينى بنويسد و بر

پيشانى چسباند افصف تف اگر خواهد كه

دشمن او شو هلاك كند هفت روز هر روز هفت

مرتبه اين آيت سو بخواند و باد بر ديوار خانه دشمن بدمد

بميرد و باران خانه برود به تجربه رسيده است

قل من يكلؤكم بالليل والنهار من الرحمن

بل هم عن ذكر ربهم معرضون

دفع سر آچه اسب اين طلسم سو در يال اسب بندد تا پنج

روز خشك شود باذن خدا ٢٤ الا ١١٩١٩٨١٩٩١٨٨٢٣

٩٩٣٦٢٢٤١٤٩٨٣٥٣
٩٥١١٨١٥١٥١١١١

جهة خون دماغ این اسم بر پیشانی او بنویسد

هالع هلع هاویع اگر خواهی خواب

کسی را ببندی سورهٔ محمد سه مرتبه یا هفت مرتبه

بخواند و بر زیر سر آنکس نهد خوابش بسته گردد

جهة سوزاک مجربست نیل چهار پول گوگرد

۲۸ ۲۸

زنجبیل کوفته و بیخته سه روز دو مثقال با آب

۲۸

گرم میل نمایند مجربست جهة درد سر مجکشتاب ببندد

به آب بر پشت پلک چشم مالند و بسته تجربه رسیده

جهة شفای بیمار باید که یکمن گندم بوزن تبریز

بر روی چادرشب بریزد و بگوید اللهم انی

اسئلک باسمک الذی اذا مسک به المضطر

کشفت

کشفت ما به من ضر و مکنت له فی الارض

وجعلته خلیفتک علی خلقک ان

تصلی علی محمد وآل محمد وان تعافینی

من علتی پس دانه بشیند گندم را چهار حصه نماید

و به چهار طفل صغیر بدهند خدای تعالی مریض را شفا بدهد

دعای درد سر این است ولا تحلقوا رؤسکم

حتی یبلغ الهدی محله فمن کان منکم

مریضا او به اذی من رأسه ففدیة

من صیام او صدقة او نسک برحمتک

یا ارحم الراحمین دعای درد گلو فلولا اذا

بلغت الحلقوم وانتم حينئذ تنظرون و
نحن اقرب اليه منكم ولكن لا تبصرون
برحمتك يا ارحم الراحمين دعای درد پشت
يخرج من بين الصلب والترائب انه على
رجعه لقادر يوم تبلى السرائر فما
له من قوة ولا ناصر والسماء ذات
الرجع والارض ذات الصدع انهم يكيدون
كيدا واكيد كيدا فمهل الكافرين امهلهم
رويدا برحمتك يا ارحم الراحمين
جهت گریه طفل هرگاه کودکی بسیار گریه کند این آیه
بنویسد

بنویسد و بر گردن طفل تعویذ کند ساکت شود بفرمان خدا
فضربنا على آذانهم في الكهف سنين عددا
ثم بعثناهم لنعلم اى الحزبين احصى
لما لبثوا امدا دعای درد چشم راست اذهبوا
بقميصي هذا فالقوه على وجه ابي
يأت بصيرا واتوني باهلكم اجمعين
يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام دعای
درد چشم چپ ويسقون فيها كاسا كان
مزاجها زنجبيلا عينا فيها تسمى
سلسبيلا يا حي يا قيوم يا ذا الجلال

والاکرام برحمتک یا ارحم الراحمین جهت شب بنویسد بر
سه برگ توت و در آب اندازد روز اول بسم الله
اوحوما روز دویم بسم الله طبوما روز سیم
بسم الله ابرسوما سوس از برای مطبقه
دیگر صد مرتبه بخواند مجربست و یا قاهر العدو و یا والی الولی
یا مظهر العجایب و یا مرتضی علی هر گاه کسی را بسته باشند
قل هو الله احد ۹ بار بر بازوی راست بندد و قل یا ایها الکا
فرون ۹ بار بر بازوی چپ و قل اعوذ برب الفلق را ۹ بر ران
راست و قل اعوذ برب الناس ۹ بر ران چپ اگر
بسته بسته باشد گشاده گردد و بفرمان خدای تعالی

هذا نسخه کرم حسن

نقلست که چون کسی خواهد که زبان اعدا بر وی بسته گردد
این کلمات را بنویسد و در میان دستار یا مندیل خود
نگاه دارد زبان اعدا بر وی بسته گردد و بفرمان خدای تعالی
بسم الله الرحمن الرحیم ب ب ب ب ب
ص ص ص ص ص ص ا ع ا ع ۹ ص ۲ ااااا
د د د د د د د د د ص ص ص ص ص
اخسئوا فیها ولا یتکلمون ولا یبصرون
ولا یفقهون ولا یعقلون بستم فمهم و لسان
جمیع خلایق از زن و مرد و بنده و آزاد و شیخ
و طفل و جمیع بدگویان و حاسدان و غمازان

ومكادان أنا تاذ كونن على حاصل هذه الآ
والطلسم بحق كهيعص وبحق طه طه
طه طه طه وبحق طس وبحق
طسم وبحق ياسين وبحق فسيكفيكهم
الله وهو السميع العليم وصلى الله
على سيدنا محمد وآله الطيبين الط
هرين برحمتك يا ارحم الراحمين
نقل است از شيخ بهاء الدين محمد كه هر كه در عمر
خود يك بار بين شكل نظر كند آتش دوزخ بر وى
حرام كردد و بر او كار نكند ان شاء الله تعالى
طم

هلح	هلح	هلح
هلح	هلح	هلح

صلح	صلح
صلح	صلح

السلام

[illegible]

كند اول ده بار صلوات بفرستد و بعد حمد را بخواند و
هفت مرتبه آيه وجعلنا من بين ايديهم
سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم
فهم لا يبصرون را بخواند بگويد بستم نزله
فلان ابن فلان سو بمدت دا ازده سال بفلان مهر

بحق بسم الله
الرحمن الرحیم یا جبرائیل و رحیم
بعد از بسمله یا میکائیل و رحیم بعد از بسمله یا اسرافیل
و در چهارم بعد از بسمله یا عزرائیل و سه بار خوبست صاحب نه
مربع بعد چهار صلوات فرستند و بعد از صلوات حمد خوانند دوازده مرتبه آیه الکرسی
خوانند و در آخر بگویند بسم الله لا قدرت ای فلان بن فلان عزت معلوم الحکم ذا نو
هو مربع بسم الله و ضع این بیت به سجده در موضع مربع به بهمن سنه بود
از ... تعالی در جمیع مکه در این جلد خواندن از حضرت رسول
سوال نمود که یا رسول الله صلعم در قرآن مجید پنج آیات
باشد که محبت و الفت و
موانست را به

بفرمایید

بغیر آیه محبت
فرمودند که پنج جا در قرآن
محبت آیات هست که محبت را زیاده میکند
علی الخصوص جای به جای زن و مرد که آیات محبت خصوص جسم میل
ایشی از حضرت رسول الله آورده در زیر ایشان آورده برای بنده که ای ترتیب
جمل و یکبار بخوانند و مربع و عدد در جسم خلق تسخیر کرده آیات با بون
بخوانند و مربع و عدد در جو حویدان بنویسند به یکی او بو بیند
محبت وارد و الکرسی بسیار تسخیری بخوانند با هر جا و عمل و یک بار تو
و یکبار و خوانند دیگر بار هر روز و کرد از محبت زیاده
شود الکرسی را عدد بویند و
در طعام بخند
بخورد

و بخورد
اودید و با در آب
دوان از نزار و با آنکه بر جا عذ
دو بیند و باشد و دارد و در نظر خلق حقیقت مصر گردد
لم تنسخ نه توان کرد و بلکه از هم جدا نه شوند بی حیط خواتون ابی
ابیت را جهل و بلیها ربسبب واند تا بیمار نا بدار دوست او به بعضی مرنبی که
ابب حضرت رسول صلعم بسته بود اقتدا و آن سبب را بخورد و همیشه
خو بود در با حضرت رسول صلعم جمع بود و هر جا که حضرت رسول صلعم
ز نشست از سها بر ابر عز آمد و جز انشا و دو هر حند تا نزدیک
او بود بر جلو بعد نشسته و نزار
بنشاند فت

تا نه ویک حضرت رسول صلعم شد و هر جا که می‌شد
فرار نمیکرد هفت تا نه و پیغمبر صلعم هر گاه در حیوان چنین
اثر کند در آن ن چگونه باشد و شرح این هفت
آیات بسیار است اما مختصر شد تا خواننده و نویسنده را
ملال نگیرد والله اعلم بسم الله الرحمن الرحیم
آیه اول وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ
اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ
آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا
إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ
جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ

آیه دویم زین للناس حب الشهوت من النساء
والبنین والقناطیر المقنطرة من الذهب
والفضة والخیل المسومة والانعام
والحرث ذالك متاع الحیوة الدنیا
والله عنده حسن المآب آیه سیم قل ان
كنتم تحبون الله فاتبعونی یحببكم الله
ویغفر لكم ذنوبكم والله غفور رحیم
باحفیظ آیه چهارم والقیت علیك محبة
منی ولتصنع علی عینی اذ تمشی اختك
فتقول هل ادلكم علی من یكفله فرجعناك

الی

الی امك كی تقر عینها ولا تحزن وقتلت
نفسا فنجیناك من الغم وفتناك فتونا
آیه پنجم یحبونهم كحب الله والذین آمنوا اشد
حبا لله ولو یری الذین ظلموا اذ یرون العذاب
ان القوة لله جمیعا فاذا عزمت فتوكل
علی الله ان الله یحب المتوكلین یحبهم
ویحبونه اذلة علی المومنین اعزة
علی الكافرین آیه ششم ویحبون ان
یحمدوا بما لم یفعلوا فلا تحسبنهم بمفازة
من العذاب ولهم عذاب الیم اللهم

اجعلنی محبوباً فی قلوب المؤمنین وبلّغنی
الی مئة وعشرین سنة فاللّه خیر
حافظاً وهو ارحم الراحمین آیه هفتم
فقال انی احببت حب الخیر عن ذکر
ربی حتی توارت بالحجاب ردوها
علیّ فطفق مسحاً بالسوق والاعناق
واخری تحبونها نصر من الله وفتح قریب
وبشر المؤمنین اللهم الف مودة
بین بنی آدم وبنات حوا صغیراً
وکبیراً او انثی وخاصاً وعاماً
او رعیتنا وسلطاناً یا الله یا رحمان

یا رحیم برحمتک یا ارحم الراحمین دارنده
وارندهٔ این دعا از شر دیو وجن وانس دیگر واولاد
من درامان باشد وبهیچ مرض وعلت گرفتار نشوند
وباتش نسوزد وبآب غرق نشود وبرجمیع دشمنان ظفر
یابد پس جناب پیغمبر فرمودند یا علی این دعا را بنویس
حضرت امیر دعا را نوشتند ودرمیان خلایق مشهور شد
شرح وخاصیت این دعا بسیار است مختصر شد تا خواننده
ونویسنده را ملال نگیرد هذا دعای ام الصبیان
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله
ومن الله والی الله وهذا کتاب من
الله العلی العظیم من نقش خاتم سلیمان

ابن داود عليه السلام وهو ملك الجن
والانس والشياطين كل بناء وغواص والى
جميع ما في الارض بامر الله عز وجل باذنه
كان يكون لصاحب هذه الكتاب من الاول
والتوابع والقليلان وام الصبيان من الدنيا
والاخرة وجميع ارواح الجن والانس عزمت
عليكم يا معشر الجن ويا معشر الارواح ان كنتم
من الارواح اليهودية فاني عزمت بنبيكم موسى
بكتابكم التوراة فتبارك الله احفظ الحافظين
وان ارواح النصرانيين فاني عزمت عليكم بنبيكم
عيسى ابن مريم بكتابكم الانجيل فتبارك الله احسن الخالقين
وان كنتم

وان كنتم من الارواح المجوسيين اني عزمت
عليكم بنبيكم داود بكلامه الزبور فتبارك الله
رب العالمين وان كنتم من الارواح المسلمين
فاني عزمت عليكم برسولكم محمد بكتابكم
القرآن وبعظمة قرآنها من الاعظم القرآن
لا اله الا الله وحده لا شريك له الها
واحدا وملكا وقادرا ومنسكا ومعزا
وانظرنا لا اله الا انت اني كنت من الظالمين
فاستجبنا من الغم وكذلك ننجي المؤمنين
الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تاخذه

سنة ولا نوم له ما في السموت وما
في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه
يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم
ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء
وسع كرسيه السموت والارض ولا
يؤده حفظهما وهو العلي العظيم لا
اكراه في الدين قد تبين الرشد من
الغي فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن
بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى
لا انفصام لها والله سميع عليم

الله

الله ولي الذين امنوا يخرجهم من الظلمات الى
النور والذين كفروا اولياءهم الطاغوت
يخرجونهم من النور الى الظلمات اولئك
اصحاب النار هم فيها خالدون شهد الله
انه لا اله الا هو والملائكة قائما بالقسط
لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين
عند الله الاسلام ختمت هذ
التعويذ لبسم الله تعالى عما يصفون
وباسم محمد رسول الله صلى الله
عليه واله دائما من علق عليه هذا

كتاب صغيرا او كبيرا او ذكرا او انثى بحق
سليمان ابن داود عليه السلام وبحق
شعيب الهي وبحق خاتم يوشع بالنون وبحق
خاتم يعقوب وبحق خاتم يوسف وبحق
خاتم موسى ابن عمران وبحق خاتم عيسى
ابن مريم وبحق خاتم محمد صلى الله
عليه وسلم وبحق مائة اربعة
وعشرة سورة القران وبحق آيته
وكلمته وحروفا وقرانا وامرا ونهيا
وناسخا ومنسوخا ياذا الجلال والاكرام
والجاء

والجاء النعماء واحفظ الضعيف من كل شيء
من صوتها ومن كل آفة وعاهة ومحا
تة في الدنيا والآخرة انه من سليمان وانه
داود بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا على
وأتوني مسلمين وبحق الذي لا اله الا
هو العلي العظيم والحمد لله رب العالمين
كأنهم يوم يرونها لم يلبثوا الا ساعة
من نهار بلاغ فهل يهلك الا القوم
الفاسقين عيسى ابن مريم خلص من
علق هذا الكتاب بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله وبالله ومن الله ابواب السماء كا
لهم وفجرنا الارض عيونا فالتقى الماء على
امر قد قدر ويوم تشقق السماء بالغمام
ونزل الملائكة تنزيلا الملك يومئذ الرحمن
انا صببنا الماء ثم شققنا الارض شقا
فانبتنا فيها حبا وابا انا فتحنا لك
فتحا مبينا ليغفر لك الله ما تقدم
من ذنبك وما تاخر ويتم نعمته
عليك ويهديك صراطا مستقيما
وينصرك الله نصرا عزيزا اولم ير الذين
كفروا ان السموات والارض كانتا

رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شيء حي افلا
يؤمنون اذا السماء انشقت واذنت لربها وحقت
ما فيها وتخلت وبحق انا انزلنا نزل ان
وليي الله الذي نزل الكتاب وهو يتولى
الصالحين فان تولوا فقل حسبي الله لا اله
الا هو عليه توكلت وهو رب العرش
العظيم اعيذ بالله الصمد الذي لم يلد
ولم يولد ولم يكن له كفوا احد قل يا
ايها الكافرون لا اعبد ما تعبدون
ولا انتم عابدون ما اعبد لكم دينكم
ولي دين بسم الله الرحمن الرحيم قل اعوذ

برب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق
إذا وقب ومن شر النفاثات في العقد ومن
شر حاسد إذا حسد بسم الله الرحمن الرحيم
قل أعوذ برب الناس ملك الناس إله الناس
من شر الوسواس الخناس الذي يوسوس
في صدور الناس من الجنة والناس
وصل على محمد وآله الطاهرين اللهم إني أسألك
يا دائم يا قائم يا دائم الأبد الأبد المحصي
بلا عدد الخلائق من فيه لم يلد ولم
يولد ولم يكن له كفوا أحد اللهم
بحق هذا القرآن العظيم وبحق محمد رسول
الله

الله صلى الله عليه وآله وسلم أسألك يا
محمدي من عندك مددي وعليك معتمدي
وبك يتوكل المتوكلون اغفر لي ولوالدي ولجميع
المؤمنين والمؤمنات يا الله يا الله يا الله
يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم
يا رحيم إياك نعبد وإياك نستعين يا سلام
يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر
برحمتك يا أرحم الراحمين بسم الله الرحمن
الرحيم اللهم إني أسألك يا رب الفتح
والفرج يا فتاح الفتح والفرج يا عجل الفتح
والفرج يا قادر الفتح والفرج يا صانع الفتح

والفرج یا فاتح الفتح والفرج یا علیم الفتح یا حکیم
الفتح والفرج اللهم صل علی محمد وآل محمد
افتح لنا ابواب السادات وابواب الشفقه
وابواب الرفعه وابواب الفتح وابواب العمره
وابواب النصره علی الاعداء بحرمت محمد
وآل محمد وآله الاتقیاء اقض حاجتی
بفضلك وکرمك یا ارحم الراحمین
و یا اکرم الاکرمین

ازجهت ماده گاو که شیر ندهد این آیه را بنویسد ودر
شاخ او بندد شیر دهد دعا اینست انما الذین
یحاربون الله ورسوله ویسعون فی الارض
فسادا

فسادا ان تقطعوا ایدیهم او تقطع ورسوله ایدیهم
وارجلهم سبحان الذی سخر لنا هذا و
ما کنا له مقرنین بستم چشم حسودان ومکاران
وابحق لا اله الا الله ومحمد رسول الله وعلی
ولی الله حقا حقا جهة فرزند کسی را که فرزند نشود
بنویسند وبشویند وبزن بدهند بخورد علی علی علی
علی علی علی علی له له له له له له هو هو هو
هو هو هو هو هو هو هو هو وه وه وه جهة زن
که فرزند خواهد سقط شود این نشانه را بنویسد وبر کمر
بندد دعا اینست ما الا اطا ه وما ط لا لان
اگر کسی را بسته باشند چهار عدد بیضه مرغ را پخته پوست

کنند و بر هر یک بزعفران بنویسد و بباشتا بجورد ور
ساعت کشته شود اول فوقع الحق وبطل ما کانوا
یعملون دویم قال موسی ما جئتم به السحر
ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل ا
لمفسدین سیم انما صنعوا کید ساحر
ولا یفلح الساحر حیث اتی چهارم بل نقذف
بالحق علی الباطل فیدمغه فاذا هو
زاهق ولکم الویل مما تصفون ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم
از خواص این حروف است که چون بمشک و زعفران
بنویسد و در موم گرفته بر زن بندد و مرده کشته شود
الله الله

الله الله الله انواح انواح انواح الواح الواح ه
الواح الواح یاه یاه یاه نواه نواه نواه این شکل ه
بر بیضه خام نوشته و شبی در آتش اندازد تا سرخ شود
و بیضه را در سوراخ و سته تیر نهد تا بشکند و مرد بالای
ان بایستد تا بجا زاید و رسد انشاء الله تعالی مجرب است باذن الله
١١١١١ ع ٩٩ و ا ر ح ١١٩٩ ح ١٤٨١ ١١ ع ٨
اگر کسی را بسته باشند این شکلها را بر قدح نوشته در آب
بشوید و بخورد و کشاده گردد و بسم الله الرحمن الرحیم
ه مهه مطعمهم به دلهفوع
دیگر بنویسد بر هفت پاره نان این شکلها را بسم
مرد بحروف مقطع و بدهد تا مرد بخورد و بر هفت پاره
دیگر بنویسد و بزن بدهد تا بخورد و باید که این عمل در

در ساعت سیم روز چهارشنبه باشد درحین نوشتن
لعن مرکرده باشد بردشمنان اهل بیت خصوصاً
فرعون آل محمد و شکلها این است والله اعلم

عیدو ک سکس سکسو
ادرک واریان مرساد که ان شاء الله
کش وه شود جهت طبقهٔ حیوانات پیش از آنکه
طبقه بگیرد این دعا را بنویسد و بر گردن ایشان
بندد دعا اینست بسم الله الشافی
بسم الله الکافی لترکبن طبقاً عن
طبق فما لهم لا یؤمنون جهت طبقهٔ
گوسفندان بر هفت طبق بنویسد و گوسفندان را

از بالای

از بالای طبقهای بگذراند مجرب است انشاء الله تعالی
بسم الله الرحمن الرحیم لترکبن طبقاً عن طبق
فما لهم من قوة ولا ناصر هر که خواهد جای
درد که کسی ادرا نه بیند این حروف را نوشته با خود
دارد مجرب است لهو لهو لهو لهو لها لها
لها داقم دلا دلا دلا جهت درد نیم سر درد شقیقه
رفع کند مجرب است ما عسلج یا اشطبع
النوسر جهت درد سر این شکل را بنویسد و بر شقیقه
راست خود بندد

کلمع
مهد
کل م ل

ایضاً

ط	ط	ط
ی	ں	۲
۲	۱	۲
ط	٥	۱

جهت محبت اگر مرد ناسازباشد زن بر بازوی چپ
بندد واگر زن ناسازباشد مرد بر بازوی چپ بندد این
طلسم را از عشق یکدیگر بطاقت کردند طلسم

٨	۶	۴	٢
۴	٢	٨	۶
٢	۴	۶	٨
۶	٨	٢	۴

نوع دیگر جهت درد سر انگشت ابهام کسی که زند بهمان
جای که درد میکند بگذارد تا هفت مرتبه بخواند این
دعا را شفا یابد ان شاء الله تعالی کالی جر بادا
بندُ دُلی حنونت بیرکی دهادلی

آمودن

آمودن ناسی ثینا ثینا جاء جاء فی حکم
بحق پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم

نوع دیگر از برای زن حامله که فرزند دیر متولد
شود این طلسم را بنویسد و در پهلوی چپ بندد بزودی
بار نهد ان شاء الله تعالی طلسم اینست

١	۶	٨
۶	٨	١
٨		۶

از حضرت پیغمبر روایت
که خداوند عبد العزیز مرا
چشم زده بود و چند روز
بیمار بودم جبرئیل آمد و این دعا را آورد چون
خواندم با خود نگاه داشتم چشم عبد العزیز کور شد و من
از رنج خلاص شدم هر که این دعا را با خود نگاه دارد

جادو بر وی کار نکند و از شر مار و کژدم و از جمله گزنده
گان در امان خدا باشد و اگر کسی را بالا سنج گرفته
باشد چون این دعا را بر وی خوانند خلاص شود و اگر بر
دیوانه خوانند هشیار گردد و شرح این دعا بسیار است مختصر شد

بسم الله الرحمن الرحیم
الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ
لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ
وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ
شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ
وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا

هو العزيز

هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ
وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ
مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ
بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ عَبَسٍ
عَابِسٍ وَبِغَسٍ وَنَافِسٍ وَشَيْطَانٍ مُلَابِسٍ
وَشِهَابٍ ثَاقِبٍ الْعَيْنَ الْعَيْنَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ بِحَقِّ كهيعص وطه
ويس وحمعسق وبحق لا إله إلا الله أمان
منك يا سيدي وأكرمني انصرني على
آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه
توكلت وهو رب العرش العظيم نعم المولى
ونعم النصير يا ارحم الراحمين اللهم سجدت
لك وبك آمنت وعليك توكلت عليك
برحمة فارحمني عافني برحمتك يا ارحم الراحمين
يا ذا الجلال والاكرام حضرت پیغمبر فرمودند
هر كه اين دعا سوبر كردن است بندد ناخنه وطبقه دشق
وسعود آب كرفتن وجو كرفتن از هفتار وعلت برخ
بفرمان الله تعالى بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله
وبالله والله اكبر رب الملائكة والروح
ورب العرش العظيم ورب الانبياء عليهم
سليمن

سليمن احفظني من كل شدة وكرب وكروب
عن الخيام فالعلة والروح البطن العظام
بحق انا نحن نزلنا الذكر وانا عليكم ا
الحافظون بحق لا اله الا الله محمد رسول
الله عليا وليا ولي الله برحمتك يا ارحم الراحمين
اين طلسم را جهة رنجوري كوسفندان بنويسند وبشويند
وبر پشت كوسفندان ريزند طلسم اين است
٨٨١٩٨١ ٩٢٤ ٧ ٢١ ٣٤ ٣ ١١٣ ١١٥٢ ام ١١٢٤
١١٣ ١١٢ ٣١٢ ١١ ١١ ١١
جهة طبقة كوسفندان سرح وحصح سفح
ملوسل دله له له له ٢ له ١٥١١١ الم ١١١

مراوا الله العما جهة نرسیدن درخواب

هم محو ۹ ۱۱ للہ ۸۸۱۱۸۸ مممم ۸۱۸ جهة تر

سیدن وگریستن طفل درگهواره او بندد طلسم

لا اااالاء ط ۷ ل ۲

جهة زنان که شیر نبود بنویسد و بر سینه او بندد

ط ه ط ه ط ه

جهة درد سینه دعا این است

قال رب اشرح لی صدری

ویسر لی امری واحلل عقدة لسانی

یفقهوا قولی برحمتك یا ارحم الراحمین

جهة تخمه

جهة محبت یاحفیظ ۴ ع س صلالہ ۱۱

ط ۱ ۹ جهة خاک خوردن طفل بر نان جو یا بر مغز

بادام بنویسد و بخورد ایشان دهد مجرب است

بسم الله الرحمن الرحیم تراکب تراکبون

ان فی خلق السموات والارض اعید عجب

۱۱ ۵۱۰۱۰۱۰۱ ۳۲۳ ۴ بط ۱۱ واواک لا الہ

الہ الہ فلان ابن فلان ایضا جهة خاک

خوردن طفل این دعا را بر کشک نویسند و بطفل

دهد مجرب است و بسم الله الرحمن الرحیم یا خالق

الارض والریاح یا خالق السموات والصباح

یا حی یا قیوم ه ۱۱۱ ع ۱۱۹ ح جهت درد سر انگشت میانه
وشصت را بر خاکستر و نمک بزند و بر موضع درد بگذارد
اول ۳ مرتبه بخواند و بدست چپ بانگشت نهاده
و بر موضع درد بزند به پرسد که درد کجاست بهمان انگشت
نهاده دست چپ بموضع درد بزند باز بخواند بموضع
درد بزند یا از گوش یا از چشم یا از دماغ بفضل خدا
بیرون شود نسخه اینست دکالی جریا
رمد مبندد ولی بیلی باسی
قناث برك هنكي رماد واد
هلی سر سر سر جا جا جا

این طلسم

این طلسم را نوشته بر صفحه طلا یا نقره یا مس نقش کند در
دهان کیرد انزال نشود ۱۱۱۹ ط ۹ ط ۹ ه
این طلسم را بر پوست آهو نوشته و بر ثیب ببندد انزال
نشود بسم الله الرحمن الرحیم املح املح املح املح هع
هع مسملیس طرفی ماه ماه سجا
سجا عجیبا جهت دفع سرعت انزال منی بر کاغذ
نوشته در دهان کیرند تا بیرون نیاورند انزال نشود
ک ۱۱۱۰ ع ۹ ط ط ع

ع ۱۱۱۹ ط ه ا ط ه ۹

جهت زنی که دشوار بزاید این طلسم را نوشته بر سفال

آب نارسیده در زیر پای حامله بگذارند زود خلاص شود باذن الله

ح	ج	د	۴	۹	۲
ا	ه	ط	۳	۵	۷
و	ز	ب	۸	۱	۶

جهت قوی شدن ذکر و سخت شدن او کرم درشت که خراطین
باشد پاک بشویند و در سایه خشک کنند کوفته با روغن
گاو یا کنجد با روغن یاسمین بیامیزند و گرد ذکر را
بمالند سخت گردد **نوع دیگر** بوره ارمنی پنج درهم
نرم بکوبند و در عسل آغشته بر ذکر و خصیه و حوالی آن
بمالند سخت گردد و چون خواهند فرو نشیند با آب
گشنیز بشویند لسان العصافیر را ۲ درم در شیر
تازه بجوشانند

تازه بجوشانند بعد از آن کف صبر را
[illegible] باشد [illegible] و از آتش [illegible]
جهت درد [illegible] [illegible]
[illegible] بنویسد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
جهت زن [illegible] [illegible]
[illegible]
یا [illegible]
یا [illegible]

یا سحلشیثا بابك الله یا مربع بدوح

المعوذ برکی را

بنت مهم کردان دا وزاه و دیو

ابی نطل و سعل آب یا بسح بنوشته در تنور اندازد

تجربه شد یطح ۱۱۱ ط

ح اه ح طه الباعمرادگی

الوح الوح الوح ا ب ۶

عمل ابو هلال کبیر کچل عبد الله کشتم

وبیا و صم بیا بسطه فتح نها و اندرون جامه را بیا و صم ارنی عظیم وبعه

بعدد ایهم مطلوب بکنی و این عزیمت را در خاکی دار بطلسمت بنویسی ودر میان غنیمت و فضل عنید

بگیر و در زیر آتش کنی چون مطلوب بیش تو آید بیرون کنی و در کحل ۵۵

هلاک شو عظمت علیکم و اصحاب

السحر و الوسواس و ابلیس

و اولاد ابلیس

ومعشر ابلیس

ابلیس و اقربای ابلیس و من ورای ابلیس سوخته باد

هفت اندام در عشق و محبت فلان بحرمت ۵

لعع ۱۱۱۸۱۱۹۱۹۱۵ ۷۱۱ح ۱۵۱۱۱۱۱ کو

جهة گریخته این طلسم را نوشته در زیر سنگ گران نهد بیاید

دتر جعون

جبرائیل | میکائیل

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

اسرافیل | عزرائیل

الیها المتوکلین

اینکه اگر کسی را خواهی از راه دربیاورد این کرداب نامه را نوشته

و در زیر سنگ گران بگذارند اینست بعون الله تعالی



نوع دیگر از برای گم شده این آیه را بدین روش بنویس
و اسم گم شده را در میان باید نوشت این است

الله لا اله الا هو الحی القیوم

باسم فلان ابن فلان

روایتست که هر که این خطبه را از برای موافقت زن و شوهر
بر چهل و یک دانه گندم میبرای بخواند زن و شوهر مطیع یکدیگر شوند
جهت محبت این خطبه را بر چهل دانه تخم شیاه دانه بخواند و در حیله
خاصه آنکس بر بیجد در آتش دفن کند چنان که سوزد
از برای زبان بند بستاند ۴ جوز ۳ جوز به پهلو مقرض شاه بیرون
کند و چهل یکبار خطبه را بر آن بخواند و در دیوار خانه آنکس
پنهان کند زبانش بسته شود این خطبه را به نیت
بخواند روا کرده و بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد ثنائی الله اسمی واسم
ذاتی والکبریاء ردائی هو الله الذی
لا اله الا هو الحی القیوم بحق الوهیت

ووحدانيتك وعظمتك وقدرتك وسخر
لي الجن والانس والشياطين كل بناء وغواص
كما سخرت الشمس والقمر والنجوم مسخرات الجن
والانس
والشياطين والعظمة
وذي العز الرحيم الملك القدوس
السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر
اللهم اعطف المحبة والمودة بين قلوب جميع الخلايق
على صب طاهر هذا الدعاء والخلق كلهم عبيدي واما مح
والرسل اوليا لي اللهم سلمني من خلقك وامني من عذ
بك ونجني من سد نبك وبلايك ومن جميع افاتك
دعا هاتك وقضائك وغضبك وسلطانك وزبانيتك
اللهم بحق عزتك وجلالك وسلطانك النبي
العظيم وجمالك
لا دوام
وامرد

وامرك الغالب اعزلي في اعين الناس واحببني
في قلوب عبادك وسمواتك وارضك اني
قد نوجت الاشياء بها على وحدانيتي
اللهم
اني اسئلك بحق محمد
نبي الجن من سخطك ربي الا
نبياء والمرسلين وادم ابانا وعبادك ا
الصالحين اللهم الف بين بني ادم وحوا كما الفت
بين قلوب يوسف وزليخا وكما الفت بين قلوب سليمان وبلقيس
وكما الفت بين قلوب موسى وصفورا اسئلك بان تملا قلبي وسكان
بمعرفتك بين قلوب دحلة عرشك اليك قد زوجت اني هو بديع
قلوب ودصح قد رحب بصداق وتكليمي ودعي
فصلي ويمينك وتكليمي لشهادتي
ايه الكرسي
ان لا اله

الا الله وحده القهار الوهاب الرزاق الفتاح

العليم القابض الباسط الخافض الرافع المعز

المذل السميع البصير الحكيم العدل اللطيف

الشكور العلي الكبير الحفيظ المقيت الحسيب الجليل الكريم

الرقيب المجيب الواسع الودود المجيد الباعث الشهيد

الحق الوكيل الولي المتين الحميد المحصي

المبدئ المعيد المحيي

المميت الحي القيوم

الواحد

هذه الشجرة السلام عليها

هذا الدعاء ادخلا حبتي وحبتي ذي كلي

بين قلوب جميع الخلائق على اجتماع اصل

ولا الفة والمحبة وظلا من غيظ ولا تفرقا

اللهم الف المودة والشفقة

الخبير الحليم العظيم الغفور

الواجد

الواجد الماجد الاحد الصمد القادر المقتدر

المقدم المؤخر الاول الآخر الظاهر الباطن

الوالي المتعالي البر التواب المنتقم العفو

الرءوف مالك الملك ذو الجلال

والاكرام اللهم اعطف المحبة وا

والالفة والرحمة في قلوب فلان

المودة والالفة على صاحب دعائي ابن هذه الاسماء

ربنا سخره على الايات البركات الرب المقسط الجامع الغني

المقدسة والايات المغني

المعطي المانع الضار النافع النور الهادي البديع الباقي الوارث

الرشيد الصبور ليس كمثله شيء وهو السميع العليم

والمحبة والشفقة والرحمة

من جميع الخلائق كلهم اجمعين

على صاحب دعاء ابن فلان

اي دعاء

بحق لا اله الا الله محمد رسول الله علیا ولی الله
کرفتم عقل وهوش وکوش ودست وپا وسیصد وشصت
رگ وچهار صد وچهل چهار پاره استخوان وهفتاد وهفت
پیوند جوارح بدن جمیع دشمنان را وغمازان وحسودان
از اناث وذکور وجمیع خلایق در پیش دارنده این دعا
بحرمت لا اله الا الله محمد رسول الله علیا ولی الله جهان
کردانیدم جمیع دشمنان وغمازان وحسودان را از
اناث وذکور وجمیع خلایق در پیش دارنده دعا بحرمت
لا اله الا الله محمد رسول الله علیا ولی الله جهان کر
دانیدم جمیع دشمنان دارنده دعا را در پیش دشمنان
وحسودان وغمازان وجمیع اولاد بنی آدم وبنات حوا
ومهربان کردانیدم مهر یوسف وزلیخا ومهر سلیمان
وبلقیس

وبلقیس ومهر ابراهیم وساره ومهر موسی وصفورا ومهر
لیلی ومجنون ومهر خسرو وشیرین وشیرین وفرهاد ود
مهر آدم وحوا را اودهم بدارنده این دعا که جمیع خلایق مهربان
باشند بحرمت لا اله الا الله ومحمد رسول الله وعلیا ولی الله
وبحق ام موسی اح دی اث م دی اث
ش ی ن اث ك ی ر اث ط ث
ن اث ش خ ف ك ف د و ح اب
ط ص ن خ اب لا ب و خ ي و ي
خ ی و ر ث و ح ی و ش ت و خ ي
وش فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین
وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین یا ارحم الراحمین

قل هو الله احد ان فی عین الرمد احمرا و فی
بیاض حسبی الله الصمد اشفع عنی یا الهی قد
کفیته شرا لم یلد لیس لله شریک لا اله کفوا احد
از جهت زنی که فرزند نشود یک وجب کرباس آب ندیده
و هفت سوزن کار نکرده و ۳ کلافه ریسمان پنبه
آب ندیده باشد و موی سر آن ضعیفه دختر نابالغ
از سوراخ سوزنها بگذراند این دعا را بر کرباس بنویسد

هو الشافی

بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الشافی بسم الله الکافی
بسم الله المعافی بسم الله الذی
لا یضر

لا یضر مع اسمه شیء فی الارض
ولا فی السماء وهو السمیع العلیم الخناس
الذی یوسوس فی صدور الناس من
الجنة والناس افمن هذا الحدیث
تعجبون و تضحکون ولا تبکون وانتم
سامدون فالله خیر حافظا
وهو ارحم الراحمین ما شاء الله
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

بستم بار نابود بچه خورده فلان زاده فلان سو هم بسته

بار بحق توراة موسی و انجیل عیسی و زبور داود و صحف

ابراهیم و فرقان حضرت محمد مصطفی و جمیع پیغمبران

مرسل علیهم السلام و سوزن ها بود در موم سه [illegible]

ضعیفه در هر سوزن پنج شش موی دختری که بکر [illegible]

باشد بکشد و هر سوزنی یکمرتبه سوره فاتحه بدو بخواند

و بدمد و بگوید که بستم بار نابود بچه خورده فلان

زاده فلان بحق توراة موسی و انجیل عیسی

و زبور داود و فرقان حضرت محمد مصطفی و جمیع

پیغمبران مرسل علیهم السلام و بحق اصحاب کهف [illegible]

قبلها بسازند با طالع لب و مطلوب بخور مشک

و زعفران تا شهری بی نهایت بدهد اگر قمر بر ربع

با مقابله مریخ بود با سم بنویسد (دو نفر) در میان نشان

[illegible]

و چون قمر ناظر بزهره یا مشتری باشد بنظر سعد جهة

محبت بسازند که اثر عظیمی دهد و جهة فتوحات هم باید

طریق بنویسند و شرط نوشتن آن است که بخور

بسوزانند و عزیمت بخوانند که مقصود حاصل شود

فوقانی است

ودرازای شکل اسماء عزایم [illegible]

بحسب آن از تغییر و تسلیط و تعطیل و تخریب و

جمع و تفریق و تعریق ولا حول ولا قوة الا بالله السمیع [illegible] و اول آن [illegible]

[illegible] که ابتدا علم [illegible] است [illegible] غزالی رحمة الله [illegible] التصنیف

قسمت [illegible] وضع [illegible] موجب الی [illegible]

[illegible] وضع [illegible] حروف [illegible] خانه که آن [illegible] معروف است [illegible]

[illegible] و خواص [illegible] حروف [illegible] معروف [illegible]

نوشته و بعضی حکما [illegible]

[illegible]

	۹	
۶	۷	۲
۱	۵	
۸	۳	۴

۲		۴
۷	۵	۳
۶	۱	۸

۶	۱	۸
۷	۵	۳
۲		۴

۲	۷	۶
	۵	۱
۴	۳	۸

فصل بدانکه این شکل از چهار خانه توان کرد بصورت
نظم طبیعی جهة فتوحات ابتدا از خانه اوّل و جهة محبت
ابتدا از خانه چهارم و جهة اخراج ابتدا از خانه ششم
و جهة تفریق ابتدا از خانه هشتم و هر یک این شکل

عمر بنت شعر خوانند و مقصود است که خاص میکنند برای طریق اول بیع کریم نه
کنند طالع ابتر ثنا ازین بیت که بیت الکلام ازین وقت صحیح بیا کنند و
کدام کلمه اهدا خصوصا بعضی و دعا فصل فتوحات شیم عمر که
الهی فصل علی آله ظاهره حکمی بوئان حکمت
حروف آن نسخه
عام تام طالب
وسیصد و شصت بر او اضافه کنند و دو عدد ابدو گویند شیدا ابنکل دوم نهم بیت
عدد را که آن نه بیت اضافه نیسیصد و شصت کنند و گویند شیخ شیئا مثل
سیم عمر عمل که آن ده بیت اضافه نیسیصد و
شصت کنند و گویند شیطان مثل
جهارم عمر ص که او
پانزده بیت
وضعه بر سیصد

اختیارات قدعیه حضرت امام جعفر صادق ع فرمایند

۱ نیکست تزویج و بیع و شرای ۲ منکست تجارت و طلب مال

۳ مهمات را نشاید ۴ منکست بهمه کارها ۵ مهمات را نشاید
۶ منکست سفر و صید و شکار ۷ منکست سفر و طلب
۵ تزویج و بنا و حرکت و منکست سفر ۸ نشاید ۹ منکست ...
۱۰ ...
۱۱ ...

حاجت ۱۶ مهمات را نشاید ۱۷ مبارکست و حلت و معاملت
۱۸ نیکست طلب حاجت و نقل ۱۹ منکست تزویج و سفر که ۲۰ نیکست
۲۰ برای ملوک و سفر ۲۱ قطع کار و دوا
نشاید ۲۲ مبارکست و بد اولوکه
نیم ۲۴ نسخ ابضا ۲۴ مهمات نشاید ۲۴
نشاید ۲۵ حرکت از او اول
۲۶ منکست بهمه کارها
الا ...

۲۰۷ نیکست طلب حاجت ۲۰۸ اکثر کارها نیکست ۲۰۹ نیکست

طلب کم شده ۲۱۰ نیکست بهر حاجات و مهمات و اشغال

باشند فصد و حجامت هرگاه قمر در ...

و نو بریدن و نو پوشیدن و سفر کردن

و ختنه کردن و آلت و غیره کردن نیک مختلفست

عمارة نو نشستن و در زراعت کردن و بنا نهادن و تخم فلان کرفتن و

شرکت کردن و دو حجت نشاندن و نکاح بستن و تزویج کردن و کتخدای کهواره

کردن و داد نشنیدن و آشتی و عکس دادن و دوا و حجر بیان نهضت و علاج بیماریها

و چهارپای خریدن و بیع و شری ابیست هرگاه قمر در نور خاک باشند عمارة نو نشستن و

در زراعت کردن و نکاح بستن و شرکت کردن و بنا نهادن و دوا و حجر و دن بیماریها

و تخم فلان کفتن و تزویج و کهواره کردن و عکس دادن

و چهارپای خریدن و بیع و شری و کار دوختن و جو کردن نقد

خانه نو بریدن و نو پوشیدن و سفر

کردن و ختنه کردن

و داد و حجر دن

و علاج

بیمارها کرده نه و تی و غیر آن میانه نیست و فصد و حجامت

و کار آتش کردن بد نیست و هرگاه قمر در جوزا یا در دلو باشد کشت

کردن نشاندن و تخم و کهواره کردن

دوختن و رگ و کله کند و دادن و علاج بیماریها

فیل کردن و آشتی و عکس دادن و نو پوشیدن و خانه نو نشستن

و نو بریدن و دو نشاندن و تزویج کردن و کار آتش

و چهارپای خریدن و آشتی و عکس دادن و نو پوشیدن و فصد و حجامت کردن نیکست

و ارشیعوباند نامت نو بریدن و بنا نهادن بد نیست و فصد و نو پوشیدن و

کردن نیک نیست و ختنه کردن و عمارة کردن میانه است و نو بریدن و نو

و نکاح بستن و سفر کردن و دو عمارت کردن کرمان با آنها باشند و نو بریدن نیکست فامت

کردن و داد و خوردن و بیع و شری و ... هرگاه قمر در سرطان باشد و دادن و فصد و حجامت

کردن و دادن و کار و رگ کندن بد نیست و کهواره کردن و داد میانه است و فصد و حجامت کردن و بنا

خوردن و دوا و شنیدن و آشتی و علاج بیمار لهما میانه است و شرکت کردن و کار

کردن و ختنه و دوختن نشاندن و نوشتن و نکاح بستن و تزویج کردن

نهادن و دو عمارت و تخم فلان کرفتن و چهارپای خریدن

آشتی کردن و چهارپای

و بیع و شری و

عمرو کردن

لهرگاه قمر در اسد آتشی باشد فصد و حجامت کردن و عمارت
نو شدن و نکاح بستن و شرکت کردن و ختنه کردن
دبنا نهادن
و تزویج کردن و کار آتش
کردن بد و چهارپای خریدن وابتدا
کارها و بیع و شری و انگشت بهست فاما نو بریدن و نو پوشیدن
در زراعت کردن و تخم افکندن و کودک بکتب دادن در گهواره
کردن و از شیر باز داشتن و دارو خوردن نیامده است و علاج بیماریها و کار دیگر
دجوی کنند و غیره کردن بد بهست هرگاه قمر در سنبله خاکی باشد در زراعت کردن و در
درخت نشاندن و ابتدای کارها نیک است فاما نو بریدن و نو پوشیدن بد و عمارت نو
منذن و سفر کردن و شرکت کردن و بنا نهادن و تخم افکندن و تزویج کردن
و کودک از شیر باز داشتن و چهارپای خریدن و بیع و شری
و کار دیگر و جوی کندن و غیره مباح است و قفل
و حجامت کردن و کار آتش کردن و کودک
و در گهواره کردن و دارو
خوردن و علاج
بیماریها
کردن

بدبهت

131

ببهت هرگاه قمر در میزان بادی باشد نو بریدن و نو پوشیدن
و سفر کردن و درخت نشاندن و ختنه کردن و تخم افکندن
و تزویج و کودک در گهواره
کردن و کودک بکتب دادن و از شیر باز
کردن بد و عکس بکتب دادن و درخت نشاندن
کردن بد و عمارت کردن و شکار کردن و فصد و حجامت کردن
دیبش و مع و دعوی کردن و شکار کردن و بنا نهادن و دارو خوردن و علاج
و بستن فاما نکاح بستن و زراعت کردن و بنا نهادن و دیگر کارها بد بهست هرگاه
نیک بهست و عمارت نو شدن و زراعت کردن هرگاه قمر در عقرب آبی باشد نو بریدن و نو پوشیدن و عمارت نو شدن و شکار کردن
مباح بهست و خریدن بد بهست و نو بریدن و نو پوشیدن و ختنه کردن و در گهواره کردن
بیماریها و چهارپای باشد فصد و حجامت و نو پوشیدن و کودک در گهواره کردن و بیماریها
در نو عروس آتش باشد و شرکت کردن و تزویج کردن و کار آتش کردن بد بهست فاما علاج بیماریها
بستن و سفر کردن و شرکت کردن و کار آتش نیک است
و تزویج کردن و از شیر باز داشتن و بیع و شری
از شیر باز داشتن و خریدن و بیع و شری
و چهارپای خریدن و زراعت کردن و درخت
نشاندن

و بنا نهادن و دارو خوردن بد است هرگاه قمر در حمل خاکی
باشد زراعت کردن و کاریز و جوی کندن نیک است
فاما نو بریدن و نو پوشیدن و تخم فیله کردن میانه است
و فصد و حجامت و حمامه نو شدن و نکاح بستن و شرکت
کردن و ختنه و بنا نهادن و تزویج کردن و شکار
کردن و کودک در گهواره کردن و عکس دادند
و دارو خوردن و علاج بیماریها و جهاد با
خریدن و بیع و شرا و قی و غرغره کردن [illegible]
هرگاه قمر در برج [illegible] باشد حمامه نو شدن
و نکاح بستن و شرکت کردن و درخت
نشاندن و تخم فیله کردن و تزویج
کردن و کودک در گهواره کردن
و عکس دادند و جهاد با
خریدن نیک است فاما
فصد و حجامت کردن
و [illegible] کردن
و ختنه کردن
و کار آتش
[illegible] کردند
[illegible]
میانه است و فصد و حجامت و ختنه کردن و کار آتش و قی
و غرغره کردن بد است والله اعلم بحقیقة الحال

۱۳۲

و لسعدی

بسم الله الرحمن الرحیم اما بعد این رساله‌ایست در بیان اختیار
ساعات چنین گویند راویان زمانه و حکیمان روزگار که
دراصل
این صنعت بوده [illegible] از [illegible]
[illegible] که در بلاد [illegible] بعمل [illegible]
و اصحاب [illegible] رسیدند که [illegible] هر سال نو باید
[illegible] نزدیک باشند و [illegible] از منجمان و [illegible]
[illegible] بنیاد [illegible] بیاض [illegible] و [illegible]
[illegible] در [illegible] اختیار کرده
[illegible]
که در شبانه روزی یک دور میکردند بدین نوع که هفت دور
هفته و هفت شب را هر یک هفت ساعت اختیار نموده هر ساعت را
بستاره منسوب کرده و صلاح و فساد آن را در این جدول پیدا کرده
تا در شبانه روزی که ساعتها نو شود در آن ساعت بدانند
که چه باید کرد و آنچه کار در هر یک باید نمود و قانون این جدول را

به نوع احکام حکمای ماتقدم هست و این تحویل و تبدیل نگردد و
و هر که این کتاب هرگز نگران نشود و غم و الم بروی کار نکند و روز

نکند از جمیع کلی بنا شنود آفته
دارا صحاب و دولت و در آخر خود و بهشت
بموسنه عز و علم باشند و جمیع کلی خلق نموده
کدام سعد و کدام نحس هست و جمیع کلی و حکمای این کتاب
معلوم باشد که ساعات هر یک از هفت نجوم
جمع کرده شد تا هر روز و شب
عنبها دریں جداول
هفته و
اعلم بحقایق الامور
و عم بالخیر

ساعات اللیل شب شنبه

اول شب مریخ خفتن شمس نیم شب زهره اول مرغ عطارد
صبح کاذب قمر صبح صادق زحل وقت نماز مشتری
شب یکشنبه اول شب عطارد خفتن قمر نیم شب
زحل و مرغ اول مرغ مشتری صبح کاذب مریخ صبح صادق
شمس وقت نماز زهره شب دوشنبه

اول شب مشتری

اول شب مشتری خفتن مریخ نیم شب شمس اول زهره صبح
کاذب عطارد صبح صادق قمر وقت نماز زحل شب سه شنبه
اول شب زهره خفتن عطارد نیم شب قمر اول مرغ زحل
صبح کاذب مشتری صبح صادق مریخ وقت نماز شمس شب چهارشنبه
اول شب زحل خفتن مشتری نیم شب مریخ اول شمس
صبح کاذب زهره صبح صادق عطارد وقت نماز قمر شب
اول شب شمس خفتن زهره صبح صادق نیم شب عطارد
اول مرغ قمر صبح کاذب زحل صبح صادق مشتری وقت نماز
مریخ شب آدینه اول شب قمر خفتن زحل نیم شب
مشتری اول مرغ مریخ صبح کاذب شمس صبح صادق زهره
وقت نماز عطارد ساعات الیوم
شنبه اول روز زحل نیم چاشت مشتری زوال مریخ

نماز پیشین شمس میان دو نماز زهره نماز دیگر عطارد
آخر روز قمر یکشنبه اول روز شمس
نیم چاشت زهره زوال عطارد نماز پیشین قمر میان
دو نماز زحل نماز دیگر مشتری آخر روز مریخ ه
دوشنبه اول روز قمر نیم چاشت زحل زوال
مشتری نماز پیشین مریخ میان دو نماز شمس نماز دیگر زهره
آخر روز عطارد سه شنبه اول روز مریخ نیم چاشت
شمس زوال زهره نماز پیشین عطارد میان دو نماز
قمر نماز دیگر زحل آخر روز مشتری چهارشنبه
اول روز عطارد نیم چاشت قمر زوال زحل
نماز پیشین مشتری میان دو نماز مریخ نماز دیگر
شمس آخر روز زهره پنجشنبه
اول روز مشتری نیم چاشت مریخ زوال شمس

نماز شمس

نماز پیشین زهره میان دو نماز عطارد نماز دیگر قمر
آخر روز زحل جمعه اول روز زهره نیم چاشت
عطارد زوال قمر نماز پیشین زحل میان دو نماز
مشتری نماز دیگر مریخ آخر شمس والله اعلم بالصواب

ساعت زحل چون [illegible]
ساعت زحل [illegible] نیکند
اسباب کدخدای و جوی کندن و کاریز و غیره
و زراعت و شخم زدن و دیوار و ... و صحبت با امینان
و بیع و شرای و کارهای سلطانی کردن نیکی نشستن کردند [illegible]
و دیدار علما و سید علمی و ... و نفقه و ... و صحبت داود
خوردن و دست بریدن جامها و نو پوشیدن [illegible]
ساعت مشتری [illegible] و دراز [illegible]
بود و از دنیا [illegible]
[illegible]

برای ورود بدان بر بایدالله نجیب بعد مشاهده جنس نشست

بمشتری رسد نیک بیت تزویج و مصاهرت کردن و طب

و ستی و حاجت خواستن و سفر کردن و دیدار ملوک و سلاطین

کمار و ابتدای کارهای معظم و بیع و شرا و نو بریدن و نو

پوشیدن ... و رخص ... بعد ... وکار بای ...

و درو ... نیک ... از ... و آلت ... ایشان ... بد ... از قدیم

و جاه کسندن و ... کارهای ... و ... بود ... از ... بد ...

کهان ... ان و ... کارها و ... ابواب ... بیش ... علی

فع و دیدار ... و ... کند ... بیع ... ساین

که و ... بد ... و ... الست ... و قصد و ... ایشان

منع و ... و ... کردن

و ... کردن

بیرون

بالای سپیده ...

از هر ولایتی ... دگر ...

تهران ... بپوشد ... نیک ... [illegible]

... ۱۱ ... [illegible]

... [illegible]

چو کنند ... [illegible]

نیک ... دیگر ... [illegible]

پیچ ... [illegible]

از ... [illegible]

... [illegible]

کر ... آورد ... دیگر ... [illegible] زعفران

و ... [illegible]

جو ... [illegible]

جمع ... کنند ... دیگر ... [illegible]

اما بعد عبد الله کنغی و غیره گفته اند هر گاه بخواهی ستاره چهره کسی یا دعا بنویسید باید ملاحظه
دوره آسمان دوازده برج است و این دوازده برج را هفت کوکب است
پس باید نام محقق با او و مادر را بحساب ابجد صغیر حساب کنند اگر یک آمد حمل است
آتشی بود اگر دو آمد ثور خاکی اگر سه جوزا بادی چهار سرطان آبی پنج آمد اسد است
آتشی شش بود سنبله خاکی هفت ماند میزان بادی است هشت ماند عقرب آبی نه
ماند قوس آتشی ده ماند جدی خاکیست یازده ماند دلو بادی بادی دوازده
ماند حوت آبی است پس جوزا و میزان و دلو بادی باشند و سرطان و عقرب
حوت آبی و زنند ثور و سنبله جدی خاکی و ماده اند حمل و قوس اسد آتشی زنند
بنا بر این اگر طالع حمل و جوزا باشد موافق است سنبله و عقرب باشد
موافق است جدی و حوت موافق است پس اگر طالع کسی آتشی باشد
دعای محبت را روز دوشنبه و یکشنبه در ساعت مشتری یا زهره بنویسید
اگر طالع خاکی باشد دعای محبت را شنبه یا سه شنبه با عشق بنویسید
اگر طالع بادی باشد دعای محبت چهارشنبه یا شنبه با عشق بنویسید
اگر طالع آبی باشد دعای محبت را جمعه یا شنبه با عشق بنویسید
اما حمل عقرب متعلق است بمریخ ثور و میزان متعلق است بزهره قوس و حوت را
متعلق بمشتری جدی و دلو متعلق است بزحل بعد از جمع چند دعا را باید بنویسند
محبت را در ساعت خودش زبان بند در ساعت خودش عقد الرجال و بغض را در ساعت خود
شنبه بغض را یکشنبه محبت را دوشنبه عقد اللسان سه شنبه [illegible] چهارشنبه [illegible]

وحشر لسلیمان جنوده من الجن والانس والطیر فهم یوزعون
حتی اذا اتوا علی واد النمل قالت نملة یا ایها النمل ادخلوا مساکنکم
لا یحطمنکم سلیمان و جنوده و هم لا یشعرون
[illegible]

وجه دیگر بعقوبیا محبت رااش بد که بنویسد و طالع اگر آتشی باشد در آتش اندازد یا در فیس
کردن حیی عمل نیت کند با بادی باشد بر درخت یا بر باد آویزان کند نیت کند یا خاکی باشد
در زمین بکر دفن کند یا زیر سنگ گذارد نیت کند یا آبی باشد با آب که روان انداز در یا آب
بالد بحوزد مطلوب دهد نیت کند که خطا نشود چرا که انما الاعمال بالنیات و هر که را
نجاهد محبت اندازد نام او و نام مادرش را پیش نویسد موافقت بین زن مرد آتش و باد
موافق خاک و آب موافق اما باد و خاک موافق نیست آتش و خاک موافق نیست
آب و خاک سزاوار یعنی میانه بود آب با آتش با آتش باد بباد عیب ندارند خوب خوب هم
نیست به هم نیست خاک بخاک باد با آتش خوب و موافق ایضًا بعقوبیا بیش دعای محبت و جذب
قلوب الیفه بنویسد ساعت زحل عداوت و دشمنی ساعت مریخ ایضًا دشمنی ساعت زهره ایضًا محبت
ساعت قمر خواب بندی ساعت عطارد مرد بندی ایضًا اگر ستاره مرد و زن نحس باشد خوب نیست چندان
سازگار نباشند اگر یکی از ایشان ماده خوب باشد با اجابت برید حال دانستن سعد و نحس کواکب
سبعه سیاره شمس مذکر است نحس مشتری مذکر است سعد اگر مریخ نر است نحس عطارد نر است
نحس زهره ماده است سعد اگر زحل ماده است نحس اگر قمر ماده است سعد اگر
خواهی دو نفر باهم موافق سازی که باهم مهربان شوند باید بداند که کدام روز و کدام
ساعت متولد شده اند عمل نماید که همان روز و همان ساعت تا باهم مهربان
شوند اگر نداند چه روز متولد شده اند نام او و مادر او را بحساب ابجد کبیر
حساب کند بعد هفت هفت طرح کند اگر یکی ماند یکشنبه خرشنبه وجه روز
باشد متولد شده دو ماند دوشنبه سه ماند سه‌شنبه چهار ماند چهارشنبه
پنج ماند پنجشنبه شش ماند جمعه هفت ماند شنبه متولد شده اگر طالع آتشی است
عمل آتش کند اگر آبی است در آب اگر خاکی است در خاک اگر بادی است
در باد اگر آتشی باشد طالع او جانب مشرق کند بنویسد اگر بادی است
جانب شمال کند بنویسد اگر طالع آبی است رو جانب مغرب کند اگر خاکی است
جنوب کند مثل الدعقس آتشی در مشرق نهاری نور سنبله جدی خاکی در جنوب
لیلی اند برزان جوزا دلو بادی در شمال نهاری سرطان عقرب حوت آبی اند
در مغرب لیلی باشند بدانکه

بدانکه هر کوکبی متعلق بیکروز است و هر کوکبی را ملکی موکل است و باید که هر ایمی
انها ملایز بکنند عامل موکل روز و کوکب را در زیل دعا بنویسد مثل اینکه روز شنبه
تعلق بزحل دارد و موکل او اسمعیل است یکشنبه تعلق بشمس دارد موکل او جمعائیل است
دوشنبه تعلق بقمر و موکل او ادیائیل است سه‌شنبه تعلق بمریخ موکل او صمصائیل
یا صورائیل است چهارشنبه تعلق بعطارد موکل او میکائیل است پنجشنبه تعلق بمشتری
موکل او صرفائیل است جمعه تعلق بزهره موکل او عنیائیل است دیگر آنکه پادشاهان
دیو و جن که متعلق بروزها میباید در زیل دعا نوشت نام ایشان را در هر روز دیو مخصوصه
هستند چنانچه دیو جمعه الشش الودود اسم دیو روز یکشنبه حیر حطا است اسم
دیو سه‌شنبه صیاد است اسم دیو شنبه نام پادشاهان جن اسم جن یکشنبه مالک ذهب
مالک ذهب جن دوشنبه مالک ابیض و نیز با او بعد اسم جن سه‌شنبه مالک احمر اسم
جن چهارشنبه مالک درلیس اسم جن پنجشنبه مالک شمهورس اسم جن جمعه مالک ابیض
و ابیض هر گاه دعای عداوت بنویسد این اسماء را باید نوشت بسم الله الرحمن الرحیم یا اهرادائیل
یا شکائیل یا الومائیل یا صرفائیل یا هوائیل یا همرائیل یا طوطائیل یا قهرائیل یا هوکیل یا ابرمرائیل
بحق بحون زیک و بحق یخون جیشی یعقلک و رحمتک یا ارحم الراحمین هر گاه تعویذ زبان
بند بنویسد این اسماء را هم بنویسد بحق عقد بهم نوملکم ملبسا نکم بحق بطاشیا
بطلشیا بطشیا بحق النسخ کنسخ اهیج مهیج کهکهیج یا بنوح یا بنوح و باید عامل
وقت قلم تراشیدن و قطع زدن این دعا را بخواند و بگوید الله و چون نجاهد قلم تراشد
بتراشد و سه خط بر دور خود بکشد و در وقت خط کشیدن این آیه را بخواند بعد سعله
و کفی بالله سبحان الحمد لله لا اله الا الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی
المسبح و بحمدک یا ارحم الراحمین و چون دعای محبت بنویسد این نام ها را نیز بنویسد
العجل العجل الساعه الساعه الوحا الوحا الوحا الوحا الوحا
الهیا اهیا اصباوت اصباوت اصباوت بحق بطاشیا بطلشیا
بطلشیا بحق النسخ کنسخ اهیج مهیج کهکهیج یا بدوح یا بدوح یا بدوح

اگر بخواهی بدانی طالب و مطلوب کدام یک غالب و کدام مغلوب
میباشند یا زن و مرد یا دو نفر که باهم نزاع دارند اسم هر دو را
بحساب ابجد بگیرد بعد نه نه طرح کنند اگر بعد از طرح عدد هر دو
زوج باقی مند زوج کمتر غالبست بر زوج بیشتر اگر عدد هر دو طاق
آمد طاق کمتر غالبست بر طاق بیشتر اگر یکی از عدد دو نفر زوج است
و یکی فرد هر کدام بیشتر است عددش همان غالب است اگر هر دو
مساوی باشند در عدد اگر در زوج مساوی هستند مطلوب غالب است
و اگر در فرد مساوی هستند طالب غالب است مثلا محمود طالب است
عدد گرفتیم نود هشت تا است نه نه طرح کردیم هشت باقی مند و
قاسم که مطلوب است عدد گرفتیم دویست یک شد نه نه طرح کردیم
۳ عدد باقی مند یعنی الثلثه محمود غالب است چرا که یکی زوج است
و یکی فرد اگرچه که عدد اسم محمود است بعد طرح غالب است مثلا
صادق را عدد گرفتیم صد و نود و پنج است نه نه طرح کردیم شش باقی مند
و علی را عدد گرفتیم صد و ده شد نه نه طرح کردیم دو باقی مند علی
غالب است چرا که شش هم زوج است دو هم زوج است اما گفتیم که
زوج کم بر زوج بیش غالب است اشعاری ذکر بنده که معلوم شود
در زوج و فرد نصرت اعداد کمتر است ور مختلف شوند ظفر زان کمتر است
مطلوب غالب است اگر زوج متوبت ور فرد متوبت چه طالب مظفر
طاق کم بر طاق بیش جفت کم بر جفت بیش گر یکی زوج است و دیگر طاق اگر

طاق کم بر طاق بیش جفت کم بر جفت بیش گر یکی زوج است و دیگر طاق اگر غالب است

اگر بخواهی موافق نزع که مستحق باشد کسی را قبض کرد ای بمرضیکه مهلک باشد
پنجاه شش مرتبه سوره ماعون را بر قبر بخواند

عدد زیاد ۳ ۱۱۸

جهت احضار ان یا راد الشمس لعلی بن ابی طالب را ۳۶۱
مرتبه با ضافه عدد اسم مطلوب در ایام هفته تقسیم نموده که هر روزی
چه قدر میشود مداومت نماید بخواند و کرو زیادتی را در روز آخر
بخواند و قصد احضار در روز آخر نماید انشاءالله مطلوب حاضر شود

ایضا طریقه دیگر سوره اذا وقعت را نه مرتبه بر نه دانه فلفل بخواند و
و فلفلها را در شیشه کوچک نهد و شیشه مذکور را در بالا آتش نرم نهد با اسم
مطلوب شرط است آتش نرم بی شعله باشد مطلوب حاضر شود

طریقه ختم الم نشرح از جهت پول و برکت کیسه که هرگز از پول
خالی نشود تا چهل روز هر روزی چهل مرتبه بر یک قران رایج یا یک زر رایج
مثل اشرفی یا غیره بخواند بعد روز چهل بگیرم ابریشم رنگ بگیرد بر آن قران
یا پول زرد بپیچد به پیچد و در میان کیسه گذارد که پول داشته
باشد هر چند خرج کند از همان کیسه تمام نشود و از پول خالی نشود

ایضا آقا میرزا مهدی پول داده دفعه پنج تومان دو قران کم

ایضا دفعه دو تومان یکهزار

ایضا که ۳ تومان شش هزار

جهت معلوم دزد یک طاس را پر آب کن پیش خود بگذار بعد یک
انگشتر نقره بقدر یک وجب نخ خیاطه بحلقه اش ببند هر کس را که
گمان داری اورا اسم حاضر کن دور طاس بعد آن نخ خیاطه را
بدست بگیر در میان طاس پر آب نگاه دار چنان که انگشتر
به طاس نزند بعد اسم یک یک را در کاغذ بنویس روی
آب بگذار و شروع کن بخواندن الحمد و معوذتین و آیة الکرسی
و یس را تا مبین با اسم هر که دزد باشد انگشتر حرکت میکند
به پهلوی طاس و اگر حرکت نکرد یقین دزد حاضر نیست
آنجا و با اسم آنها که حرکت نکرده دزد نیست اسم بگذارد
تا حرکت کند در همان است تجربه شده عامل باید اول
وضو بگیرد و بقرائت بخواند

بتوسط آخر الحاج حاجی حسین عبادت جهت ضعیفه کلثوم
چهار ساله است پانزدهم ربیع الثانی شروع شد ۱۳۲۱

الحمد لله رب العالمین [illegible] بجمیع محامده کلها علی جمیع [illegible] بکماله وکشف الذی
[illegible] صل علی سیدنا ونبینا [illegible] الانبیاء والمرسلین
[illegible] محمد وآله [illegible] الطیبین [illegible]
اللهم مولانا مولی [illegible] احمد [illegible] [illegible]
[illegible] الرحمن الرحیم [illegible] جمیع حالات
[illegible] عالم السر والخفیات [illegible] کلام [illegible] مجید
نبیت [illegible] دعای که [illegible] حاجت [illegible]
قاضی [illegible] حاجات [illegible]
[illegible]

مرقد خاک خواجهٔ کاینات خلاصهٔ کل موجودات دان شاه
صدر صفات دان شاه جملهٔ اصطفات دان سیمرغ قاف
او ادنا دان عندلیب گلشن ما ینطق عن الهوا دان طوطی
قفس ما زاغ چراغ افروز چشم اهل بینش تر از آن کار
کارگاه آفرینش ریاض بخش باغ صحفاهی کلید مخزن
کنج الکمه سر در خواب دل در استقامت زبانش امتی
گو تا قیامت یعنی بروح حضرت با رفعت محمد رسول الله ص
الهی واصل و متواصل گردانی مهینا به نبی و علی و حسن و حسین
بپدر عابدین و بباقر عمیر دین جعفر بموسی و برضا تقی
و هم بنقی بعسکری و بمهدی امام غیب اندر مخفی
جمله امامان که نام شان بردیم که از جمیع گناهان
عاصیان بگذر گناه جمله زنان را بفاطمه بخشی گناه
جمله مردان به ساقی کوثر الهی الهی صد هزاران هزار

بروح درجات بشارات کرامات قنادیل نور و مشاعل وافر
السرور از روضهٔ پاک رسول که از ملک الغفور بروح روان
اجر المحرم بکرم الاکرم جوار رحمة الله الملک بارواح روح دولت
ساعات مغفور سیکتم فلان در سانیده گردانی الهی اگر
مغفرت عذاب را از آن برداری و اگر در رحمة هست رحمت را
بران زیاده بر زیاده بگردانی و عزیزان مصیبت رسیدهٔ او را
صبر جمیل و عطای جزیل کرامت فرمائی و ز ابواب بهشت جا
دانی و روی در قبر آن کس مر توانی و درون قبر آن شمع
بر افروز که نه در شب بشود غایب نه در روز عزیزان
که از نزدیک و از دور کرم فرموده اند اقدام پر نور خداوندا
با اولاد پیمبر که داری دین و دنیا شان تو معمور یا الله
العالمین یا خیر الناصرین برحمتک یا ارحم الراحمین یک بار فاتحه
و سه نوبت سورهٔ اخلاص

مراد و مراد مندان حاجت حاجتمندان شفای جمیع جمله بیماران

ردای دام وام داران خلاصی جمله غایبان اسیران مسلمانان

برفتادن ظالمان قوت کار دهقانان برکت کار کاسبان

بدرقهٔ راه مسافران بر بحر عالم خصوصاً حاجیان بیت

الله الحرام و زوّاران قبول ائمّهٔ انام علیه السّلام را

بعد از زیارت مقبوله بمنزل او بتا و شان برسانی

على الخصوص از ابو البشر آدم تا بخاتم از خاتم تا بایندم

هر کی مؤمن و مؤمنهٔ صالح و صالحهٔ که سر در نقاب

تراب تنگ تیره کشیده اند ارواح همه را شاد گردانی

بار على الخصوص ارواح پدران و مادران و برادران

و همشیرگان قومان و خویشان و استادان معلّمان

متعلّمان حقوق حق داران کافه و ائمّهٔ اهل اسلام

بنا کرده

بنا کنندهٔ آن منزل و این مقام را شاد گردانی على الخصوص

ترویح روح این نو گذشته را با نور نقشهای دیگر یک بار فاتحه

و سه نوبت سورهٔ اخلاص بخوانیم و قربت کنیم

ختم کلام ظهور امام بر افتادن کفار خروج قایم آل محمد سلام

اصحاب که برو کیو مر با فتنهٔ تا فتنهٔ فتک بوی عیبر بوی

قریشی هاشمی محمد عربی بلند سید و بسعد و صلوات بر دشمنان

على ابن ابی طالب تا بروز قیامت مدام لعنت باد

[illegible]

۲۴	۲۹	۲۲
۲۳	۲۵	۲۷
۲۸	۲۱	۲۶

۷۵

۲۴	۲۹	۲۲
۳۲	۵۲	۷۲
۲۸	۱۲	۶۲

۷۵

بسیار خوبست واگر دو بماند میانه [illegible]

خوبست واگر سه بماند میانه خوبست واین استخراج

منسوب بحضرت صاحب الامر علیه السلام

عقرب قوت چلپاسه را کویند قرطبوس بلاد بختی

کویند حرز عنبیل جزیره ای الذاله وکم را کویند

تخندریس شراب کهنه را کویند

۱۴۲

مضمون آن آیه که بر همه [illegible] کل نفس ذائقة الموت [illegible]

[illegible] روزگار غدار

اجب [illegible] بدر [illegible] روزگار

[illegible] فلک [illegible] روزگار

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



